تقویم تاریخ امر

حاوی وقایع مهمّه قرن اوّل بدیع

تألیف :

عبدالحمید اشراق خاوری

مؤسسهٔ نمی مطبوعات امری
۱۲۶ بدیع

جوانان و یاران عزیز الهی

لجنه ملی جوانان بدرگاه جمال اقدس ابهی جلّ ذکره الاعلی سپاسگزار است که توفیق به نشر این کتاب می یابد .

این کتاب که وقایع مهمه قرن اول دیانت جهانی بهائی را فهرست وار در بر دارد فاضل ارجمند جناب آقای اشراق خاوری بنا بر تقاضای این لجنه تدوین نموده اند تا هم برای نوجوانانی که تازه به مطالعه تاریخ امر می پردازند سودمند بوده و هم برای آنانکه قبلا کتب مهمه تاریخیه را مطالعه کرده اند مفید واقع شود .

وقایع مهمه در این کتاب در نهایت اختصار مندرج است اما هر جا شرح وقایعی مفصل تر بعنوان ضمیمه بیان شده به این خاطر است که در کتب تاریخیه موجوده شرح آن وقایع اصلا و یا بتفصیل موجود نیست .

این لجنه ضمن اظهار تشکر و امتنان از حضور موء لف گرانمایه آرزومند است که عزیزان جوان و جمیع احبای رحمان از مطالعه این کتاب بهره بسیار بر گیرند .

لجنه ملی جوانان بهائی ایران

سنه ۱۲۲ بدیع

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲٤	۱۵	عدد ٤ دراول سطرزائد است	
٤۸	۵	الحاد	الجاد
۷۰	٦	الواحد الاول	الواحد الثانی
۸۲	۵	الحار	الجاد
۱۰۹	٦	الحاد	الجاد
۱۸۵	۵	الواحد السادس	الواحد الخامس
۱۸۵	٦	واحد ششم	واحد پنجم
۲۲۰	۷	سلسال	سال
۷۳		مطلب شماره ۳ بکلی زائد است ومکرر	
۱۳۰	۹	ضمیمه یازدهم	ضمیمه سیزدهم
۱۱۱	۱۱	اخت محترم	اخت حرم محترم
۹۷	۸	ضمیمه یازدهم	ضمیمه نهم

هـــوالله

حضور احبای عزیز معروض میدارم :

این کتاب را که حاوی وقایع مهمّه امریه قرن اوّل بدیع است در اینسال که نخستین بیت العدل اعظم الهـــی تشکیل میشود فراهم نمودم و برسم یادگار اینسال فرخنـــده فال بساحت اقدس بیت العدل اعظم تقدیم مینمایم در ذیل هر سال وقایع مهمه را یاد داشت کرده‌ام ودر تطبیق سنوات امری و شمسی و قمری و میلادی از مهمترین و صحیحتریـــن منابع تقویم تطبیقی استفاده نموده‌ام این تقویم تطبیقـــی صحیح مورد اعتماد راد کتر احمد نجم آبادی تهیه کرده و طبع و نشر نموده است و صحت آن ازهرجهت محرز اســت در مقدمه این کتاب وقایع مهمّه راکه قبل از اظهارامرحضرت ربّ اعلی واقع شده و در تاریخ امر بدیع مورد نظر واهمیت است ذکرکرده امو از آغاز سال ١٢٦٠ هـ.ق ١٨٤٤ میلادی بذکر وقایع مهمّه امریه در ذیل هرسال پرداختم امید است که این خدمت ناچیزمورد نظر امنای الهی ووزرای بیت العدل اعظم وفقهم الله تعالی قراربگیرد .

طهران ـ شهرالرحمه ١٢٠ بدیـع

تیرمـــاه ١٣٤٢ هـ.ش .

عبدالحمیـــد اشراق خـــاوری

وقایع مُهمّه

قبل از

اظهار امر حضرت نقطه اُولیٰ

وقایع مهمه امری سال ۱۲۲۷ هـ . ق .
مطابق ۱۸۱۱ میلادی

۱ــ تولد ملا محمـــد علی حجت زنجانی .

وقایع مهمه امری سال ۱۲۳۳ هـ.ق.
مطابق ۱۸۱۷ م.

۱ــ تولّد جمالمبارك در طهران دوّم محرم .
۲ــ تولّد طاهره (قرةالعین) در قزوین .

وقایع مهمه امری سال ۱۲۳۵ هـ.ق.
مطابق ۱۸۱۹ م.

۱ــ تولد حضرت اعلی غره محرّم در شیراز .

۲ــ سیرو سفر شیخ احمد احسائی در ایران و بشـــــارت بظهور مبارك .

وقایع مهمه امری سال ۱۲۳۷ هـ.ق .
مطابق ۱۸۲۱ م .

۱ــ تولد خدیـــــجه خانم حرم حضرت اعلی در شیراز .

وقایع مهمّه امری سال ۱۲٤۲ هـ.ق.
مطابق ۱۸۲٦ م.

۱ــ وفات شیخ احمد احسائی نزدیك مدینه منوّره و دفنش در قبرستان بقیع . (جناب شیخ احمد احسائی درمـــاه رجب سال ۱۱٦۰ در احساء متولد شده است .)

۲ــ جانشینی سید کاظم رشتی بعد از وفات شیـــخ به ریاست شیخیه .

وقایع مهّمه امری سال ۱۲۴۳ هـ.ق .

مطابق ۱۸۲۷ م.

۱ــ وفات آقا سید محمد رضا تاجر شیرازی والـــد حضـــرت رب اعلی در شیراز .

وقایع مهمّه امری سال ۱۲٤٤ هـ. ق.
مطابق ۱۸۲۸ م.

۱ــ تولّد جناب فاضل قاینی آقا محمّد نبیل اکبر در قریـــهٔ نوفرست قاین .

وقایع مهّمه امری سال ١٢٥٠ هـ.ق.
مطابق ١٨٣٤ م.

١ــ جلوس محمد شاه قاجار بتخـــت سلطنت ایران .

٢ــ ظهور مبارك حضرت اعلی در دوره سلطنت او بوقـــوع پیوست و او بود که هیکل مبارك را در ماه کو باغوای حاجی میرزا آقاسی محبوس ساخت .

وقایع مهمّه امری سال ۱۲۵۱ هـ. ق.
مطابق ۱۸۳۵ م.

۱ــ ازدواج حضرت بهاءالله با آسیه خانم دختر میـــرزا اسماعیل نوری .

۲ــ قتل قائم مقام فراهانی بامر محمد شاه در باغ گلستـان آخر صفر. (جمالقدم او را سید مدینه تدبیر و انشـــاء فرموده اند) .

وقایع مهّمه امری سال ١٢٥٥هـ.ق.
مطابق ١٨٣٩ م.

١ــ صعود جناب میرزا بزرگ نوری موسوم به میرزاعبـــــاس والد جمالقدم در طهران . (بضمیمه اول مراجعه شود)

وقایع مهمّه امری سال ۱۲۵۸ هـ.ق.
مطابق ۱۸٤۲ م.

۱ــ ازدواج حضرت اعلی با خدیـــــجه خانم .

وقایع مهّمه امری سال ۱۲۵۹ هـ.ق.
مطابق ۱۸۴۳ م.

۱ــ صعود سید کاظم رشتی در کربلا در نهم ذیحجه (تولدّش در ۱۱۹۸ هـ.ق. بوده است).
۲ــ وفات احمد فرزند حضرت اعلی در شیراز .
۳ــ مامور شدن ملاحسین بشروئی از طرف سید کاظم رشتی باصفهان و خراسان برای ملاقات باحجّت الاسلام شفتی در اصفهان و میرزاعسکری مجتهد در مشهد .

× × × ×

در پایان این مقدمه این مطلب را هم ذکر کنیم که آغاز سالهای هجری قمری ماه محرم الحرام است و اولیّن روز نخستین محرم سال هجری قمری مطابق بوده است با روز جمعه شانزدهم جولای ۶۲۲ میلادی و باین حساب ــ اوّل محرم سال ۱۲۶۰ هـ.ق. مطابق بوده است با روز دوشنبه ۲۲ جانوری ۱۸۴۴ میلادی و آغاز محرم سال ۱۲۶۱ هـ.ق. مطابق بود باجمعه دهم جانوری ۱۸۴۵ م

و اوّل محرم سال ۱۲۶۲ هـ.ق. مطابق بوده باسه شنبه سی ام دسامبره ۱۸٤٥م:

اوّل محرم ۱۲٦۳هـ.ق. یکشنبه ۲۰دسامبر۱۸٤٦ م.
اوّل محرم ۱۲٦٤هـ.ق. پنجشنبه ۹ دسامبر ۱۸٤۷م.
اوّل محرم ۱۲٦٥هـ.ق. دوشنبه ۲۷نوامبر ۱۸٤۸ م.
اوّل محرم ۱۲٦٦هـ.ق. شنبه ۱۷ نوامبر ۱۸٤۹ م.
اوّل محرم ۱۲٦۷هـ.ق. چهارشنبه ٦نوامبر ۱۸٥۰ م.
اوّل محرم ۱۲٦۸هـ.ق. دوشنبه ۲۷ اکتبر ۱۸٥۱ م.
اوّل محرم ۱۲٦۹هـ.ق. جمعه ۱٥ اکتبر ۱۸٥۲ م.
اول محرم ۱۲۷۰هـ.ق. سه شنبه ٤ اکتبر۱۸٥۳ م.

و بر همین قیاس تا آخر باید حساب کرد که در تقویم تطبیقی نجم آبادی از سال ۱۲٦۷هـ.ق. تا سال ۱۳۳٤ هـ.ش تفصیل ذکر کرده است.

وقایع سالیانه

قرن اوّل بدیع

اظهار امر حضرت اعلی شصت و پنج روز بعد
از نوروز سال ۱۲۶۰ هـ.ق بود . نوروز آنسال
در اوّل ربیع الاوّل سال ۱۲۶۰ هـ.ق ۲۱ مارس
۱۸۴۴ میلادی و سال ۱۲۲۳ هـ.ش بوده
است

وقایع مهمّه امری سال ۶۱ـ۱۲۶۰ هـ.ق
۵ـ۱۸۴۴ مـ سنة الستین
سنة الالف من الواحد الاول
(سال اول از واحد اول)

۱ـ مراجعت ملا حسین از مأموریت اصفهان و خراسان بکربلا پس از وفات سید کاظم ـ اوّل محرم ـ ۲۲ جانوری
۲ـ اعتکاف ملا حسین و همراهانش در مسجد کوفه بمدت چهل روز .
۳ـ اظهار امر حضرت اعلی جل ذکره نزد باب الباب شب چهارشنبه پنجم جمادی الاولی مطابق ۲۳ می .
۴ـ نزول تفسیر احسن القصص و انتشار صحیفه مبارکه مخزونه صادره از قلم حضرت رب اعلی جل اسمه الاعلی .
۵ـ ورود سعید هندی به شیراز و ایمانش بامر مبارک .

۶ــ تولّد حضرت عبد البهاء جل ثنائه در لیله بعثت حضرت اعلی ۲۳ می ۱۸۴۴ . جمالقدم در ۱۸ سالگی (۱۲۵۱ هـ.ق ــ ۱۸۳۵ م) با آسیه خانم معروف به نواب و ورقه علیا ازدواج فرمودند .

۷ــ وصول عریضه باب الباب از خراسان بحضور مبارک حضرت باب .

۸ــ استماع سید یحیی دارابی آوازه امر مبارک را در طهران

۹ــ توجّه ملاعلی بسطامی از شیراز بکربلا بامر مبارک برای تبلیغ .

۱۰ــ خروج حضرت اعلی از شیراز بطرف بوشهر برای سفر مکّه . شعبان ۱۲۶۰ ــ سپتامبر ۱۸۴۴ .

۱۱ــ ورود حضرت اعلی ببوشهر . ۶ رمضان ــ اکتبر .

۱۲ــ ورود بکشتی از بوشهر . ۱۹ رمضان ــ اکتبر .

۱۳ــ وصول بمکّه مکرّمه . اوّل ماه ذیحجّه ــ ۱۲ دسامبر .

۱۴ــ تشرف سید جعفر کشفی پدر وحید دارابی بحضور مبارک حضرت اعلی . (در احسن القصص آیاتی خطاب به سید جعفر نازل شده است) .

۱۵ــ تمام شدن مناسک حج و عمره سیزدهم ذیحجه .

۱۶ــ اتمام حجت حضرت اعلی بمیرزا محیط کرمانی در مسجد الحرام . ذیحجه (دسامبر) .

۱۷ــ ابلاغ امر بشریف مکّه بوسیله ٔ قدوس . ذیحجـــــه (دسامبر)

۱۸ــ تشرّف حاجی ابوالحسن بزّاز شیرازی بحضـــــور مبارك در سفر مکّه . مشارالیه پدر مرحوم محمد باقـــرخان دهقان شیرازی است .

۱۹ــ تولّد جناب ابوالفضائل گلپایگانی .

۲۰ــ تولّد مرحوم شیخ کاظم سمندر قزوینی .

نوروز دوّم (دهم ربیع الاوّل ١٢٦١ هـ.ق
مطابق با مارچ ١٨٤٥م) ٢ ب ـ ١٢٢٤
هـ . ش

وقایع مهمّه امری سال ٦٢ ـ ١٢٦١ هـ.ق .
مطابق ٤٦ ـ ١٨٤٥ میلادی
سنة الباء من الواحد الاوّل
(سال دوّم از واحد اول)

١ـ توجّه حضرت اعلی جل اسمه الاعلی از مکّه بمدینه .
جمعه اوّل محرم ـ ١٠ جانوری . از هفتم محرم تا روز چهارم
ماه صفر در مدینه توقف فرمودند .
٢ـ خروج از مدینه بجده ٤ صفر ١٢٦١ (در جده سه
روز توقف فرمودند)
٣ـ سرقت آیات در بین راه بوسیله سارق (١١ صفر
١٢٦١ ـ ١٨٤٥) قوله تعالی .
٤ـ لیلة الاولی من العشر الثانی من الشهر الثانی بعد
شهر الحج (١١ صفر) .
٥ـ توجّه از جدّه به بوشهر ٢٤ صفر . فبروری و مارچ ١٨٤٥
٦ـ ورود حضرت اعلی از بوشهر به شیراز . جمادی الثانی

۱۲۶۱ .

۷ــ محاکمه مقدس خراسانی در محضر حسین خان آجودان باشی در شیراز ششم ماه آگست .

۸ــ تشرّف سید یحیی دارابی بحضور مبارك در شیراز و تشرّف سید جواد کربلائی در شیراز بحضور مبارك .

۹ــ وارد شدن عبد الحمید داروغه برای دستگیری حضرت اعلی بخانه مبارك در شیراز . ۲۱ رمضان ۲۳ سپتامبر .

۱۰ــ صدور رساله ای از کلك حضرت طاهره در جواب شکوك و ایرادات ملّا جواد قزوینی ملقّب به خوءار .

نوروز سوّم (٢١ربیع الاوّل ١٢٦٢هـ.ق ٢١
مارس ١٨٤٦م) ٣ــ ب ــ ١٢٢٥هـ. ش

وقایع مهّمه امری سال ٦٣ــ١٢٦٢هـ.ق
مطابق بـــا ٤٧ــ١٨٤٦م
سنةالاب من الواحد الاول
(سال سوّم ازواحد اول)

١ــ جشن گرفتن حضرت اعلی سومین نوروز را پس ازاظهار امر خود در بیت مبارك شیراز ٢١ ربیع الاوّل ١٢٦٢هـ.ق
٢ــ سفر حضرت اعلی از شیراز باصفهان بهمراهی سیـــد کاظم زنجانی (اواخر ماه رمضان و اواخر تابستان) .
٣ــ شهادت ملّا علی بسطامی .
٤ــ شهادت جناب شیخ محمد توپچی در زنجان بدســت حکمران زنجان در روز ٤ رجب یکروز قبل از ورود جنــاب دارابی به نیریز بود .

نوروز چهارم (مطابق دوم ربیع الثانی ۱۲۶۳
هـ.ق ۲۱مارس ۱۸٤۷م) ٤ ب ـ ۱۲۲٦
هـ . ش

وقایع مهمه امری سال ٦٤ـ ۱۲٦۳ هـ.ق
مطابق ٤۸ـ۱۸٤۷میلادی
سنةالدال من الواحد الاول
(سال چهارم ازواحد اول)

۱ـ نزول توقیع حضرت اعلی در بارهٔ اخباراز مباهله با علمای اصفهان برای احبای شیراز روز جمعه ۱۷ ذی الحجه در اصفهان .

۲ـ نزول تفسیر سوره والعصردر اصفهان بخواهش امام جمعه سلطان العلماء .

۳ـ نزول رسالهٔ نبوت خاصّه در اصفهان بخواهش منوچهر خان معتمد الدوله .

٤ـ خروج حضرت اعلی از اصفهان با مامورین دولتی ماه ربیع الاول ۱۲٦۳ اسفند ماه ۱۲۲٥ مارچ ۱۸٤۷ .

٥ـ ورود حضرت اعلی بکاشان روز اوّل ربیع الثانی . جشن چهارمین نوروز پس از اظهار امر مبارك ـ دوم ربیع الثانی .

۶ــ ورود ملّا محمد خوئی و ملّا محمد مهدی کندی به کلین و تشرّف بحضور مبارك حضرت اعلی جل جلاله و دادن نامه جمالمبارك جل ثنائه را بحضرت . چهاردهم ربیع الثانی مطابق ۱۲ نوروز ــ اوّل آپریل .

۷ــ صدور نامه محمد شاه در بارهٔ عزیمت هیکل مبارك از کلین بماکو (ربیع الثانی) . وصول نامه مزبور بحضور مبارك و حرکت حضرت بطرف تبریز . سیزدهم آپریل ۲۵ ربیع الثانی .

۸ــ نصب چادر برای حضرت اعلی در قریهٔ کلین و توقف آن حضرت در آنجا . ۹ نوروز ــ یازدهم ربیع الثانی ــ ۲۹ مارچ ۱۸۴۷ م.

۹ــ توجّه هیکل مبارك از کلین بجانب تبریز با مامورین ۲۵ ربیع الثانی ــ ۱۳ آپریل .

۱۰ــ ارسال توقیع مبارك بشاه و وزیر از سیاه دهان قزوین که امروز به تاکستان معروفست .

۱۱ــ تشرّف بدیع آفرین خطّاط شهیر تبریزی بایمان و تشرّف به حضور مبارك در تبریز .

۱۲ــ صدور توقیع مبارك در جواب سئوال میرزا محمد علی زنوزی از جمله (یامن دل علی ذاته بذاته) در تبریز .

۱۳ــ ورود حضرت اعلی بماکو .

۱٤ــ نزول کتاب بیان در ماکو.

۱۵ــ تشرّف جناب سید یحیی دارابی در ماکو بحضـــور مبارك .

۱٦ــ صدور توقیع خطاب بمحمد شاه از ماکو که عنوانـــش اینست (هوالمتکبرالعلی الاعلی حمد و سپاس بی مثـــل و قیاس . . . . الخ) .

۱۷ــ ورود شیخ حسن زنوزی بماکو.

۱۸ــ صدور توقیعات در باره قرةالعین و ملقّب ساختنـــش بطاهره .

۱۹ــ ورود ملّاعبدالله شیرازی مشهور بملّاصالح بقزویـــن و پیش‌آمد قتل ملّا تقی عموی حضرت طاهره . (رمضـــان) ۱۳ آگست /۱۲سپتامبر.

۲۰ــ زخم زدن ملّا عبدالله شیرازی مشهور بملّاصالح حاجی ملّا تقی قزوینی را در ماه ذی القعده .

۲۱ــ وفات منوچهرخان معتمدالدوله . ربیع الاوّل . مارچ و فبروری ۱۸٤۷م.

۲۲ــ شهادت ملّا ابراهیم محلاتی و میرزاطاهرازاصحاب طاهره در قزوین پس از قتل ملّا تقی برغانی .

۲۳ــ شهادت شیخ صالح کریمی در طهران .

۲٤ــ صدور خطبه قهریه خطاب بمیرزاآقاسی در سجـــن

ماکو.

۲۵ــ وفات میرزا محمد تقی نوری مجتهد معروف .

۲۶ــ وفات شیخ عابد معروف بشیخنا در شیراز.

۲۷ــ عزیمت حضرت طاهره از عراق بایران .

۲۸ــ کتك خوردن ملّا ابراهیم که از اصحاب حضرت طاهرؑ بود در همدان .

۲۹ــ گرفتاری حاجی اسدالله فرهادی و برادرزاده و داماد ش بحبس و غارت شدن اموالشان پس از قتل حاجی ملّا تقی در قزوین .

۳۰ــ حبس شدن میرزا صالح در طهران بامر حاجی میرزا آقاسی در منزل میرزا محمد شفیع صاحبدیوان و وزیر مالیه حومه طهران در واقعه قتل ملّا محمد تقی .

۳۱ــ حبس شدن حاجی اسدالله فرهادی و ملّاطاهر شیرازی و ملّا ابراهیم محلاتی در طهران در واقعه قتل ملّا محمد تقی در منزل محمود خان کلانتر.

۳۲ــ شهادت اولین شهدای امر مبارك در طهران در واقعه قتل ملّا تقی نام شهید مزبور شیخ صالح کریمی از اصحاب حضرت طاهره بوده است . ودر موقع شهادت این بیت را بصدای بلند خواند :

ترکت للناس دنیاهم ودینهم
لماوجدتك یادینی و دنیائی

۳۳ــ اولیّن حبس جمالقدم در طهران بامرصاحب دیوان .

۳٤ــ خلاصی طاهره از حبس قزوین و سفربطهران .

۳۵ــ استماع نبیل زرندی آوازه امر حضرت اعلی را درربا ط کریم ــ ۱۲ نوروز .

۳٦ــ تباهی احوال بهمن میرزا حاکم آذربایجان وفرارش از ایران بگرجستان . مشارالیه ازاعداء امرالله بوده است .

۳۷ــ وفات میرزا مسیح نوری . مشارالیه در سفر خراسان همراه جمالقدم بود ودرهمان ایّام صعود نمود . مدفن وی ــ در محلی بین حضرت عبدالعظیم و شاهزاده حمزه است (لوح مبارك) .

۳۸ــ وفات میرمحمد علی سنگسری .

۳۹ــ تولّد حضرت بهائیه خانم ورقه علیا در طهران .

٤۰ــ تولّد تورن تون چیس اوّل من آمن امریکا ۲۲ فوریه ۱۸٤۷م .

نوروز پنجم (۱۳ربیع الثّانی ۱۲٦٤هـ. ق
۲۱مارس ۱۸٤۸م) ٥ب ــ۱۲۲۷هـ. ش

وقایع مهّمه امری سا ل ٥٦ــ۱۲٦٤هـ. ق
مطابــــق ٤٦ــ۱۸٤۸ میـــــــلادی
سنةالباب من الواحد الاوّل
(سال پنجم او واحد اول)

۱ــ وفات محمد شا ه ٦ شوال مطابق ٤ سپتامبر.
۲ــ جلوس ناصرالدین شا ه بسلطنت ۲۱ذیقعده .
۳ــ حبس چهریق اردی بهشت ۱۲۲۷هـ. ش /۱آپریل ۱۸٤۸م.
٤ــ بردن حضرت اعلی از چهریق به تبریز در نزد علمـــاء شعبان .
٥ــ نزول خطبهٔ قهریه .
٦ــ معزول شدن میرزا حسین خان آجودان باشی صاحب اختیار ووالی فارس از حکومت فارس .
۷ــ خروج ملاّ حسین با اصحاب (۲۰۲)نفر از مشهـــد بجانب مازندران ۱۹ شعبان مطابق ۲۱جولای بامرحضرت اعلی بجانب جزیرة الخضراء مازندران برای نصرت حبیب

یعنی جناب قدوس با علمهای سیاه .

۸ ــ توقف ملا حسین در چشمه علی نزدیك دامغان و شکستن شاخه بزرگی از درخت ووصول خبر فوت محمد شاه ــ شوال / سپتامبر .

۹ ــ مراجعت قهرالله به امرمبارك ازچهریق به هندوستان . (برای تفصیل به تاریخ نبیل مراجعه شود)

۱۰ ــ رفتن میرزاعبدالوهاب ترشیزی متوقف درخوی با مر مبارك به ارومیه .

۱۱ ــ توجه حضرت اعلی ازچهریق به ارومیه با مامورین دولتی .

۱۲ ــ توقف حضرت اعلی دوروزد رقریهٔ حمزه کندی مسکن و ملك رضابیك یاوررئیس ایل لك درحین توجه ازتبریزبچهریق

۱۳ ــ ورود هیکل مبارك درحین مراجعت ازتبریزبچهریق بقلعه صدقیان وشب رادرعمارت تیمورخان پسرابراهیم خان گذراندن .

۱٤ ــ نوشتن ملاعلی زند واعظ کتابی بنام باب الرحمه دراثبات امرحضرت اعلی وسوخته شدن آن کتاب بدست ملامحمد ممقانی

۱۵ ــ اظهارقائمیت حضرت اعلی بعظیم درنزدیك تبریز .

۱٦ ــ بشارت حضرت اعلی به شیخ علی عظیم که شهید خواهد شد .

١٧ــ پذیرائی ملك قاسم میرزا پسر فتح علیشاه ازحضرت اعلی در ارومیه .

١٨ــ وقوع داستان حمام و اسب سواری حضرت اعلی در ارومیه .

١٩ــ ترسیم آقابالا بیك شیشوانی تمثال حضرت اعلی را باجازهٔ مبارك در ارومیه .

٢٠ــ پذیرائی حاجی محمّد تقی میلانی از حضرت اعلی پس از خروج ازارومیه در بین راه نزدیك میلان و تشرّف احباب بحضور مبارك .

٢١ــ فرستادن باب الباب برادر خود میرزامحمّد حسن و ملا عباس میامی را نزد جناب قدوس که خبر ورود اقدام اصحاب را ببار فروش بانحضرت بدهد و ورود ملاّ حسین و اصحاب ببارفروش و توقف در کاروانسرا در روز جمعه ١٢ــ ذی القعده ١٠ اکتبر١٨٤٨ .

٢٢ــ متحصن شدن میرزا آقاسی عدّو لدود امراللّه در حضرت عبدالعظیم بعد ازوفات محمّد شاه .

٢٣ــ برخورد جناب باب‌الباب با اشرار بارفروش و پیروان سعید العلماء در نزدیکی بارفروش ظهر جمعه دوازدهم شهر ذی القعده .

٢٤ــ شهادت هفت تن از اصحاب از جمله سید محمد ــ

رضا ی یزدی و ملاّ محمدعلی بشرویه ای و میرزامحمد حسین پسر حاجی ملا احمد محلاتی و آقامحمد ابن استادآقا بزرگ اصفهانی بدست اشرار بارفروش در نزدیکی بارفروش. (تاریخ نبیل)

۲۵ ــ شش قطعه کردن باب‌الباب مرد و تفنگ و درخت را با شمشیر خود در نزدیك بارفروش (این مرد همان قاتل سید محمد رضای یزدی بود .)

۲۶ ــ شهید شدن آقا رجبعلی بشرویه و ملا محمد حسن خراسانی و حسن اصفهانی که اذان را تمام کرد در حین گفتن اذان در بارفروش .

۲۷ ــ خروج باب الباب از بارفروش اصحاب بهمراهی خسرو قادیکلائی ۱۲ ذیقعده .

۲۸ ــ ورود اصحاب بقلعه طبرسی (مقبره احمد ابن ابیطالب طبرستانی) روز ۱۴ ذیقعده ۱۲ اکتبر ۱۸۴۸ .

۲۹ ــ ورود جمال مبارك بقلعه طبرسی . عقرب ۱۲۲۷هـ. ش / ذیحجه ۱۲۶۴هـ.ق / نوامبر ۱۸۴۸ .

۳۰ ــ ورود قدوس از ساری بقلعه طبرسی .

۳۱ ــ صدور فرمان ناصرالدین شاه برای اضمحلال اهل قلعه به مهدیقلی میرزا . صفر .

۳۲ ــ تصدیق حاجی محمد تقی کرمانی بامر مبارك توسط

خال اعظم که بعد اجزء شهدای سبعه طهران بشهادت رسیدند .

۳۳ــ چوب زدن شیخ الاسلام حضرت اعلی را در تبریز . اواخر شعبان .

۳٤ــ مجلس ولیعهد و اظهار قائمیت حضرت اعلی در تبریز

۳۵ــ مراجعت دادن حضرت اعلی را ازتبریز به چهریق .

۳٦ــ ورود ملّا حسین بطهران .

۳۷ــ ورود جناب قدوس با ملّا امینا و کربلائی حسین که از اصحاب بود بخراسان ازمازندران .

۳۸ــ اعلان ملّا حسین امر مبارك را در مشهد مسجد گوهر شاد بالای منبر صاحب الزمان که امروز هم موجود است .

۳۹ــ تقاضای حمزه میرزاحشمت الدوله که در کال یاقوتی و چمن رادکان خراسان برای دفع فتنه حسن خان سالار و تمرّد ترکمانان خیمه زده بود از ملاّ حسین که بارد و گاه بروند و تشریف بردن ملا حسین نزد حمزه میرزا .

٤۰ــ گرفتاری آقاحسن ابن آقامحمد صادق خادم ملّا حسین بدست مریدان حاجی میرزاحسن مجتهد مشهد و نجاتش بوسیله ملا حسین و اصحاب . که او را مهارکرده و پس از ضرب در بازارهای مشهد گردانیدند .

۴۱ ــ شهادت ملا امینای بارفروشی بدست اتباع حاجی میرزا حسن مجتهد مشهد در واقعهٔ گرفتاری آقا حسن .

۴۲ ــ گرفتار شدن ملا محمد مقدس رشتی از اصحاب قدوس بدست پیروان حاجی میرزا حسن مجتهد و ضرب و زخمی شدن و افتادنش در نهر آبدرکوچه باغ عنبر مشهد .

۴۳ ــ توجه جمال مبارك به خراسان .

۴۴ ــ توجه طاهره و خادمه اش قانته به اشاره جمالمبارك با جناب کلیم به جانب خراسان .

۴۵ ــ توجه قدوس با میرزا محمد علی قزوینی از جانب مشهد به مازندران .

۴۶ ــ قضیه بدشت و ورود طاهره و جمال قدم جل جلاله و قدوس و اصحاب به آنجا . از طهران جون ۱۸۴۸ م . خرداد ۱۲۲۷ هـ . ش .

۴۷ ــ واقعه نیالا ــ شعبان ۱۲۶۴ هـ . ق / ۳ جولای اول آگست ۱۸۴۸ .

۴۸ ــ وفات میرزا هادی نهری برادر میرزا محمد علی نهری قزوینی در واقعه نیالا .

۴۹ ــ صدور توقیع شهادت الازلیه از قلم حضرت قدوس بنام جناب باب الباب در بین راه مازندران .

۵۰ ــ حبس شدن جناب قدوس در منزل میرزا محمد تقی

مجتهد ساری .

۱ ه‍ـ صدور فرمان شاه باشاره میرزا آقاسی برای دستگیری جمالمبارك خطاب بیکی از خوانین مازندران .

۲ ه‍ـ تسلیم گرفتن رضا قلیخان افشار (پسر حاجی سلیمان خان صاین قلعه ای و داماد حاج سید کاظم رشتی) حضرت اعلی را از علیخان ماکوئی و سپردن بدست یحیی خان کرد ایلخانی در چهریق بامر حاجی میرزا آقاسی . جمادی الاولی مطابق بیستم نوروز و آغاز سال پنجم اعلان امربدیع .

۳ ه‍ـ ملاقات عظیم با یحیی خان کرد ایلخانی و شرح عظمت حضرت اعلی برای او پیش از ورود حضرت اعلی بچهریق و اشتیاق یحیی خان بزیارت حضرت اعلی .

٤ ه‍ـ تشرّف عده ای از موٴمنین در چهریق .

٥ ه‍ـ قیام کردن لطفعلی خان پیش خدمت شاه که پس از عزلش بواسطه حاجی میرزا آقاسی که او را بجرم ایمان بامر مبارك از دربار خارج کرد و در وطن خود سلماس (کهنه شهر) متوطن بود بخدمت امر مبارك .

٦ ه‍ـ ایمان میرزا محمد علی زنوزی و ایمان میرزا اسدالله دیان .

۷ ه‍ـ تشرّف درویش قهرالله هندی بحضور مبارك حضرت اعلی در چهریق و صدور توقیع منیع ربخطاب ای موٴمن

بعنوان درویش قهرالله .

۵۸ــ هلاك شدن شیخ صالح عرب در زیر چوب حاکم خوی بجرم ایمان بباب . ملا حسین و درویش قهرالله را بامر حاکم خوی سروریش تراشیدند و و ارونه برحمارسوار کردند و در کوچه ها گردانیدند .

۵۹ــ تشرّف ملّا حسین باب الباب و خادمش قنبر علی در ماکو در نوروز چهارم پس از اظهار امر مبارك ۱۳ ربیع الثانی .

۶۰ــ شدت سرما در دوره محبوسیت هیکل مبارك در ماکو (محرم) و گریه کردن هیکل مبارك برای مصیبت حسین (ع) دسامبر ۸ جانوری .

۶۱ــ وفات محمد بیك چاپارچی .

نوروز ششم (٢٣ ربیع الثانی ١٢٦٥ هـ.ق
٢١ مارس ١٨٤٩ م) ٦ ب ـ ١٢٢٨ هـ.ش

وقایع مهمه امری سال ٦٦ ـ ١٢٦٥ هـ.ق
٥٠ ـ ١٨٤٩ میلادی .
سنة الواو من الواحد الاول
(سال ششم از واحد اول)

١ ـ تشرّف خال اعظم حاجی میرزا سید علی در چهریق بحضور مبارک حضرت رب اعلی جل اسمه الاعلی .
٢ ـ قیام سید یحیی دارابی بسفرهای تبلیغی .
٣ ـ عزیمت نبیل زرندی از زرند بقم برای ملاقات سید اسمعیل زواره ای .
٤ ـ ورود جناب قدوس بقلعه طبرسی ٢٧ نوامبر . اول محرم ١٢٦٥ هـ.ق . شهرالقول سنه ٥ بدیع .
٥ ـ اعلان و اخبار قدوس از شداید و شهادت اصحاب در روز نوروز مطابق با روز ٢٤ ربیع الثانی .
٦ ـ مجروح شدن دهان حضرت قدوس و دندان ایشان در قلعه .
٧ ـ زخمی شدن جناب قدوس در جنگ روز ٢٥ محرم ٢١

دسامبر.

۸ــ هجوم شدید اعدابقلعه و دفع آنان بواسطهٔ قدوس ماه جمادی الثانی مطابق با ماه آوریل .

۹ــ پیغام دادن مهدیقلی میرزاباصحاب قلعه و تقاضای مذاکره .صلح ــ ۱۶جمادی الثانی ۹ می ۱۸۴۹م.

۱۰ــ خروج اصحاب از قلعه و رفتن بلشگرگاه مهدی قلی میرزا (یکساعت بغروب چهارشنبه ٦ جمادی الثانی) .

۱۱ــ ورود مهدی قلی میرزاو جناب قدوس ببار فروش بعد از ظهر جمعه ۱۸ جمادی الثانی ۱۱می ۱۸۴۹م.

۱۲ــ شهادت جناب قدوس در سبزه‌میدان بارفروش مازندران (بابل) در سن ۲۷ سالگی (تولدش در ۱۲۳۸هـ.ق) ۲۳ جمادی الثانی ۱۶می ۱۸۴۹.

۱۳ــ گردانیدن سرهای شهدای اصحاب قدوس‌را دربار فروش در کوچه و بازار.

۱٤ــ مقابله ملا حسین در نزدیك قلعه طبرسی با سپاه عبدالله ترکمان روز ٥ محرم ۲۱ دسامبر.

۱٥ــ توجّه لشگر دولتی برای محاصره قلعه و بنای سنگر وغیره (محرم)

۱٦ــ تعمیر قلعه و حفر خندق بوسیله اصحاب .

۱۷ــ توجّه جمالقدم با جمعی از اصحاب بجانب قلعه و ــ

دستگیری آنان و چوب خوردن و حبس هیکل مبـــارك در آمل (محرم) (دسامبر سال ١٨٤٨)

١٨ ــ حفر چاه درقلعه بواسطه اصحاب چون آب کم بود .

٨ ربیع الاول / اول فوریه ١٨٤٩ / ٥ شهرالسلطان

١٩ ــ گریختن مهدیقلی میرزا با پای برهنه از اصحـــاب قلعه .

٢٠ ــ خروج قدوس از قلعه و حمله به لشگر دشمن بعد از آمدن باران و برف ــ شب پنجم محرم/اول دسامبر١٨٤٨

٢١ ــ مقابله باب الباب با لشکر مهدی قلی میرزا درواسکس ٢٥ محرم / ٢١ دسامبر.

٢٢ ــ شهادت جناب باب الباب درمحاربه قلعه / ٩ ربیع الاول/صبح ٢ فبروری ١٨٤٩ ــ ١٤ شهرالسلطان ٥ بدیع ١٢٦٥ هـ ق .

٢٣ ــ خروج خائنین قلعه و خبردادن به عباس قلی خان مسأله شهادت باب الباب را .

٢٤ ــ بمباران قلعه طبرسی بوسیله اعداء روز ٩ نـــــوروز ٩ شهرالبهاء .

٢٥ ــ صعود میرزا محمد باقرخالوزاده باب الباب چهارشنبه ٦ جمادی الثانی .

٢٦ ــ قتل عام اصحاب در سر سفره بوسیله لشکر مهـــدی

قلی میرزا .

۲۷ــ گرفتاری آقامهدی کاشی و برادرش آقاابوالقاســـــم و تحمل زحمات شدیده . (ظهورالحق ص ۳۹٤)

۲۸ــ شهادت سعید جباّوی در مازندران .

۲۹ــ شهادت حاجی محمد کرّاوی در مازندران .

۳۰ــ سوال و جواب یکی از آشنایان ملا مهدی کندی از اصحاب قلعه طبرسی از پای دیوار قلعه طبرسی بااو. ماه جمادی الثانی آپریل سال ۱۸٤۹م.

۳۱ــ حبس شدن ملا یوسف اردبیلی در حین توجه بقلعه بفرمان مهدی قلی میرزا در اردو (محرم) نوامبر ۱۸٤۸ .

۳۲ــ رسیدن خبر شهادت اصحاب قلعه بهیکل مبارك در چهریق ــ شعبان . جولای ۱۸٤۹م.

نوروز هفتم (٥ جمادی‌الثانی ١٢٦٦ هـ.ق .
٢١ مارس ١٨٥٠ م) ٧ ب ـ ١٢٢٩ هـ.ش .

وقایع مهّمه امری سال ٦٧ ـ ١٢٦٦ هـ.ق
مطابق ١٥ ـ ١٨٥٠ میلادی
سنة الابد من الواحد الاوّل
(سال هفتم از واحد اول)

١ ـ شهادت حضرت اعلی روح ماسواه فداه و جناب انیس در تبریز ٢٨ شعبان مطابق ٩ جولای ١٨٥٠ .
٢ ـ آغاز گرفتاری شهدای سبعه طهران توسط سید حسین کاشی اول ربیع الثانی مطابق ١٤ فبروری تا ٢٥ مارچ و شهادت آنان در طهران بامر امیرکبیر .
٣ ـ تطابق عید نوروز با روز ٥ جمادی که عید مبعث مبارك بود . در پنج شان باین موضوع اشاره فرموده‌اند .
٤ ـ محبوس شدن جناب طاهره با جمعی از اصحاب که از جمله شهدای سبعه بودند در خانه محمود خان کلانتر از اوّل ربیع الثانی تا ٢٢ ربیع الثانی / ١٤ فبروری تا ١٥ مارچ .
٥ ـ ورود دارابی بیزد (اوّل جمادي الاولی) و ایمان

آوردن جناب محمد رضای رضی الروح و جمعی دیگر از علمای یزد بامر مبارك حضرت اعلی توسط جناب آقاسید یحیی دارابی کشفی .

٦ــ نزول صحائف و سور و زیارات از قلم اعلی در باره حضرت قدوس و باب‌الباب و اصحاب قلعه (محرم) نوامبرسال ١٨٤٩ .

٧ــ خروج میرزا علی سیاح مراغه ای‌بامر مبارك برای زیارت قلعه طبرسی (دهم محرم) ١٢٦٦ .

٨ــ ورود سیاح مراغه ای بسرزمین قلعه اصحاب طبرسی برای زیارت بامر حضرت اعلی اوّل ربیع الاوّل ١٥ جانوری ١٨٥٠ــ ١٢٦٦هـ.ق .

٩ــ زیارت سیاح مراغه قبر جناب باب الباب را در روز شهادت آنحضرت یعنی نهم ربیع الاوّل در قلعه .

١٠ــ تشرّف سیاح مراغه ای در طهران در مراجعت ازقلعه بحضور جمالقدم و ملاقات باسید یحیی وحید .

١١ــ مراجعت سیاح از قلعه و تشرف بساحت اقدس در چهریق در روز نوروز پنجم جمادی الاولی .

١٢ــ واقعه شهدای سبعه طهران (ربیع الثانی)

١٣ــ صدور زیارتنامه شهدای سبعه طهران از کلك حضرت اعلی .

١٤ــ ورود جناب وحید به یزد اول جمادی الاّول ومخالفت مسلمین با جناب وحید در یزد و جنگ آنها بایکدیگر.

١٥ــ ورود جناب وحید به نیریز در محله چنارسوختـــه ١٥ رجب ــ ٢٧ می ــ ٦ خرداد ١٢٢٩ هـ.ش.

١٦ــ واقعه نیریز و شهادت وحید دارابی ١٨ شعبان ــ ١٢٦٦ هـ.ق / ٢٩ جون ١٨٥٠ م.

١٧ــ واقعه زنجـــان.

١٨ــ شهادت رستم علی دوشیزه دهقانی در واقعـــــه زنجان.

١٩ــ تولد سید علی اشرف زنجانی (ام اشرف) در قلعه زنجان.

٢٠ــ تسلیم کردن حضرت اعلی امانات خود را بدست مـلا باقر تبریزی برای ملا عبد الکریم و امر بتسلیم آن بجمالمبارك

٢١ــ صدور توقیع اعلان قائمیت خطاب به علماء.

٢٢ــ انتقال عرش بکارخانه حریر میلان / ١١ جولای ١٨٥٠ رمضان ١٢٦٦ هـ.ق.

٢٣ــ آوردن عرش مطهر حضرت اعلی را از تبریز بطهران به دستور جمالمبارك توسط حسین آقا تفرشی که مؤمن و نایب رئیس گمرك بود.

٢٤ــ ورود ملاّ باقر حرف حی و تسلیم امانات مبارکه را در رقم

بملا عبد الکریم کاتب . نیمه شعبان ۱۲ جون — ۱۱ جولای
۲۵ــ شهادت شیخ محمد توبچی اوّل شهید زنجان / ٤
رجب ۱٦ ق ۱۸۵۰ م.
۲٦ــ تولد حضرت غصن اطهر میرزا مهدی در طهران.
۲۷ــ ازدواج حضرت بهاءالله با دختر عمّه خود فاطمه
خانم معروف به مهد علیا .

نوروز هشتم (جمعه ١٧جمادی الاولی ١٢٦٧
هـ.ق ٢١مارس ١٨٥١م) ٨بـ ١٢٣٠هـ.ش.

وقایع مهمّه امری سال ٦٨ـ١٢٦٧هـ. ق.
مطابق ٥٢ـ ١٨٥١ میلادی
سنةالحادی من الواحد الاوّل
(سال هشتم ازواحد اول)

١ـ تشرّف عبد الوهاب شیرازی بحضور مبارك جمالقدم .
٢ـ ملاقات حاجی نیاز بغدادی در مکّه با شریف مکه
(شریف سلیمان) و مذاکره در باره امر حضرت اعلی .
٣ـ تشرّف شیخ حسن زنوزی در کربلا بحضور جمالقدم جل
اسمه الاعظم روز عرفه (نهم ذیحجه ـ ٥اکتبر) .
٤ـ شهادت سید نصیر هندی بدست ایلدرم میرزاعمسوی
ناصرالدین شاه در لرستان .
٥ـ وفات سید جعفر کشفی در بروجرد .
٦ـ وفات شیخ محمد شبل از اصحاب حضرت طاهره
مشارالیه پدرمرحوم آقا محمد مصطفی بغدادی است .
٧ـ گرفتاری جناب آقامحمد جواد فرهادی در زنجان .
٨ـ عزیمت جمالمبارك از طهران بکربلا اوائل شعبان

١٢٦٧هـ.ق ماه جون ١٨٥١م بامر امیر کبیر.

٩ــ ورود جمالمبارك بکربلا ماه شوال . آگست ١٨٥١م.

١٠ــ مقتول شدن امیر کبیر بوسیلهٔ حاجی علی خان فراشباشی در فین کاشان در روز ١٨ ربیع الاوّل . دست چپ و راست امیر کبیر را در حمام فین کاشان قصد کردند .

١١ــ زخمی شدن حجت زنجانی در قلعه ١٦ صفر.

١٢ــ شهادت جناب حجت در قلعه زنجان / ٥ ربیع الاوّل ــ ٨ جانوری ١٨٥١م.

١٣ــ خاتمه واقعه زنجان آخر ربیع الاوّل هفت ماه پس از شهادت حضرت رب اعلی .

١٤ــ وفات میرزا تقی پریشان پسر میرزا بزرگ نوری و کلثوم خانم برادر ابی جمالمبارك که شیخی بود و خط خوبی داشت و بامر مبارك ایمانی نداشت . علی المشهور ٣٨ــ سال عمر کرد .

نوروز ٩(یکشنبه ٢٩ جمادی الاوّل ١٢٦٨ کبیسه
هـ.ق ٢١ مارس ١٨٥٢ کبیسه م) ٩ب .
مطابق ١٢٣١ هـ. ش .

وقایع مهمّه امری سال ٦٩ـ ١٢٦٨ هـ.ق .
مطابق ٥٣ـ ١٨٥٢ میلادی ٨ بدیع
سنة البهاء من الواحد الاوّل
(سال نهم از واحد اول)

١ـ شهادت سید حسین عزیز کاتب پسر سید احمد یزدی .
٢ـ حبس سیاهچال هیکل مبارک (ذیقعده) . ورود حضرت بهاءالله جل ذکره از کربلا به طهران . ماه رجب مطابق ٢١ آپریل تا ٢١ می .(١)
٣ـ واقعه رمی شاه یکشنبه ٢٨ شوال مطابق ١٥ اگست
٤ـ شهادت سلیمان خان و عبدالوهاب شیرازی پسر حاجی عبدالحمید شیرازی و حضرت عظیم و سایر اصحاب در طهران .
٥ـ شهادت طاهره قرةالعین (آگست) تولد طاهره در سال ١٢٣٣ هـ.ق . مطابق ١٨ـ١٨١٧ میلادی بوده

در لوح حکماء نام مجید که ذکر شده (از کنافی العراق فی بیت من سمی بالمجید) مقصود همان حاجی عبدالمجید است.

است و پدرش ملا صالح برغانی قزوینی بوده است وعمویش حاجی ملا تقی معروف به شهید ثالث و شوهرش ملا محمد پسر عمویش یعنی پسر ملاتقی بوده است .

٦ــ دفن رئوس شهدای نیریز در آباده .

٧ــ گرفتاری حاجی نصیر قزوینی بدست حکومت قزوین خسروخان .

٨ــ وفات شیخ محمد حسن صاحب جواهرالکلام در نجف و قبرش همانجاست . در کتاب اقدس فرموده :

" اذکروالشیخ الذی سمی بمحمد قبل حسن . . . الخ "

٩ــ شهادت حاجی میرزاجانی کاشانی در طهران .

١٠ــ شهادت آقامهدی کاشی برادر آقاابوالقاسم در طهران . (بجلد سوم ظهورالحق ص ٣٦٤ مراجعه شود)

١١ــ کشته شدن میرزافتح الله قمی و صادق تبریزی در واقعه رمی شاه .

١٢ــ شهادت میرزا حسن آقافاضل ولد میرزااحمد یزدی و آقا حسن سرباز زنجانی در یزد . . . (تاریخ شهدای یزد از ص ٧ الی ١٠)

١٣ــ شهادت آقامحمد صادق صوف باف در یزد . نهم شوّال .

١٤ــ شهادت لطف علی میرزااز اصحاب باب الباب در

طهران .

١٥ــ شهادت میرزا سلیمان خطیب الرحمن نوری (پسر شاطر باشی نوری است) .

١٦ــ نزول قصیده مبارکه رشح عما از فم اطهرجمالقدم در طهران .

نوروز دهم (دوشنبه ١٠ جمادی الثانی ١٢٦٩
کبیسه هـ.ق /٢١ مارس ١٨٥٣م) ١٠ ب —
١٢٣٢ هـ. ش.
ســـــنة التسع

وقایع مهّمه امری سال ١٢٦٩ هـ.ق ١٨٥٣م
ســنـــــه ١٠ ب
سنة الحب من الواحد الاوّل
(سال دهم از واحد اول)

١ــ آزادی جمال مبارك از حبس سیاه چال (ربیع الاوّل)
٢ــ نفی جمال مبارك و اصحاب به بغداد (اوّل ربیـــع الثانی مطابق ١٢ جانوری).
٣ــ وقوع زلزله شدید در شیراز سه سال بعد از شهادت حضرت اعلی که در مفاوضات هم فرموده اند. در شب چهار شنبه ٢٥ رجب ١٢٦٩ هـ.ق این زلزله بسیار شدید بود و دوازده هزار نفر کشته شدند و برج قلعه کریم خان از صدمه آن کج شد و هنوز هم بهمان حال باقی است.
٤ــ پذیرائی حیات قلی خان رئیس طایفه علی اللهی ها در قریه کرند از جمال مبارك و اصحاب در حین نفی از طهران

ببغداد در فصل زمستان که سه ماه این مسافرت طـــول کشید .

٥ــ ورود جمالمبارك و اصحاب از طهران ببغداد روز ٢٨ جمادی الثانی روز هشتم آپریل ١٨٥٣ .

٦ــ اجاره کردن جمالمبارك خانه حاجی علی مدرادربغداد برای سکونت خود و عائله مبارکه ماه رجب .

٧ــ نزول لوح مبارك کل الطعام در جواب حاجی کمـــال الدین نراقی در بغداد از قلم مبارك جمالقدم جل جلاله .

٨ــ منصوب شدن میرزاسعید خان بوزارت امور خارجه .

نوروز ١١ (سه شنبه ٢١ جمادی الثانی
١٢٧٠ هـ.ق ٢١٠ مارس ١٨٥٤ م) ١١ ب
١٢٣٣ هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ١٢٧٠ هـ.ق .
مطابق ١٨٥٤ میلادی
سنة البهاج من الواحد الاوّل
(سال یازدهم از واحد اوّل)

١ــ واقعه نیریز و شهادت اصحاب توسط موئید الدوله حاکم فارس بواسطه میرزا نعیم لشکر نویس حاکم نیریز و لطفعلیخان سرتیپ فوج قشقائی و حمل رئوس شهدای نیریزی علی سردار و سا یرین از شیراز به آباده و دفن رئوس در آنجا در حدیقة الرحمن بامر ناصرالدین شاه .
٢ــ وفات سمید العلماء بارفروش دشمن امرالله و قاتل حضرت قدوس در بارفروش بمرض هولناك .
٣ــ هجرت جمالقدم جل جلاله با یکی از اصحاب موسوم به ابوالقاسم همدانی از بغداد بسلیمانیه کردستان ١٢ ماه رجب ١٠ آپریل .
٤ــ تولد میرزا محمد علی ناقض اکبر .

نوروز ١٢ (چهارشنبه دوّم رجب ١٢٧١ کبیسه
هـ.ق ٢١٠ مارس ١٨٥٥م) ١٢ب ـ ١٢٣٤ .
هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ٧٢ ـ ١٢٧١ هـ.ق
مطابق ٥٦ ـ ١٨٥٥ میلادی
سنة الجواب من الواحد الاوّل
(سال دوازدهم از واحد اول)

١ ـ انتشار عظمت و جلالت مقام علمی جمال مبارک در سلیمانیه کردستان .
٢ ـ نزول قصیدهٔ عزّ و رقائیه در سلیمانیه از لسان اطهر جمال قدم .

نوروز ١٣ (جمعه ١٤ رجب ١٢٧٢ هـ . ق .
٢٠ مارس ١٨٥٦ کبیسه م) ١٣ ب —
١٢٣٥ هـ . ش .

وقایع مهمّه امری سال ٧٣ — ١٢٧٢ هـ . ق .
مطابق ٥٧ — ١٨٥٦ میلادی
سنة الاحد من الواحد الاوّل
(سال سیزدهم از واحد اول)

١ — وفات حاجی ملّا محمود نظام العلماء معلم ناصرالدین شاه که در محضر ولیعهد در روز ورود حضرت باب بمحضر علماء حاضر بود .

٢ — تألیف کتاب اسرارالشهاده توسط ملا محمد حمزه که ذکر حضرت باب در آنجا مسطور است .

٣ — مراجعت جمالمبارک از سلیمانیه ببغداد ١٢ رجب ١٦ مارچ ١٨٥٦ م / ١٨ شهرالعلاء ١٣ بدیع .

نوروز ١٤ (شنبه ٢٤رجب ١٢٧٣هـ. ق.
٢١مارس ١٨٥٧م) ١٤ب /١٢٣٦هـ. ش.

وقایع مهمّه امری ٧٤ـ١٢٧٣هـ.ق .
مطـــــابق ٥٨ـ ١٨٥٧ميـلادی
سنةالوهاب من الواحد الاوّل
(سال چهاردهم از واحد اوّل)

١ـ وفات شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که بهیکل مبارك حضرت اعلی مساعدت و همراهی کرده بود هم در مجلـــس حسین خان و هم در روز اجتماع مردم برای شورش درمسجد وکیل . وفات مشارالیه در شیراز بود .
٢ـ کشته شدن آقاجان بیك سرتیپ فوج ناصری کـــــه حضرت اعلی را تیرباران کرد . مشارالیه در سال مزبور در محمره (خرمشهر) هدف گلوله توپ گردید وبجزای اعمـال زشت خود رسید .

نوروزه ١ (یکشنبه ٥ شعبان ١٢٧٤هـ.ق.
٢١مارس ١٨٥٨م) ١٥ب ـ ١٢٣٧هـ.ش.

وقایع مهّمه امری سال ٧٥ـ١٢٧٤هـ. ق.
مطابق ٥٩ـ ١٨٥٨ میلادی
سنة الواحد من الواحد الاوّل
(سال پانزدهم ازواحد اول)

١ـ نزول کلمات عالیات در عراق عرب.
٢ـ وفات میرزا محمد وزیر برادر مریم و شوهرحوّا.
٣ـ نزول کلمات مکنونه فارسی و عربی از لسان مبارک جمالقدم جل جلاله.
٤ـ ورود شیخ عبدالحسین طهرانی ببغداد و کاظمین بعنوان تعمیر مشهد کاظمین از طرف ناصرالدین شاه و آغاز مخالفت شیخ طهرانی مزبور یعنی شیخ عبدالحسین شیخ العراقین با امر مبارك و جمع آوری علماء و فتنه وآشوب. شیخ العراقین بنای مشهد کاظمین را در سال ١٢٧٧هـ. ق تمام کرد.
٥ـ وفات حسین خان آجودان باشی صاحب اختیار و والی فارس که از اعداء امر بود در کمال ذلت و مسکنت

در شیراز.

٦ــ آخرین سال صدارت میرزا آقا خان نوری و نفی او بتفت یزد . اسم او میرزانصرالله خان است . و از سال ١٢٦٧ تا سال ١٢٧٤ هـ.ق صدارت عظمی داشته است برنج صدری معروف بنام اوست زیرا او بود که تخم برنج پیشاور هندوستان را در وطن خود طبرستان آورد وکاشت و بنام او معروف شد و نام این مرد در تاریخ امرو الواح مبارکه مذکور است و مطالب فوق از کتاب المآثر والآثار محمّد حسنخان اعتماد السلطنه نقل شد .)

٧ــ شهادت جناب میرزااسد الله دیّان‌باشا ره یحیی ازل بدست میرزا محمد نوری نوکر ازل در بغداد وتاریک شدن هوابشدت که شرح آن در کتاب بدیع از قلم مبارك جمالقدم جل جلاله نازل شده است . (٢٧رمضان ١٢٧٤ هـ.ق) .

٨ــ بریدن سید اسمعیل زواره ای گلوی خودرا و شرح آن در کتاب بدیع از قلم مبارك نازل شده است (١٢٧٤ هـ.ق .) .

نوروز ١٦ (دوشنبه ١٥ شعبان ١٢٧٥ هـ.ق
کبیسه ٢١ مارس ١٨٥٩ م) ١٦ ب ـ ١٢٣٨ ،
هـ ـ ش

وقایع مهمّه امری سال ٧٦ ـ ١٢٧٥ هـ.ق
مطـــــــابق ٦٠٠ ـ ١٨٥٦ میلادی
سنة البدی من الواحد الاوّل
(سال شانزدهم از واحد اول)

١ ـ سفیر انگلیس کلنل ارنولد بوروز کمپال در بغداد بـــه جمالمبارك اظهار کرد که ملکه انگلستان در نظر دارد کـه اگر شما تبعیت انگلستانرا بپذیرید از شما حمایت کنـــد و محافظت نماید و اگر نخواهید در انگلستان زندگی کنید در هندوستان که از ممالك شرقی است بسر ببرید و در هر نقطه ایکه بخواهید با کمال احترام بگذرانید امـــا جمالمبارك قبول نفرمودند .

نوروز ۱۷ (چهارشنبه ۲۷ شعبان ۱۲۷٦ هـ .
ق /۲۱ مارس ۱۸٦۰ کبیسه م) ۱۷ آ/ب ۱۲۳۹
هـ . ش

وقایع مهمّه امری سال ۷۷ـ۱۲۷٦ هـ . ق
مطابق ٦۱ـ ۱۸٦۰ میلادی
سنة البهی من الواحد الاوّل
(سال هفدهم از واحد اول)

۱ـ منصوب شدن میرزا بزرگ نوری قزوینی از طرف دولت ایران بکارپردازی بغداد (مرات البلد آن جلد ثانی) و همدست شدنش با شیخ عبد الحسین طهرانی و ایجاد فتنه وفساد بر علیه امر مبارك .

نوروز نوروز ۱۸ (۹رمضان ۱۲۷۷هـ.ق ۲۱مارس
۱۸۶۱م) ۱۸ب /۱۲٤۰ـ هـ ـ ش .

وقایع مهمّه امری سال ۷۸ـ ۱۲۷۷هـ.ق
مطـــــابق ٦۲ـ ۱۸٦۱میـــلادی
سنةالابهی من الواحد الاّول
(سال هیجدهم ازواحد اول)

۱ـ زندانی شدن جمعی از اصحاب در انبارطهران.
۲ـ کشته شدن و بدارآویختن سرو اعضای محمود خـان کلانتردر طهران بامرناصرالدین شاه. (بضمیمه دّوم مراجعه شود).
۳ـ مسموم شدن سرهنگ عبدالعلی خان مراغه کـــه از مؤمنین غیور امرالله بود بامر ناصرالدین شاه در طهران.

نوروز ۱۹ (جمعه ۲۰ رمضان ۱۲۷۸ هـ. ق.
۲۱ مارس ۱۸۶۲ م) ۱۹ بدـ ۱۲٤۱ هـ. ش.
انقـــضای سنین مهلت

وقایع مهّمه امری سال ۷۹ـ۱۲۷۸ هـ. ق.
مطابـــــــق ٦۳ـ ۱۸٦۲ میـلادی
سنة الواحد من الواحد الاّول
(سال نوزدهم از واحد اول)

۱ـ نزول ایقان در بغداد از قلم جمال مبارك در جواب سوالات خال اکبر مرحوم میرسید محمد خال حضرت اعلی جل ذکره .
۲ـ وفات میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی که حضرت اعلی جل اسمه الاعلی را بدست خود چوب زد .
۳ـ صدور نامه وزیر امور خارجه ایران میرزاسعید خان از طهران بعنوان حاجی میرزا حسینخان سپهسالار قزوینی سفیر کبیر ایران در اسلامبول مضمون اینکه با عالی پاشا و فواد پاشا مذاکره کند که حضرت بهاءالله را از بغداد خارج کنند یا بسرحد ایران تحویل حکومت کرمانشاه بدهند و یا بجای دیگر منتقل سازند تاریخ این مراسله

روز ١١ ذیحجه است .

٤ــ مسعود شیخ محمد نبیل قزوینی پدر سمندر قزوینی .

نوروز ٢٠ (غره شوال ١٢٧٩ هـ.ق ٢١ مارس ١٨٦٣م) ٢٠ب — ١٢٤٢ هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ٨٠ — ١٢٧٩ هـ.ق.
مطابق ٦٤ — ١٨٦٣ میلادی
سنة الالف من الواحد الثانی
(سال اول از واحد دوم)

١ــ ورود جمالمبارك با اصحاب و عائله مبارکه باسلامبول روز اول ربیع الاول ١٢٨٠ مطابق با ١٦ آگست ١٨٦٣ و نزول بخانه شمسی بیك. در اسلامبول اول عائله مبارکه در کتابخانه دولتی بودند بعد به خانهٔ ویسی پاشا انتقال فرمودند و شمسی بیك از طرف دولت مهماندار بود کمال پاشا بحضور مبارك عرض کرد که رسم است بزرگان مهمان شاه میشوند و پس از ورود باسلامبول بملاقات فواد پاشا و عالی پاشا میروند و آنچه رامیخواهند در خواست میکنند و اگر بخواهند با خلیفه هم ملاقات میکنند جمالمبارك فرمودند ما رابکسی احتیاج نیست حکومت امر کرده و ما اینجا آمده ایم.

٢ــ ورود حضرت بهاءالله بادرنه در روز اول رجب ١٢٨٠

مطابق ۱۲ دسامبر ۱۸۶۳ شهرالمسائل ۲۰

۳ــ اقدام یحیی ازل بقتل و مسموم ساختن جمالمبارك در ادرنه . لوح الامر در ادرنه نازل شد در ۱۲۸۰ و ظهور موعود بیان اعلان گردید یك نسخه هم برای ازل فرستادند ازل در ظاهر چیزی نگفت ولی در باطن بمخالفت برخاست و یوم الفصل از همین جا شروع شد . روزی هیکل مبارك را بمنزل خود برای شیرینی دعوت کرد و قبلا چند فدائی تعیین کرده بود جمالقدم قدری میل فرمودند و بقیه استکانرا دادند بیکی از زنهای ازل که حاضر بود او هم نوشید و در نتیجه مریض شد اما چون زهر بقدر کافی نبود آن زن نمرد و جمالمبارك هم مریض شدند و عاقبت بفداکاری دکتر چوپان سلامتی یافتند اما دکتر چوپان خود وفات یافت و فدای هیکل مبارك شد .

٤ــ اظهار امر جمالمبارك در باغ نجیبیه معروف برضوان روز ۱۳ شهرالجلال سنه واحد از واحد اول مطابق با روز چهارشنبه ۲۱ آوریل ۱۸۶۳ و سوم ذی القعده ۱۲۷۹ اول اردیبهشت ماه ۱۲۴۲ هـ . ش .

٥ــ عزیمت از باغ رضوان بجانب اسلامبول ظهر روز یکشنبه سوم می مطابق چهاردهم ذی قعده همین سال .

٦ــ جشن گرفتن جمالمبارك عید نوروز اینسال را در مزرعه

وشاّش و نزول لوح ملاح القدس در روز پنجم نوروز ١٢٤٢هـ .
ش / شوال ٩ ١٢٧٩هـ.ق .

٧ــ عزیمت جمالمبارك با عائله مبارکه و ٢٦نفر از اصحاب از قریهٔ فریجات که از باغ رضوان بدانجا تشریف برده بودند بجانب اسلامبول . ٢ذی القعده ٩ ص .

٨ــ نزول لوح صودج در نزدیك بندر سامسون وقتی که چشم جمالمبارك ازمیان صودج بدریای سیاه افتاد .

٩ــ خروج از مزرعهٔ وشاّش در ٢٦مارس ٥ شوال . پنجشنبه ششم فروردین .

١٠ــ نزول سوره صبر در روز اوّل رضوان در باغ نجیبیه .

١١ــ ورود عائله مبارکه بباغ رضوان ١٨٦٣نهم رضوان .

نوروز ٢١ (یکشنبه ١١ شوال ١٢٨٠ هـ. ق ٢٠
مارس ١٨٦٤ کبیسه م) ٢١ بـ ١٢٤٣ هـ. ش

وقایع مهمّه امری سال ٨١ ـ ١٢٨٠ هـ. ق
مطابق ٦٥ ـ ١٨٦٤ میلادی
سنة البهاء من الواحد الثانی
(سال دوّم از واحد دوّم)

١ـ وفات میرزا عسکری امام جمعه مشهد در مشهد . این همانست که جناب حاجی سید کاظم جناب ملا حسین بشرویه‌ئی را از کربلا برای ملاقات او بمشهد و ملاقات سید محمد باقر شفتی گیلانی باصفهان فرستادند .
٢ـ امتداد سفر جمال مبارك از بغداد بموصل و شهرهای بین راه تا اسلامبول (مدینه کبیره).

نوروز ۲۲ (سه شنبه ۲۳ شوال ۱۲۸۱ هـ.ق
کبیسه ۲۱ مارس ۱۸۶۵ م) ۲۲ ب — ۱۲۴۴
هـ . ش
وقایع مهمّه امری سال ۸۲ — ۱۲۸۱ هـ. ق
مطابق ۶۶ — ۱۸۶۵ میلادی
سنة الاب من الواحد الاوّل
(سال سوم از واحد دوم)

۱ــ وفات شریعتمدار بزرگ ملا محمد حمزه .
۲ــ نزول سورة الامر در ادرنه و اظهار عظمت امرالله در آن لوح و ارسال ان لوح برای یحیی ازل و اقدامات مبغضانه او نسبت بهیکل مبارك بعد از دریافت لوح مبارك مزبور .
۳ــ وفات شیخ مرتضی انصاری عالم بزرگ شیعه که در لوح سلطان ایران نام او از قلم الهی نازل شده و در تذکرة الوفا و الواح دیگر مرکز میثاق نامش را ذکر فرموده اند ودر تاریخ امر در قضیه اجتماع علمای شیعه در کاظمین علیه امرالله شهرت دارد که دفع فساد کرد علیه رحمة الله .
وفاتش در شب شنبه هیجدهم جمادی الثانی اینسال بوده است . (۱۲۸۱ هـ.ق) ولادتش بسال ۱۲۱۴ هـ.ق

بوده در دزفول و نام پدرش محمد امین و از زارعین دزفول بوده است . (تاریخ سالش کلمه فراغ ۱۲۸۱ میباشد) .

نوروز ۲۳ (شنبه ۳ذی القعده ۱۲۸۲هـ.ق
۲۱ مارس ۱۸۶۶م) ۲۳ ـه ۱۲٤۵هـ. ش.

وقایع مهّمه امری سال ۸۳ ـ ۱۲۸۲هـ. ق
مطابق ۶۷ ـ ۱۸۶۶ میلادی
سنة الدال من الواحد الثانی
(سال چهارم از واحد دوم)

۱ـ صعود میرزا احمد معروف به مهیمن الاحباء در یزد بمرض وبا. مشارالیه پسر میرزا محمد رضای طبیب صاحب لوح مبارك طب است.

۲ـ انتقال جمالمبارك در ادرنه بخانه رضا بیك روز ۲۲ ـ شوال ۱۲۸۲ فوریه ۱۸۶۶ ومسدود شدن باب لقا برای مدت دو ماه بروی یارو اغیارو تحقق فصل رهیب اکبر.

نوروز ٢٤ (پنجشنبه ١٤ ذیقعده ١٢٨٣ هـ . ق
کبیسه ٢١ مارس ١٨٦٧ م) ٢٤ ب ـ ١٢٤٦ هـ . ش

وقایع مهمّه امری سا ل ٨٤ ـ ١٢٨٣ هـ . ق .
مطـــــــابق ٦٨ ـ ١٨٦٧ میـــلادی
سنة الباب من الواحد الثانی
(سا ل پنجم از واحد دوّم)

١ ـ نزول سورة الملوک که شامل انذرات شدیده بملوک وسلاطین است .
٢ ـ سقوط نجوم که از علائم ظهور محبوبست و ذکر آن در لوح مبارک نازل (هل سقطت النجوم قل ای اذکان الرحمن فی ارض السّر . . . . . (رجوع بضمیمه سوم)
٣ ـ شهادت شیخ احمد خراسانی و سید مصطفی نراقی و یکنفر از احباء در تبریز آذربایجان .
٤ ـ نقل عرش اطهر حضرت اعلی از محل اولیه بواسطهء میرزا منیر کاشانی بمحل دیگر .
٥ ـ شهادت شیخ احمد خراسانی و سید مصطفی نراقی و یکنفر دیگر از احباء در تبریز آذربایجان . (رجوع بضمیمه چهارم شود)

نوروز ٢٥ (جمعه ٢٥ ذیقعده ١٢٨٤ هـ.ق
کبیسه / ٢٠ مارس ١٨٦٨ م کبیسه) ٢٥ ب ـ ١٢٤٧
هـ ـ ش

وقایع مهّمه امری سال ٨٥ ـ ١٢٨٤ هـ.ق مطابق
با ٦٩ ـ ١٨٦٨ میلادی ـ ٢٥ بدیع
سنة الواو من الواحد الثانی
(سال ششم از واحد دوّم)

١ ـ شهادت جناب رضی الروح . (تاریخ شهدای یزد از صفحه ١٨ الی ٢٢) بضمیمه پنجم رجوع شود .
٢ ـ صعود شیخ سلطان کربلائی پدر زن جناب کلیم آقا میرزا موسی / ١٢٨٤ هـ.ق .
٣ ـ داستان مباهله در ادرنه و نزول لوح مباهله . جمادی الاول ١٢٨٤ هـ.ق . سپتامبر ١٨٦٧ .
٤ ـ صدور لوح مبارك در ادرنه خطاب بملا علی اکبر شهمیرزادی و آقا جمال بروجردی که در طهران بودند از قلم جمالقدم جل جلاله و امر باینکه عرش حضرت اعلی را از امامزاده معصوم بدون تأخیر بجای دیگر منتقل سازند .

۵ــ نزول لوح مبارك در ادرنه درجواب اعتراضات علیمحمد سراج الذاکرین که در همین سال آن اعتراضات را در روز ۱۶ ربیع الاوّل بحضور مبارك فرستاد .

۶ــ شهادت جناب میرزا محمد علی طبیب زنجانی که سر مبارکش را در دارالحکومه در محضر حاکم زنجان و علماء در میان طشت بریدند .

۷ــ شهادت جناب آقانجفعلی زنجانی که بعد از جناب طبیب او را شهید کردند و در وقت شهادت فریاد میزد یا بهاالابهی مابهاو خون بهارا یافتیم در لوح ابن الذئب این موضوع را بیان فرموده اند شرح شهادت طبیب و آقانجفعلی را مفصل در کتاب (گنج شایگان) نوشته‌ام.

۸ــ نفی جمالقدم از ادرنه به گالی بولی .

۹ــ نفی هیکل مبارك به عکّا .

۱۰ــ صعود مریم دختر عمه جمالقدم که لوح مریم باعزاز اوست مشارالیها در ۴۲ سالگی صعود کرد وزوجهٔ حاجی میرزارضاقلی برادر جمال مبارك بود .

نوروز ٢٦ (یکشنبه ٧ ذیحجه ١٢٨٥ / ٢١
مارس ١٨٦٩م) ٢٦ رب ١٢٤٨هـ. ش.

وقایع مهمه امری سال ٨٦ ـ ١٢٨٥هـ.ق.
مطابق ٧٠ ـ ١٨٦٩ میلادی ٢٦ بدیع
سنة الابد من الواحد الثانی
(سال هفتم از واحد دوّم)

١ ـ نزول لوح مبارك رئیس خطاب به انیس در بین راه ادرنه بسجن عکا ماه ربیع الثانی ١٢٨٥ آگست ١٨٦٨ (خروج از ادرنه روز ٢٢ ربیع الثانی مطابق ١٢ آگست).
٢ ـ بریدن حاجی جعفر تبریزی گلوی خود را وقتیکه خواستند او را از همراهی جمالمبارك درحین خروج از ادرنه ممانعت کنند.
٣ ـ ورود جمالمبارك با اصحاب و عائله مبارکه بکشتی وتوجه باسکندریه صبح دوّم جمادی الاوّل ١٢٨٥ / ٢١ آگست ١٨٦٨.
٤ ـ رسیدن کشتی مبارك بازمیر و صعود میرزاآقای منیب (میرزاآقای منیر).
٥ ـ عوض شدن کشتی در اسکندریه.

۶ــ محبوس شدن نبیل زرندی در مصر و حبس او در اسکندریه و قیام بتبلیغ در زندان اسکندریه و ایمان کشیش سوری .

۷ــ تقدیم قسیس مارس سوری از زندان اسکندریه عریضه تاریخی خود را بحضور مبارك در کشتی اسکندریه . (عریضه قسیس مارس سوری بسیار مفصل و بلغت عربی دارجه است و لهذا از نقل آن صرفنظر شد .)

۸ــ انداختن عبد الغفار خود را بدریا از غم فرقت جمالقدم وقتی که هیکل مبارك از کشتی وارد قایق شدند که بحیفا پیاده شوند و بنا بود عبد الغفار را با ازل بعکا بفرستند

۹ــ ورود جمالقدم بعکا و پیاده شدن از کشتی بعد از ظهر ۱۲ جمادی الاوّل ۱۲۸۵ / ۳۱ آگست ۱۸۶۸ .

۱۰ــ صدور نامه و فرمان سلطان عثمانی خطاب بمتصرف عکا که جمالقدم و اصحابرا در عکا محبوس و از ملاقات ممنوع سازد و تاریخ این مراسله پنجم ربیع الثانی ۱۲۸۵ / ۲۶ جولای ۱۸۶۸ میباشد .

۱۱ــ رفتن سید محمد اصفهانی از ادرنه باسلامبول و همدست شدن با آقاجان بیك کج کلاه مستخدم دولت و صاحب منصب توپخانه و ارسال نامه های تفتین آمیز بر ضد امر مبارك و جمالمبارك و ارسال باطراف و تخدیش اذهان روسای حکومت عثمانی را نسبت بامر مبارك و جعل برخی از مطالب

زننده بنام لوح مبارك حضرت بهاءالله و ارسال باطراف و همراه شدن حاجی میرزاحسینخان قزوینی سفیرکبیر ایران در اسلامبول با آنها و مضطرب شدن خاطرسلطان عبدالعزیز و سفرفواد پاشاازاسلامبول ببلغاربرای جلوگیری از استقلال طلبی بلغاریان و عبورش از ادرنه و مشاهده جلال و عظمت و نفوذ حضرت بهاءالله و بالاخره صدور حکم حکومت عثمانی و نفی اصحاب از ادرنه بعکا .

۱۲ــ اقدام مستمر شیخ عبدالحسین طهرانی بهمدستی میرزا بزرگ قزوینی قنسول ایران در بغداد بر علیه احبای الهی و شورش و بلوی در ایام عاشوراو شهادت آقاعبدالرسول قمی سقّای بیت مبارك در بغداد و هیاهوی مردم در هنگام دفن او در قبرستان حبس کردن و گرفتاری میرزا بزرگ قزوینی بدستورشیخ عبدالحسین طهرانی سه نفر از احباء را که در کربلا بودند یعنی شیخ حسن زنوزی وملا محمد حسن قزوینی و عسگر صاحب و آوردن آنها مغلولا ادببغداد ووفات ملا محمد حسن قزوینی ازکثرت تعب دربغداد و تسلیم کردن دونفر دیگر را بحکومت کرمانشاه و صعود شیخ حسن زنوزی از کثرت رنج وعذاب در کرمانشاه و محبوسیت عسکر صاحب در انبار طهران و صعودش پس از یکهفته در انبار .

۱۳ــ ماءمور شدن مشکین قلم و سیاح و آقاجمشید گرجی ازادرنه باسلامبول برای جلوگیری از مفاسد سید محمد اصفهانی و همدستانش و محبوس شدن این سه نفر باآقا عبدالغفارباقر قهوه چی و ارتاد محمد علی سلمانی در اسلامبول بتفتین سید محمد و آقاجان بیك کج کلاه وتسلیم کردن آقاجمشید و استاد محمد علی را در سر حد ایران برؤسای اکراد و آزاد شدن آن دونفر و مراجعت بحضور مبارك در ادرنه .

۱٤ــ گرفتاری حاجی میرزاحیدرعلی اصفهانی و جمعی دیگراز احباء بواسطهٔ میرزاحسن قنسول ایران در مصر و اذیت آنان و تبعید حاجی میرزاحیدرعلی بسودان و سایر گرفتاریهای او.

۱۵ــ نزول الواح ملوك از جملهٔ لوح ناصرالدین شاه.

۱٦ــ ارسال لوح اوّل ناپلئون سوّم امپراطورفرانسه برای امتحان .

۱۷ــ کشته شدن علیمحمد سراج الذاکرین در بغداد ــ مشارالیه پسر ملا حسین روضه خان اصفهانی است. برادرش ملا رجبعلی قهیر است و خواهرش مریم است که دراصفهان منقطعه حضرت اعلی بود .

۱۸ــ چهار نفر از بهائیها بامر حکومت عثمانی بقبرس

فرستاده‌شدند اسامی آنها از این قرار است . میرزا علی سیاح . میرزاحسین مشکین قلم . آقامحمد باقرقهوه چی جمالقدم و آقاعبدالغفارمعروف به عبدالله . این شخص وقتیکه شنید میخواهند او رابقبرس بفرستند خود رابدریا انداخت و فورا او را نجات دادند و بقبرس فرستادند اینها ۹ سال در قبرس بودند وپس از آنکه قبرس از تصرف عثمانی خارج شد آزاد شدند تبعید کردن حکومت عثمانی احباء را در بغداد بموصل . این داستان مقدمه ای داردکه مجمل آن اینست :

جمعی از احباء در این سال روز اول محرم درباغ میرزا موسی جواهرساز مجتمع بودند شیعیان متعصب خیال کردند که احباء برای جشن و سرور جمع شده بودند لهذا مراتب را بشیخ عبدالحسین طهرانی و میرزابزرگ خان قزوینی گفتند در نتیجه آنها علماء را وادارکردند که مردم را علیه احبا بشورانند وازآن ببعد شیعیان هر یك از احبا را که در کوچه و بازار میدیدند بقصد کشتن میزدند . آقا عبدالرسول قمی سقای بیت مبارك در حالیکه مشك آب رابه دوش داشت و به بیت میرفت مورد حملهٔ شیعیان قرارگرفته باکارد شکمش را پاره کردند مشارالیه امعاء خود راکه ببیرون ریخته بود بایکدست محکم گرفت و با دست دیگر

مشك آب را نگاهداشت تا آنکه خود را ببیت مبـــارك رسانید و صعود کرد . احباء اخبار را بحضور جمالقدم که در ادرنه تشریف داشتند عرض کردند جوابی که ازساحت اقدس رسید امر به صبر و شکیبائی بود تقی الدین پاشا حاکم بغداد تلگرافی از باب عالی دستور خواست جواب رسید که احباء را از بغداد بموصل بفرستید حاکم برای حفظ و صیانت احباء همه آنها را در حکومتی مجتمـــع ساخت و پس از چند روز حسب الحکم همه را بموصـــل فرستاد . جناب زین هم جزو آنان بود . تبعید احباء از بغداد بموصل مصادف با ایامی بود که جمال قدم را ازادرنه میبردند .

نوروز ۲۷ (دو شنبه ۱۸ ذیحجه ۱۲۸۶ هـ.ق
۲۱ مارس ۱۸۷۰ م) ۲۷ ب ـ ۱۲۴۶ هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ۷۷ ـ ۱۲۷۶ هـ. ق.
مطابق ۷۱ ـ ۱۸۷۰ میلادی
سنة الحادی من الواحد الثانی
(سال هشتم از واحد دوم)

۱ـ نزول لوح مبارك (ك ظ) معروف به لوح فواد باعزاز مرحوم سمندر قزوینی .

۲ـ شهادت سید اشرف زنجانی و میرزا نقد علی مکنّی به ابابصیر در زنجان بفتوای علمای زنجان . بعضی سال شهادت را ۱۲۸۷ نوشته اند .

۳ـ صدور مراسله میرزا حسینخان قزوینی صدر اعظم ایران در اسلامبول بعنوان شاه ایران که او را از حبس جمالمبارك و اصحاب در عکا مطمئن میسازد و میگوید که من بعباس قلیخان قونسول ایران در دمشق دستور داده ام که هر سه ماه یکمرتبه بعکا برود و مواظب باشد که محبوسین بر خلاف دستور رفتار نکنند و مرتب راپورت را باسلامبول بدهد و بجزئی و فرزند کس دیگر را نگذارد که بابهاءالله ملاقات

نماید .

٤ــ تشرّف حاجی ابوالحسن اردکانی ملقب به امین حقوق الله در حمام عکا بحضور مبارك بدون آنکه شناسائی و ایمان خود را برای مراعات حکمت اظهار کند و همچنین مشرف شدن استاد اسمعیل کاشانی از موصل و موفق نشدنش بتشرف بحضور مبارك از ظلم اعداء و همچنین ممنوع شدن نبیل زرندی از تشرف در عکا و سیرو سیاحتش در اطراف و بلاد اراضی مقدسه .

٥ــ چوب خوردن محمد حسنخان کاشی در بروجرد تا بحدی که بپای مرگ رسید بفتوای علماء .

٦ــ صعود جناب میرزا مهدی غصن اطهرالمخلوق من نورالبهاء در عکابواسطه افتادن از روزنهٔ بام به پائین و خرد شدن دنده هاو پس از ۲۲ساعت صعود کردن درسن ۲۲ سالگی روز ۲۳ربیع الاّول ۱۲۸۷ــ۲۳جون ۱۸۷۰و تولد جناب غصن اطهردر طهران در سال ۱۲٦٦هـ.ق. بوده است و ابتدا در قبرستان نبی صالح مدفون گردید و بعد بکوه کرمل منتقل گشت .

۷ــ وفات فواد پاشا وزیر امور خارجه عثمانی در فرانسه بر اثر قهرالبیبه ۱۸٦۹ (در نیس وفات کرد) .

۸ــ ورود ملك نمسه فرانسواژوزف باراضی مقدسه‌که‌درکتاب

اقدس بدان تصریح شده است ١٢٨٦ . (رجوع شود به ضمیمه ششم) .

٩ــ در ماه رمضان در کربلا وفات شیخ عبدالحسین شیخ العراقین بن شیخ علی طهرانی که در بغداد علماء راجع کرد و مخالفتها با امرالله نمود .

١٠ــ مسموم شدن ملا محمد جعفر نراقی که از اعدای امر بود در انبار دولتی . این شخص در ذیحجه ١٢٨٤ قمری ردیه ای بامر مبارك نوشت بنام تذکرة الغافلین .

١١ــ بروز مرض شدید در عکّا در اوّل ورود اصحاب و صعود سه نفر از احباء در آن ایام که عبارت بودند از ابوالقاسم سلطان آبادی و دو برادر بنام آقامحمد و آقامحمد اسماعیل. در فصل تابستان آنسال شدت مرض باعلی درجه رسید و مناجات (ولواّن سوء حالی) در همینسال نازل شد و پس از نزول این مناجات مرض مرتفع گردید .

١٢ــ مخالفت شدید سید محمد اصفهانی با جمال قدم و احبای الهی در عکا . سید محمد و میرزارضاقلی تفرشی و خواهرش که در عکا منزل داشتند مراقب بودند و هر یك از احباء که بساحت اقدس میامدند فورا به حکومت خبر میدادند یکی از احبای عرب اهل بغداد موسوم به نصیر و معروف به حاجی عباس که در بیروت بود وقتی شرح اقدامات سوء سید

محمد و همدستانش را شدید برای کشتن آنها بعکا آمد و نیت خود را بحضور مبارك عرض کرد لوحی بافتخارش نازل شد و بسیار مورد عنایت واقع گردید در لوح میفرمایند خدمت تو را قبول کردیم و امر فرمودند که فورا به بیروت برگردد اوهم اطاعت نمود و از انجام مقصود خود صرفنظر کرد . شهادت جناب آقا بزرگ نیشابوری ملقب بفخرالشهداء و بدیع حامل لوح ناصرالدین شاه پسر جناب حاجی عبدالمجید نیشابوری ملقب به ابابدیع در طهران در نیاوران بامر ناصرالدین شاه .

۱۳ــ سقوط و انقراض سلطنت فرانسه ۱۸۷۰ (تحقق وعده مبارك در لوح ملوك)

۱٤ــ سقوط و اضمحلال سلطنت روحانی پاپی نهم .

نوروز ۲۸ (سه شنبه ۲۹ ذی حجه ۱۲۸۷ هـ.
ق / ۲۱ مارس ۱۸۷۱ م) ۲۸ـ۰ ۱۲۵ هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سا ل ۸۸ـ۱۲۸۷ هـ. ق.
مطـــــابق ۷۲ ـ ۱۸۷۱ میلادی ۲۸
بـــــدیـــــع
سنة البهاء من الواحد الثانی
(سا ل نهم از واحد دوّم)

۱ـ بلوای شیراز و شهادت میرزا آقای رکاب سا زشیرازی و دو نفر دیگر از احبای الهی بفتوای شیخ حسین ناظم الشریفه معروف به شیخ ظا لم در دوره حکومت سلطـــان مراد میرزاحسام السلطنه. میرزا آقای رکاب ساز همانســت که تفسیر آیه نور و حروف مقطعه قرانیه در جواب ســئوال او از قلم مبارك جمالقد م نازلشده است و آن دو نفر دیگر یکی میرزا رفیع خیاط و دیگر مشهدی نبی بوده اند .
۲ـ آغاز نزول کتابمستطاب اقدس از قلم جمالقدم جـــل جلاله .
۳ـ وقوع حریق شدید در اسلامبول که در لوح مبارك ـ جمالقدم جل جلاله بوقوع آن تصریح شده و فرموده انـــد

که بنار عدل سوخت .

٤ــ جنگ آلمان و فرانسه و شکست ناپلئون سوم .

٥ــ قتل ملا رجبعلی قهیر در کربلا ــ مشارالیه برادر علی محمد سراج است . این دو برادر بامر مبارك رد یه نوشتند و جواب آن در الواح مبارکه نازل شد .

٦ــ انتقال جمالقدم و اصحاب از قشله عسکریه بمنزل مالك در محله غربی عکا ماه رجب همینسال و پس از چند ماه بخانه ربیعه منتقل شدند .

توضیـــــــح .

سال ۱۲۵۰ شمسی مطابق با سال قمری ۱۲۸۷ــ سه شنبه ۲۹ ذیحجه الی یکشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۲۸۸ هـ.ق الی سه شنبه ۹ محرم ۱۲۸۹ هـ.ق است که سال کبیســـه بوده است .

نوروز ۲۹ (چهارشنبه ۱۰ محرم ۱۲۸۹ هـ. ق.
کبیسه ۲۰ مارس ۱۸۷۲ م) ۲۹ ـ ۱۲۵۱ هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۲۸۹ مطابق با ۷۳ ـ
۱۸۷۲ میلادی ـ ۲۹ بدیع
سنة الحب من الواحد الثانی
(سال دهم از واحد دوّم)

۱ـ توجّه منیره خانم از اصفهان بجانب ارض مقصود با مر جمال رحمن از راه شیراز . . . . (بضمیمه هفتم رجوع شود)
۲ـ انتقال جمالقدم جل جلاله ازخانه ربیمه در عکا بخانه عودی خمار ماه محرم سال مزبور و در این منزل جا بقدری تنگ بود که مجبور بودند لااقل سیزده نفر در یك اطاق بسر برند زن و مرد و اطفال باهم بمضی هم بمنازل دیگر رفته بقیه به خان عوامید منزل نمودند (حدود ۱۸۷۳).
۳ـ فوت عالی پاشا صدر اعظم عثمانی و فوت عمر پاشا سردار ارم عثمانی.
٤ـ بقتل رسیدن جمعی از مخالفین امر در روز ۱۲ ذی ـ القعده اینسال در عکا (بضمیمه هشتم مراجعه شود)
٥ـ مسافرت تبلیغی میرزا سلیمان معروف بجمال افندی

بامر جمال قدم بهندوستان ۱۸۷۲.

۶ــ ظهور قحطی و دگرگونی شدید در ایران که در لوح مبارك جمالقدم بعنوان ملا علی اکبر شهمیرزادی ابیادی بان اشاره شده است.

نوروز سی ام (جمعه ۲۱ محرم ۱۲۹۰ هـ.ق ۲۱ مارس ۱۸۷۳ م) ۳۰ — ۱۲۵۲ هـ — ش .

وقایع مهمّه امری سال ۹۱ — ۱۲۹۰ هـ. ق .
مطـــابق ۷۴ — ۱۸۷۳ میـــــلادی . . .
سنة البهاج من الواحد الثانی
(سال یازدهم از واحد دوّم)

۱ــ تشرّف آقا محمد قاینی نبیل اکبر در عکا بحضور جمال قدم .
۲ــ نزول لوح حکمت از قلم جمال مبارك باعزاز نبیل اکبر .
۳ــ نزول لوح رؤیا در یوم مبعث حضرت نقطه اولی ســال ۱۲۹۰ هـ.ق ۱۹ سال قبل از صعود جمال کبریا .

سی و یکمین نوروز (شنبه ۲ صفر ۱۲۹۱ کبیسه
۲۱ مارس ۱۸۷٤ م) ۳۱ آ ـ ۱۲۵۳ هـ . ش .

وقایع مهمّه امری سال ۹۲ ـ ۱۲۹۱ هـ . ق مطابق
با ۷۵ ـ ۱۸۷٤ میـــــــــلادی .....

سنة الجواب من الواحد الثانی
(سال دوازدهم از واحد دوّم)

۱ ـ وفات حاج ملا هادی حکیم سبزواری که در لوح بسیط
الحقیقه نام او را بیان فرمودند .

۲ ـ تولد دکتر اسلمنت مؤلف بهاءالله و عصر جدید ۱۸۷٤
م .

نوروز ۳۲ (یکشنبه ۱۳ صفر ۱۲۹۲ هـ . ق / ۲۱
مارس ۱۸۷۵ م) ۳۲ ب ـ ۱۲۵٤ هـ ـ ش .

وقایع مهمّه امری سال ۹۳ ـ ۱۲۶۲ هـ . ق مطابق
با سال ۷۶ ـ ۱۸۷۵ میلادی
سنة الاحد من الواحد الثانی
(سال سیزدهم از واحد دوّم)

۱ ـ وفات امام جمعه اصفهان سلطان العلماء میر سید محمد که تفسیر سوره والعصر بخواهش او از قلم مبارک نازل شده و در اواخر ایام از ترس زوال مقام ریاست بجنون حضرت اعلی تسجیل کرد .

نوروز ۳۳ (دوشنبه ۲۳ صفر ۱۲۹۳ هـ . ق / ۲۱ مارس
۱۸۷۶ م) ۳۳ ب ـ ۱۲۵۵ هـ ـ ش .

وقایع مهمّه امری سال ۹۴ ـ ۱۲۹۳ هـ . ق .
مطـــابق با ۷۷ ـ ۱۸۷۶ میـــلادی . .
سنة الوهاب من الواحد الثانی
(سال چهارد هم از واحد دوّم)

۱ـ خلع سلطان عبد العزیز عثمانی سی ام ماه مه ســـه شنبه ششم جمادی الاولی ۱۲۹۳ هـ . ق دهم جوزا ۱۲۵۵ هـ. ش .

۲ـ شهادت میرزا محمد مصطفی در ترشیز خراسان ـ (کاشمر) .

۳ـ اسیر کردن معلم حصاری و چهل نفر احبای حصـــار را در ترشیز (کاشمر) و بردن نزد حاجی میرزا احمـــد مجتهد و آزار آنان .

نوروز ۳٤ (٤شنبه پنجم ربیع الاوّل ۱۲۹٤هـ.
ق ۲۱مارس ۱۸۷۷م) ۳٤ب – ۱۲۵٦ هـ. ش

وقایع مهّمه امری سال ۹۵ – ۱۲۹٤هـ.ق
مطابق با ۷۸–۱۸۷۷ میلادی
سنةالوداد من الواحد الثانی
(سال پانزدهم از واحد دوّم)

۱– شهادت جناب حاج عبد المجید ابادیع در مشهد خراسان بفتوای ابن الذئب اصفهانی وحاجی سید محمود مجتهد بروجردی و امر رکن الدوله والی خراسان.
۲– جشن گرفتن پی نهم سال پنجاهم سلطنت روحانی خود را (این همان پاپ مخاطب لوح مبارکست).
۳– انتقال جمالقدم از عکا بباغ رضوان. این باغ درنزدیکی عکا قرار دارد. هیکل مبارك نه روز درآنجا توقف فرمودند بعد بعکا برگشتند و در خاتمه همین سال بقصر عبد اللّه پاشا که در شمال عکا واقع است تشریف بردند فاصله این قصر تا شهر عکا یکساعت و نیم است.

نوروز ۳۵ (پنجشنبه ۲۶ربیع الاوّل ۱۲۹۵هـ.ق
کبیسه ۲۱مارس ۱۸۷۸م) ۳۵بـ۱۲۵۷هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ۹۶ـ۱۲۹۵هـ.ق .
مطابـــــق با سال ۷۹ـ ۱۸۷۸ میـلادی
سنةالبدی من الواحد الثانی
(سال شانزدهم از واحد دوّم)

۱ـ وفات پی نهم پاپ ایطالیاکه مخاطب لوح مبارك (یـا پاپا اخرق الحجاب) است وفاتش در روز ٤ صفرســـال مزبور .
۲ـ کشته شدن آقا سید احمد پسرمرحوم حاجی سیـــد کاظم رشتی در کربلا در کوچه باب السدر بدست اعـــراب شیعه در شب دوشنبه ۱۷جمادی الاولی ۱۰تور ۱۲۵۷ هـ. ش چهارم می ۱۸۷۸م.
۳ـ گرفتاری سید آقاجان در اصفهان و محبوس شدن او.
٤ـ شهادت ملا کاظم طالخونچه ای در اصفهان .
٥ـ شهادت مشیةالله پسر ملا خدابخش قوچانی حرف حی بامر میرعلم خان امیر قاین در علی آباد عمارت ییـــــلاقی

امیر و زیرچوب شهید شدن او ودفن شدن در قریهٔ
نوفرست مشیةالله در حین شهادت ٥١ ساله بود . مشیةالله
برای ملاقات شوهر همشیره خود درویش‌علی اکبر که
از عکا مراجعت کرده بود و بحکم امیر قاین او در قریهٔ
سرچاه مدت دوسال محبوس بود آمده بود از قوچان به
بیرجند .

٦ــ اسیر شدن درویش‌علی اکبر داماد ملا خدابخش
قوچانی حرف حی در قاین بامر میرعلم خان امیر قاین
و مدت دوسال در چاهی در قریهٔ سرچاه محبوس بود واو
را بچهار میخ کشیدند و موهای سرش‌را با دست از بیخ
کندند و بالاخره بوساطت شریمتمدارسبزواری حاج میرزا
ابراهیم که باطنا مومن بامر مبارك بود از زندان خلاص شد .

نوروز ۳۶ (جمعه ۲۷ربیع الاوّل ۱۲۹۶هـ. ق.
۲۱مارس ۱۸۷۹م) ۳۶ب — ۱۲۵۸ هـ . ش .

وقایع مهّمه امری سا ل ۹۷ — ۱۲۹۶کبیسه هـ.
ق مطابـــــق ۸۰—۱۸۷۹کبیسه م /۳۶بدیع
سنةالبهی من الواحد الثانی
(سا ل هفدهم از واحد دوّم)

۱ــ گرفتاری آقاسید موسی و حاجی محمد طاهرمالمیـــری در دست اعداء در یزد . (رجوع شود بضمیمه یا زدهم)
۲ــ شهادت سلطا ن الشهداء و محبوب الشهـــــداء در اصفهان .
۳ــ شهادت محمد کاظم طالخونچه ای (۲۲صفر)
٤ــ گرفتاری شمس الضحی خورشید بیگم مادرزن سلـــطان الشهداء در اصفهان که شرحش در تذکرةالوفا مسطـــور است .
٥ــ گرفتار شدن میرمحمد حسین امام جمعه اصفهان ملقب به رقشاء پس از شهادت سلطا ن الشهداء و محبـــوب الشهداء بمرض عجیب که اهل و عیالش از او فرارکردند و او قریه بقریه میگشت . معذّب بودن او مدتها طول کشیـــد .

نوروز ۳۷ (شنبه ۸ربیع الثانی ۱۲۹۷هـ.ق .
کبیسه /۲مارس ۱۸۸۰م کبیسه) ۳۷ب /۱۲۵۹
هـ ـ ش

وقایع مهمّه امری سال ۹۸ـ ۱۲۹۷هـ. ق .
مطـــــابق ۱۸۸۱ـ۱۸۸۰میـــــلادی . .
سنة الابهی من الواحد الثانی
(سال هجدهم از واحد دوّم)

۱ـ مقتول شدن الکساند ردوّم امپراطور روسیه مخاطـب بلوح مبارک یا ملك الروس . . . . . بدست نهلیست ها .
۲ـ ظهور قحطی شدید در عثمانی که در بیان مبـارك مذکور است (۱۲۹۷) .
۳ـ نزول لوح برهان در عکّا .

نوروز ۳۸ (دوشنبه ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۹۸ هـ.
ق ۲۱ مارس ۱۸۸۱ م) ۳۸ ب — ۱۲۶۰ هـ. ش

وقایع مهّمه امری سال ۹۹ — ۱۲۹۸ هـ. ق مطابق
۸۲ — ۱۸۸۱ میـــــــلادی . . .
سنة الواحد من الواحد الثانی
(سال نوزدهم از واحد دوّم)

۱ــ استنطاق مدحت پاشا و یارانش که متهم بقتل سلطان عبد العزیز بودند . مدحت پاشا و هشت نفر دیگـــر محکوم بقتل و محکوم شدن دو نفر دیگر بحبس ابد (۱۲۹۸ هـ. ق) در این سال جمال مبارك بقصر عودی خمّارکه در شمـــال عکا واقع است و بیش از یکساعت تا شهر فاصله دارد انتقال فرمودند . اغلب اوقات مبارك در این قصر میگذشت .

۲ــ وفات میرمحمد حسین امام جمعه (رقشاء) تنها وبیکس بواسطهٔ مرضی عجیب که بدنش متعفن شد و همه از او فرار کردند و عاقبت پس از مرگ چند نفر حمّال او را دفـــــن کردند و قبرش هم مجهول و گمنام است .

۳ــ وفات میرزا حسین خان صدراعظم و سپهسالار معروف قزوینی در مشهد خراسان در دوره والی بودن در خراسان

مشارالیه همانست که در دوره سفارتش در باب عالی عثمانی سبب حبس و نفی جمالقدم در قشلهٔ عکا گردید .

نوروز ۳۹ (سه شنبه اوّل جمادی الاولی ۱۲۹۹ هـ.
ق کبیسه/ ۲۱ مارس ۱۸۸۲ میـــــــــــلادی
۳۹ب ـ ۱۲۶۱ هـ . ش.

وقایع مهّمه امری سال ۱۲۹۹ هـ. ق. مطابـــق
با سال ۱۸۸۲ میلادی ۳۹ بدیـــــع . . . .
سنة الالف من الواحد الثالث
(سال اول از واحد سـّوم)

۱ــ صعود خدیجه بیگم حرم محترم حضرت اعلی در شیراز و دفن شدن در شاه چراغ .
۲ــ تقدیم تمثال مبارك حضرت اعلی بواسطه جناب ورقـا بحضور مبارك جمالقدم جل جلاله بامر مبارك حضـــــرت عبد البهاء جل ثنائه که ورقا از میرزا محمود پسر آقابالا بیك نقاش باشی شیشوانی گرفت و تقدیم کرد .
۳ــ نزول لوح مبارك مقصود در عکا روز نهم ماه صفر ۱۲۹۹ هـ. ق (تاریخ نزول در نفس لوح مذکور است) .

نوروز ۴۰ (چهارشنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۳۰۰ هـ.ق ۲۱ مارس ۱۸۸۳م) ۴۰ب/۱۲۶۲ هـ.ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۳۰۱ـ۱۳۰۰ هـ.ق
مطابق ۸۴ـ۱۸۸۳ میلادی. ۴۰ بدیع
سنة الباء من الواحد الثالث
(سال دوم از واحد سوّم)

۱ـ شهادت حاجی نصیر در حبس گیلان و مثله کردن او که شرحش در لوح ابن الذئب نازل گردیده.
۲ـ صعود والده حضرت اعلی در کربلاء (اکتبر).
۳ـ حبس جمعی از احباء در طهران بحکم نایب السلطنه و از جمله ابوالفضائل هم محبوس بوده است. وشرحی مشروح در این خصوص نوشته است مدت حبس احباب در این واقعه نوزده ماه بود ودر رشت هم احبارا حبس کردند.
۴ـ وفات یکی از اعداء امرالله سید صادق طباطبائی که از قلم حق تعالی سید خبیث کاذب نامیده شده است مشارالیه در روز ۱۶ ربیع الثانی سال مزبور مرد وقبرش در حضرت عبد العظیم در حجره ناصرالدین شاه است

و شرح حالش در کتاب المآثر والآثار صنیع الدوله مراغه ای ص ۱۵۰ و کتاب قصص العلمای تنکابنی ص ۱۱۷ مسطور است.

۵ــ گرفتاری احبای سروستان و مورد هجوم واقع شـــــدن آنها و چوب خوردن و زجرشان در شیراز.

نوروز ٤١ (پنجشنبه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۰۱
هـ.ق ۲۰ مارس ۱۸۸٤ م کبیسه) ٤١ب /۱۲٦۳
هـ ـ ش

وقایع مهمّه امری سال ۱۳۰۲ ـ ۱۳۰۱ هـ.ق
مطابق ۸۵ ـ ۱۸۸٤ میلادی . . .
سنة الاب من الواحد الثالث
(سال سوم از واحد سوّم)

۱ ـ تأسیس جریدهٔ عروة الوثقی از طرف سید جمال افغانی که ذکرش در لوح دنیا نازل شده است . شمارهٔ اوّل (۱۵ ج اسنده ۱۳۰۱ هـ.ق) بود و ۱۸ شماره نشر شد و شمارهٔ آخر آن مورخ ۲٦ ذیحجه ۱۳۰۱ هـ.ق بود
۲ ـ گرفتاری ملا علیجان ماهفروجکی با نه نفر دیگر از احباء در مازندران . این نفوس مقدسه را بطهران بردند و ابتدا آنها را حبس کردند و بعد ملا علیجان را شهید کردند و استاد نورالله در حبس وفات یافت و بقیه را پس از چندی آزاد کردند .
۳ ـ وفات شیخ محمد باقر نجف در عتبات در نهایت ذلت و خواری و گمنامی .

نوروز (٤٢ (شنبه ٤ جمادی الثانی ١٣٠٢ .
٢١ مارس ٥ ١٨٨م) ٤٢ب ـ ١٢٦٤ هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ١٣٠٣ ـ ١٣٠٢ هـ. ق.
مطـــــــابق ١٨٨٦ ـ ١٨٨٥ میـلادی . .
سنة الدال من الواحد الثالث
(سال چهارم از واحد سوّم)

١ــ شهادت جناب ملا علی نامقی برادر معلم حصاری در قریه نامق از قرای تربت حیدریّه خراسان در شب ششـــم نوروز. او را بمشهد برده دفن کردند .

نوروز ٤٣ (یکشنبه ١٤ جمادی الثانی ١٣٠٣
هـ.ق کبیسه ٢١ مارس ١٨٨٦م) ٤٣ب —
١٢٦٥هـ.ش

وقایع امهّمه امری سا ل ١٣٠٤—١٣٠٣هـ.ق
مطـــــــابق ٨٧— ١٨٨٦م .....
سنة الباب من الواحد الثالث
(سا ل پنچم ازواحد سوّم)

١ــ نزول مقاله سیاح .
٢ــ صعود حرم جمالقدم جل جلاله ام حضرت عبد البهاء در عکاء .
٣ــ نفوذ امر مبارك در ابرقوو اسفندآباد .
٤ــ صعود جناب ملا احمد معلم حصاری در قریهٔ حصـــار و همانجا دفن شد (صعود ظهرچهارشنبه نهم ماه رجـب ١٣٠٣هـ.ق) حصار از توابع تربت حیدریه خراسان است.

نوروز ٤٤ (٥٢ج ٢ــ١٣٠٤هـ.ق ٢١ مارس
١٨٨١م) ٤٤ب ــ ١٢٦٦ هـ ــ ش .

وقایع مهمّه امری سا ل ١٣٠٥ــ١٣٠٤هـ.ق
مطـــــابق ١٨٨٨ ــ ١٨٨٧ میـلادی . .
سنة الواومن الواحد الثالث
(سا ل ششم ازواحد سوّم)

١ــ وفات قیصرالمان گلـــــبوم که در کتاب اقدس مخاطب بملك برلین است .

٢ــ هجوم اعداء و مسلمین در حصارو نامق خراســـــان باحبای الهی و اذیت و آزارادن باحباء و ضرب و شتـم و غارت و چپاول احباء و ازجمله جناب ملا علی برادرمـــلا احمد حصاری که مورد لطمه شدید واقع شده وبشهـــــادت رسید .

نوروز ٤٥ (سه شنبه ٦رجب ١٣٠٥هـ.ق. کبیسه
٢٠مارس ١٨٨٨م کبیسه) ٤٥بـ ١٢٦٧هـ. ش.

وقایع مهّمه سال ١٣٠٦ ــ ١٣٠٥هـ.ق مطابق
با ٨٩ــ ١٨٨٨ میلادی .....
سنةالابد من الواحد الثالث
(سال هفتم از واحد سوّم)

١ــ گرفتاری احبای اطراف فارس.
٢ــ صعود جناب حاج میرزا ابوالقاسم افنان معروف به سقاخانه برادر حرم محترم حضرت اعلی جل ذکره روز دوّم ربیع الاوّل چون در شیراز میرزا ابوالقاسم دیگری هم در جزو تجّار بوده است و اغلب این دونفرباهم مشتبه میشده اند لهذا برای فصل و تمیز چون حجره تجارت جناب افنان در پهلوی سقاخانه واقع بوده معروف بحاجی میرزا ابوالقاسم سقاخانه شده اند.
٣ــ وفات حاجی فرهاد میرزا معتمد الدوله که نامش در لوح مبارك ذکرشده است مشارالیه پسر عباس میرزا ولیعهد فتح علیشاه بود و جنازه اش را از طهران بکاظمین بردند.
(الماثرالاثار ص ١٦٥)

نوروز ٤٦ (پنجشنبه ۱۸رجب ۱۳۰٦هـ.ق .
۲۱ مارس ۱۸۸۹م) ٤٦ب—۱۲٦۸ هـ — ق .

وقایع مهّمه امری سا ل ۱۳۰۷ —۱۳۰٦هـ.ق
مطـــــابق با سا ل ۹۰—۱۸۸۹م / ٤٦
بـــــــدیـــــع
سنة الحاد من الواحد الثالث
سا ل هشتم ازواحد سوّم)

۱— وفات عد وامرالله حاجی ملا علی کنی مجتهد مسلم نافذ القـول طهران در روز پنج شنبه بیست و هفتم محرم الحرام سنـه مزبور در طهران واقع و قبرش در حضرت عبد العظیم در حجره ناصرالدین شا ه واقع است . کن اسم قریه ای از قراء مجاور هرانست حاجی ملا علی کنی در سا ل ۱۲۳۰هـ.ق تـولد یافته و شرح حال خود را در کتابی موسو م به توضیح المقا نگاشته است و در کتاب المآثر والاثار صنیع الدوله مراغـه‌ای نیز شرح حالش موجود است .
۲— ورود میرزاعلی اشرف عندلیب لاهیجانی بشیراز .
۳— صعود جناب اسم الله الاصدق ملا صا دق مقدس — خراسانی در همدان . قبرش در همدانست و معـــــلوم

و مشخص است .

٤ــ شهادت میرزا اشرف آباده ای در اصفهان (جناب حاجی میرزا حیدرعلی میفرمایند که میرزا اشرف اصلا اهل بشرویه بود و بواسطه توقف مدتی در نجف آباد و آباده به نجف آبادی و آباده ای معروف شد) .

٥ــ شهادت حاجی محمدرضای اصفهانی در عشق آباد .

۱۲ محرم ۱۳۰۷هـ.ق . سپتامبر ۱۸۸۶م /۱۸ شهریور ۱۲٦۸هـ.ش /٤٦ بدیع .

نوروز ٤٧ (جمعه ٢٩رجب ١٣٠٧هـ.ق ٢١مارس ١٨٩٠م) ٤٧ ١٢٦٩ هـ ـ ش .

وقایع مهمّه امری سا ل ٨٨ ـ ١٣٠٧هـ.ق مطابق با ٩١ ـ ١٨٩٠ میـــــلادی .....

سنة البهاء من الواحد الثالث

(سا ل نهم از واحد سوّم)

١ـ تشرّف مستربرون در عکا روز ٢٢شعبان تا ٢٦شعبا ن مطابق با ١٥ ـ ٢٠آپریل ١٨٩٠م .

٢ـ شهادت کربلائی حسن خان در شیراز بفتوای حاجی سیّدعلی اکبر مجتهد .

٣ـ صعود اخت محترم حضرت رباعلی (زهرابیگم) در شیراز ١٥ صفر .

٤ـ نصب خیام عظمت در صفح جبل کرمل و نزول لـــوح مبارك کرمل با نغمه الهیه و تعیین نقطه استقرارعـــرش اطهرحضرت رب اعلی با صبح اقتدارجمالقدم و سفارش در این خصوص بحضرت عبد البهاء جل ثنائه .

٥ـ مسموم کردن شیخ محمدعلی نبیل خودش را دراسلامبول لیله نهم رجب (بلوح مبارك ابن الذئب مراجعه شود) .

نوروز ٤٨ (شنبه دهم شعبان ۱۳۰۸هـ.ق
۲۱ مارس ۱۸۹۱م) ٤٨ب ـ ۱۲۷۰هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۳۰۹ـ۱۳۰۸هـ.ق
مطابق با ۹۲ـ۱۸۹۱ میلادی ٤٨
بدیع
سنة الحب من الواحد الثالث
(سال دهم از واحد سوّم)

۱ـ شهادت شهدای سبعه یزد در روز دهم شهر شوال المکرم ..... (رجوع شود بضمیمه دوازدهم)
۲ـ نزول لوح ابن الذئب از قلم جمالمبارك جل جلاله خطاب بشیخ نجفی شیخ محمدتقی ابن الذئب شیخ محمد باقر ذئب اصفهانی .
۳ـ عزیمت میرزاآقاهادی افنان شیرازی پدر حضرت ولی امرالله جل سلطانه از شیراز بساحت اقدس ۲٤ صفر.
٤ـ گرفتاری و حبس ابن ابهر ایادی امرالله در طهران که دو سال در حبس ماند .
٥ ـ حبس شدن میرزا محمد فروغی از مبلغین امرالله در قلعه کلات خراسان معروف بکلات نادری بجرم

بهائیت .

۶ــ محبوس شدن حاجی ملا علی اکبرشهمیرزادی ایادی و حاج ابوالحسن اردکانی امین حقوق در قزوین . پس از مدتی بطهران منتقل شدند .

۷ــ نزول لوح مبارك دنیا پس از حبس شدن ایادی وحاجی امین سابق الذکر .

نوروز ٤٩ (یکشنبه ٢٠ شعبان ١٣٠٩ هـ. ق
کبیسه ٢٠ مارس ١٨٩٢ م کبیسه) ٤٩ ب .
١٢٧١ هـ. ش .

وقایع مهمّهٔ امری سال ١٠ ــ ١٣٠٩ هـ. ق .
مطابق با ٩٣ ــ ١٨٩٢ م ٤٩ بدیع
سنة البهاج من الواحد الثالث
(سال یازدهم از واحد سوّم)

١ــ طبع و ترجمه انگلیسی مقاله سیاّح .
٢ــ عروض تب بجسم مبارك جمال قدم جل جلاله (دهم شوال مطابق ٨ می)
٣ــ صعود جمال قدم جل ذکره الاعظم ٢ ذیقعده مطابق ٢٩ می ١٨٩٢ .
٤ــ شهادت ملا محمدعلی ده آبادی در یزد روز ٢٨ صفر ١٨٩٣ .
٥ــ صعود جناب آقا محمد نبیل اکبر قاینی در بخارا در روز نهم ذیحجه ١٣٠٩ هـ. ق . (تولد ش در ٢٣ رمضان ١٢٤٤ هـ. ق بوده در قریهٔ نوفرست قاینات) .
٦ــ اعلان و انتشار کتاب عهدی یازدهم ذی القعده .

نوروز پنجاهم (سه شنبه ۲رمضان ۱۳۱۰هـ.ق
۲۱مارس ۱۸۹۳م) ۰ ه‌ٔ ۱۲۷۲ هـ ـ ش.

وقایع مهّمه امری سال ۱۱ـ ۱۳۱۰هـ ـ ق.
مطـــــابق با ۹٤ـ۱۸۹۳میلادی ۰ ه‌بیانی
ســـــنة الجواب من الواحد الثالث
(سال دوازدهم از واحد سوّم)

۱ـ شهادت آقا محمدرضا محمدآبادی در یزد مـــــاه ذیحجه .

۲ـ افتتاح گرین ایکر بوسیله میس ساواجی فارمر (گریـــن ایکر ملك میس سارا بود) .

۳ـ شهادت جناب آقا مرتضی سروستانی در شیـــــراز بفتوای علمای شیراز در دوره حکومت محمد تقی میـــــرزا رکن الدوله .

٤ـ غرق کردن نبیل زرندی خود را پس از صعود جمـال قدم جل جلاله و تاریخ غرق کلمه غریق است که ۱۳۱۰هـ. ق است .

۵ـ آغاز ارتفاع ذکرامرالله در غرب . نخستین مرتبـه‌ای که در آمریکا درباره امرالله مذاکره شد ۲۳سپتامبر /۱۸٦۳ بود .

نوروز ۱ ه (٤ شنبه ۱۳ رمضان ۱۳۱۱ هـ . ق .
کبیسه ۲۱ مارس ۱۸۹٤) ۱ ه ب ۱۲۷۳ هـ . ش .

وقایع مهمّه امری سال ۱۲ — ۱۳۱۱ هـ . ق .
مطـــــابق با ۹۵ — ۱۸۹٤ میلادی ۱ ه
بدیـــــــع . . . . .
سنة الاحد من الواحد الثالث
(سال سیزدهم از واحد سوّم)

۱ــ تأسیس اولین مرکز بهائی در غرب (آمریکا ــ مـــاه فوریه) .
۲ــ صعود حاج میرزا رضا قلی معروف به حکیم برادر جمال مبارك .

نوروز ۵۲ (۵شنبه ۲۳رمضان ۱۳۱۲هـ. ق
۲۱مارس ۱۸۹۵) ۵۲ب ـ ۱۲۷٤ هـ ـ ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۳ ـ ۱۳۱۲ هـ .ق
مطـــــابق با ۹٦ ـ ۱۸۹۵میلادی . .
سنةالوهاب من الواحد الثالث
(سال چهاردهم از واحد سوّم)

۱ـ ورود شاهزاده شیخ الرئیس قاجار ابوالحسن میـــرزا
که از موءمنین بامر مبارك بوده است بشیراز.
۲ـ آغاز اشتهار امر مبارك در کنوشـــه .

نوروز ۵۳ (جمعه ۵شوال ۱۳۱۳هـ.ق کبیسه
۲۰مارس ۱۸۹۶م کبیسه) ۵۳ب ـ ۱۲۷۵هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ۱۴ـ۱۳۱۳هـ.ق کبیسه
مطابق با ۹۷ـ۱۸۹۶ میلادی
سنة الوداد من الواحد الثالث
(سال پانزدهم از واحد سوّم)

۱ـ شهادت شهدای خمسه تربت حیدری (حاجی محمد صادق ـ آقاغلامعلی ـ آقامحمدعلی ـ آقامحمد حسن آقامیرزاغلامرضا) . (روزسیزدهم صفر) . (شروع واقعه در ماه ذی القعده ۱۳۱۳هـ.ق وخاتمه آن در صفر ۱۳۱۴هـ.ق بوده است) شرح واقعه در ذیل ۱۳۱۴هـ.ق .

۲ـ وفات مرحوم شاهزاده حسین قلی میرزای موزون ملایری دولت آبادی در ملایر.

۳ـ کشته شدن ناصرالدین شاه قاجاربدست میرزارضای کرمانی که از اتباع سیّد جمال الدین افغانی و همدستان آقاخان کرمانی و شیخ احمدروحی کرمانی پسر ملا جعفر کرمانی از اتباع ازل بود و آقاخان و روحی هردو داماد

یحیی ازل بودند .

٤ــ شهادت جناب میرزا علی محمد ورقا و پسرش روح اللـــه در طهران در زندان بدست حاجب الدوله حاجی جعفـــر قلیخان .

٥ــ ورود رمس مطهر باب بارض اقدس ۲۱ جانوری .

٦ــ (تولد حضرت ولی امرالله در بیت عبود در عکـــا) .

. . . . . بنابرقول مشهورو قول دیگرهم هست که در ایـــن دفتر بجای خود نوشته شده است .

نوروز ٥٤ (شنبه ١٦شوال ١٣١٤هـ.ق ٢١
مارس ١٨٩٧م) ٥٤ـ١٢٧٦ کبیسه هـ. ش

وقایع مهّمه امری سال ١٥ ـ ١٣١٤هـ. ق
مطابق با سال ١٨٩٨ـ١٨٩٧م مطابق
با سال ١٢٧٦هـ. شو مطابق با ٥٤ بدیع
سنة البدی من الواحد الثالث
(سال شانزدهم از واحد سوّم)

١ـ وفات ملا علی بجستانی ٢٨شعبان . (بضمیمه یازدهم مراجعه شود) .
تولد ملا علی بجستانی در سال ١٢٣٩هـ.ق بوده است .

٢ـ وفات ضیاءالله ناقض برادر ناقض اکبر میرزا محمد علی در سنّ سی وچهارسالگی . ضیاءالله شوهر ثریّا دخترجناب سمندر قزوینی بود و ثریا نیز بناقضین پیوست .

٣ ـ تولّد حضرت ولی امرالله شوقی ربانی در عکا روز ٦ مهر مطابق اوّل اکتبر .

٤ ـ تصدیق عده ای از نفوس در بلاد مهّمه آمریکا واز جمله تصدیق تورنتون چیس ملقب به ثابت که مستغنی

از توصیف است .

۵ ــ طبع و نشر کتاب باب الدین در باره امر مبارك .

۶ ــ مردن حاجی میرزا احمد کرمانی که از مخالفین امر مبارك بود در انبار دولتی . این شخص خود را رادع امر مبارك میدانست . در الواح مبارکه انذارات شدید نسبت باو نازل شده و از جمله آیهٔ کتاب اقدس یا ارض الکاف و الراء قسمتی از مضامینش در بارهٔ همین شخص است .

۷ ــ دنباله شهادت شهدای خمسه تربت خراسان . پس از قتل اجساد شریفه راسوزانیده خاکسترش را بباد دادند . ولهذا شهدا مدفن ندارند . حاجی صادق کرباس خانه خود یعقوب علی صباغ شهید کرد . محرر واقعه سید محمد باقر و شیخ علی اکبر و ملا یوسف علی از علمای محل بودند شهادت حاج صادق در دهم صفر ۱۳۱۴ هـ.ق و چهارنفر دیگر در روز ۱۳ صفر بود اوّل گرفتاری احباد رماه ذی القعده سال ۱۳۱۳ هـ. ق. بود .

نوروز ۵۵ (دوشنبه ۲۸ شوال ۱۳۱۵ هـ. ق .
۲۱ مارس ۱۸۹۸) ۵۵ — ۱۲۷۷ هـ ـ ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۶ — ۱۳۱۵ هـ.ق .
مطابق با ۹۹ — ۱۸۹۸ میلادی ۵۵ بیانی
سنة البهی من الواحد الثالث
(سال هفدهم از واحد سوّم)

۱ــ شهادت سید مهدی یزدی در تبریز آذربایجان .
۲ــ شهادت آقاغلامحسین بنادگی روز ۱۱ محرم در یزد .
(بضمیمه چهارده هم مراجعه شود) .
۳ــ نزول لوح هزار بیتی برای جلیل خوئی و وصولش بایران توسط مرحوم میرزا محمود زرقانی .
٤ــ تصدیق صدرالصدور آقاسید احمد همدانی صاحب استدلالیه جذوات خمس و لمعات شمس .
۵ــ تشرّف اولین دسته از احبای غرب بحضور مبارک در ارض اقدس (۱۸۹۸ ــ ورود بعکا . ۱ دسامبر) .
٦ــ شهادت حاجی محمد ترک در مشهد خراسان در ۱۷ رمضان در زمان صدارت امین الدوله و حکومت رکن الدوله ابتدا طلاب مدرسه هجوم کرده نفت بر سر او ریختند

و آتش زدند مشارالیه مقداری راه رادر حالیکه میسوخت دوان دوان طی کرد و خودرا بنهر خیابان انداخت طلاّب ثانیا او را گرفتند و بازجرو اذیت بپائین خیابان چهارشنبه بازار بردند و در آنجا بشهادت رسانیدند .

۷ــ تولّد ایادی فقید امرالله میسیس دوروتی بیکرد رسینارك (نیوجرسی آمریکا) . . . . شهرالمسائل ۵۵ــ۲۱ دسامبر ۱۸۹۸ــ۷شعبان ۱۳۱۶هـ.ق ــ ۳قوس ۱۲۷۷هـ.ش.

نوروز ٥٦ (سه شنبه ٩ ذیقعده ١٣١٦هـ.ق.
٢١ مارس ١٨٩٩م) ٥٦ ب — ١٢٧٨ هـ ش.

وقایع مهمّه امری سال ١٧—١٢١٦هـ. ق.
مطابق با سال ١٩٠٠—١٨٩٩م...
سنة الابهی من الواحد الثالث
(سال هیجدهم از واحد سوّم)

١— وفات شیخ سلمان بیك رحمن در شیراز.
٢— نقل عرش اطهر از طهران (حضرت اعلی) بارض اقدس حسب الامر مبارك حضرت عبد البهاء توسط میرزا اسد الله اصفهانی و ورود عرش مبارك بارض اقدس. روز ١٩ رمضان ١٣١٦ — ٣١ جانوری ١٨٩٩—١٤ شهر السلطان ٥٦ بدیع.
٣— پیشرفت امر مبارك در انگلستان.
٤— نصب اولیّن سنگ مقام اعلی بدست حضرت عبد البهاء (١٨٩٩).

نوروز ۵۷ (چهارشنبه ۱۹ ذی قعده ۱۳۱۷
هـ.ق ۲۱ مارس ۱۹۰۰) ۵۷ـ۱۲۷۹ هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ۱۸ـ ۱۳۱۷ هـ ـ ق
مطـــــابق باسال ۱۹۰۱ـ۱۹۰۰ م ۵۷

بیـــــانـــی

سنة الواحد من الواحد الثالث

(سال نوزدهم از واحد سوّم)

۱ـ تشکیل اولین مرکز اداری امری روحانی در شیکاگو بنام محفل شور روحانی .

۲ـ گرفتاری حاجی سید هاشم بدست اشرار در یزد . (به ضمیمه پانزدهم مراجعه شود) .

۳ـ تأسیس مدرسه تربیت بنین در طهران سال ۱۳۱۷ قمری .

٤ـ صعود جناب میرمحمد فارانی پدر جناب شاه خلیل الله ..... میر محمد همانستکه نامش در لوح مبارك صنیع الشریفه نازل شده که میفرمایند باحاجی میرزاهادی دولت آبادی که از پیروان ازل بوده ملاقات کرده او را بحق دعوت نموده و جواب شبهاتش را داده است .

نوروز ۵۸ (پنجشنبه ۲۹ ذی قعده ۱۳۱۸هـ.
ق ۲۱ مارس ۱۹۰۱م) ۵۸ــ۱۲۸۰هـ. ش.

وقایع مهمّه امری سال ۱۹ــ ۱۳۱۸هـ.ق.
مطـــــابق باسال ۱۹۰۲ــ۱۹۰۱م ۵۸
بدیـــــع .....
سنة الالف من الواحد الرابـــع
(سال اوّل از واحد چهارم)

۱ــ شهادت آقازمان و میرزاجعفر درابرقو.
۲ــ شهادت آقارضابدست حاجی اسمعیل درابرقو.
۳ــ واقعه اسفندآباد و مظلومیت احباء و شهادت شهداء
٤ــ توجّه ابوالفضائل بامریکا.
۵ــ قیام علمای سوء در یزدعلیه احباء و فتنه جوئی آنـان برای امر مبارك (ماه رمضان).
٦ــ شروع ببنای مقام اعلی در کوه کرمل که شاهزاده شیخ الرئیس قاجارآنراباجمله (حظیرةالقدس) مطابق نمـوده است.
قوله ره : ملهم الروح صاح فی روعی قال ارخ (حظیـرة القدس) ۱۳۱۸هـ. ق.

نوروز ۵۹ (شنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۱۹ هـ.ق
کبیسه ۲۲ مارس ۱۹۰۲م) ۵۹ـ ۱۲۸۱ هـ.ق

وقایع مهمّه امری سال ۲۰ـ ۱۳۱۹ هـ.ق.
کبیسه مطابق باسال ۱۹۰۳ـ۱۹۰۲م.
سنة الباء من الواحد الرابع
(سال دوّم از واحد چهارم)

۱ـ توجّه حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله افنان از یزد بعشق آباد بامر مبارک حضرت عبد البهاء برای ساختمان مشرق الاذکار.
۲ـ آغاز انتشار امر در (مونت رئال) بوسیله (مای بولس).

۳ـ تشکیل اولیّن لجنه نشر آثار امری در شیکاگو.
۴ـ صدور فرمان مجدد سلطان عبد المجید بحبس حضرت عبد البهاء در عکّا بدسیسه ناقضین و ابلاغ آن از طرف حکومت عکا بحضور مبارک ۲۰ آگست ۱۹۰۱ـ۵ جمادی الاولی ۱۳۱۹.
۵ـ هجوم اغیار در حصار خراسان باحباء و غارت و ضرب و

و اذیت یاران الهی و ذکراین داستان در لوح مبارک صادراز مرکز عهد الهی جل ثنائه نازل و مسطوراست.

۶ــ وفات میرزا آقاجان کاشی خادم الله ــ مشارالیه بعد از صعود جمال مبارک جزو ناقضین شد و با حضرت عبد البهاء مخالفت بسیار کرد و پس از پانزده روز در ۲۹ محرم اینسال مرد و در قبرستان ابی عتبه دفن شد ۱۳۱۹ هـ. ق.

۷ــ اخراج شدن و مسموم شدن بعضی از احبای اسفند آباد ابرقوبد ستور میرزا عبد الغنی مجتهد ابرقو.

۸ــ شهادت جناب آقا سیّد جعفر و آقا محمّد زمان صباغ در ابرقو (۱۸ ذیحجه).

نوروز شصتم (یکشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۰ هـ. ق
کبیسه ۲۲ مارس ۱۹۰۳) ۶۰ ب ـ ۱۲۸۲ هـ. ش

وقایع مهّمه امری سال ۲۱ ـ ۱۳۲۰ هـ. ق مطابق
با سال ٤ ـ ۱۹۰۳ م کبیسه .....
سنة الاب من الواحد الرابع
(سال سوّم از واحد چهارم)

۱ـ تقدیم رسم مبارك حضرت اعلی توسّط سیّد اسد الله قمی بحضور مبارك حضرت عبد البهاء جل ثنائه .
۲ـ وفات حاجی ابوالحسن شیرازی در جمادی الاوّل سال مزبور . مشارالیه پدر مرحوم میرزا محمّد باقر خان دهقان شیرازی است .
۳ـ اوّل اقدام ببنای مشرق الاذکار عشق آباد (۲۸ رجب) و گذاشتن اساس بنای مشرق الاذکار عشق آباد در ۱۰ ـ رمضان .
٤ـ وفات احمد یزدی صاحب لوح احمد عربی در طهران
٥ـ صدور اقراریه مفصل بدیع الله برادر ناقض اکبر درباره اقدامات و مقاصد سوء ناقضین .... (به ص ۲۳۹ جلد اوّل رحیق مختوم مراجعه شود) .

۶ــ شهادت آقا محمّد علی اسفندیاری و مضروب شدن آقا حسن اسفندیاری در صفر ۱۳۲۰ هـ.ق.

۷ــ درخواست احبای شیکاغو از حضرت عبد البهاء که اجازه فرمایند زمین مشرق الاذکار شیکاغو خریداری شود. فروردین ۱۲۸۲ هـ.ش مارس ۱۹۰۳ م.

۸ــ صدور اجازه خرید زمین مشرق الاذکار باحبای امریکا از طرف مرکز میثاق (۷ جون ۱۹۰۳).

۹ــ شهادت استاد علی اکبر بنای یزدی که لوح تجلیات باعزاز او نازل شده و خط نزولی لوح مزبور در نزد پسرش موجود است.

۱۰ــ گرفتاری و حبس آقا شیخ محمّد علی قاینی در اصفهان.

۱۱ــ ضوضای یزد و شهادت عده ای از احباء که شرح حالشان در تاریخ شهدای یزد تالیف جناب مالمیری مسطور است.

۱۲ــ شهادت خدیجه سلطان در منشاد (دهم ربیع الثانی) (به ضمیمه شانزدهم مراجعه شود)

۱۳ــ شهادت میرزا اسمعیل سراج الشهداء در ملایر (دولت آباد).

۱۴ــ واقعه ملایر و گرفتاری احباء و شهادت شهداء و حبیب الله میرزا.

۱۵ ــ تعمیر بیت مبارك شیراز دفعه دوم بر روی اســـاس قدیم به امر مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائه .

۱۶ ــ صعود میرزا آقای افنان ملقب بنور الدین .

۱۷ ــ واقعهٔ قنسول خانه اصفهان و گرفتاری احباء .

۱۸ ــ شهادت فاطمه بیگم (به ضمیمه هفدهم مراجعـــه شود)

۱۹ ــ شهادت صدر اردکانی

۲۰ ــ انتشار درام و نمایشنامه باب بوسیله ایزابـــــلا گروسکی در روسیه (لنین گراد)

۲۱ ــ اطلاع یافتن کنت تولستوی نویسنده مشهور روسیه از امر مبارك بواسطه مطالعه درام باب در سن ۷۵ سالگی

نوروز شصت ویکم (دوشنبه سوّم محرم ۱۳۲۲ هـ.
ق ۲۱ مارس ۱۹۰۴ اکیسه) ۶۱ — ۱۲۸۳ هـ.ش

وقایع مهّمه امری سال ۱۳۲۲ هـ.ق مطابق
با سال با سال ۱۹۰۵—۱۹۰۴م
سنة الدّال من الواحد الرابع
(سال چهارم از واحد چهارم)

۱ــ مراجعت ابوالفضائل از غرب .
۲ــ کتك خوردن و مجروح شدن ملا حیدرعلی قدیم آبادی قزوینی بفتوای حاجی سیّد جمال مجتهد قزوینی .
۳ــ وفات خواهر ازل حاجیه خانم بزرگ مسماة بمنّیه در ۱۶ ربیع الاوّل اینسال بود . حضرت عبدالبهاء لوحی بعنوان او شامل نصایح و مواعظ ارسال فرمودند . مشارالیها علی المشهور کتابی بنام تنبیه النائمین در جواب آن لوح نوشته است . امّا چنانکه ظاهر است دیگران این کتاب را بنام او تألیف کردند . لوحیکه بعنوان او صادر شد در بین احباء معروف به لوح عمّه است .
۴ــ وفات صمدیه دختر جمالقدم که زن مجدالدین بود .
۵ــ شهادت جنابان امرالله و علی و جعفر اسفندیاری در

بیابانهای اطراف ولی آباد که اعداء آنها را زنده سوزانیدند (در مهرماه اینسال) .

۶ــ مخالفت علمای قوچان با جناب شیخ علی اکبر قوچانی شهید و درخواست نفی و تبعید او از قوچان (محمّد ناصرخان شجاع الدوله) .

۷ــ وفات فاطمه مهدعلیاء مادر ناقضین در حیفا که گمنام و بدبخت مرد .

نوروز ٦۲ (سه شنبه ۱٤ محرم۱۳۲۳ هـ ق
کبیسه۲۱ مارس ۱۹۰۵ ف ٦۲ ب و۱۲۸٤ هـ ش

وقایع مهمه امری سال ۱۳۲۳ هـ ق مطابق
۱۹۰٦ — ۱۹۰۵ میلادی
سنه الباب من الواحـــد الرابـــع
(سال پنجم از واحد چهارم)

۱ ــ ورود مستر دریفوس و میس بارنی به ایران
۲ ــ تأسیس کلاسهای درس اخلاق در طهران
۳ ــ شهادت آقا رضای اسفندیاری در پائیز این ســال در ابرقو .

نوروز ۶۳ (پنجشنبه ۲۶ محرم ۱۳۲۴ هـ.ق / ۲۲
مارس ۱۹۰۶ م) ۶۳ — ۱۲۸۵ هـ — ش .

وقایع مهمّه امری سال ۲۵ — ۱۳۲۴ هـ.ق مطابق
با ۱۹۰۷—۱۹۰۶ . . .
سنة الواومن الواحد الرابع
(سال ششم از واحد چهارم)

۱— اخراج شیخ جعفر سبزواری از یزد توسط حکومت .
شیخ جعفر فتوای قتل بسیاری از احبای الهی را داد و در
ضوضای سال ۱۳۲۱ هـ.ق در یزد نیز دخالت تامه داشت
و چند سال قبل مرد .
۲— ورود دسته هیأت تفتیشیه از طرف عبد الحمید به
ریاست عارف بیگ بحیفا و خوابی که حضرت عبد البهاء مشاهدهٔ
فرمودند .

نوروز ٦٤ (جمعه ۷ صفر ۱۳۲۵ هـ.ق ۲۱ مارس ۱۹۰۷ م) ٦٤ـ۱۲۸٦ هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ۲٦ـ۱۳۲۵ کبیسه
مطابق با سال ۸ـ۱۹۰۷ م ـ ٦٤ بدیع
سنة الابد من الواحد الرابع
(سال هفتم از واحد چهارم)

۱ـ استخلاص حضرت عبد البهاء جل ثنائه از حبس (سپتامبر) .
۲ـ صعود حاجی سیّد احمد صدر الصدور همدانی در طهران و نزول زیارتنامه برای او. مشارالیه موسس درس تبلیغ در ایران است .
۳ـ نزول جواب سئوالات میس بارنی و نشر آن باسم مفاوضات .
٤ـ شهادت میرزا یوسف قاینی در مشهد خراسان .
٥ـ ابتیاع دو قطعه زمین برای مشرق الاذکار آمریکا در اوّل بهار (آپریل) .
٦ـ اجتماع احبای آمریکا برای انتخاب محل مشرق الاذکار شیکاغو ۲٦ نوامبر ۱۹۰۷ شوال ۱۳۲۵ هـ.ق . شهر القول ٦٤ ب ...

نوروز ٦٥ (شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲٦ هـ.ق کبیسه
۲۱ مارس ۱۹۰۸ کبیسه) ٦٥ — ۱۲۸۷ هـ ـ ش

وقایع مهمّه امری سال ۲۷ — ۱۳۲٦ هـ. ق .
مطابق با ۱۹۰۹ — ۱۹۰۸ میلادی — ٦٥
بدیع . . .
سنة الجاد من الواحد الرابع
(سال هشتم از واحد چهارم)

۱ــ شهادت حاجی کلب علی نجف آبادی در اصفهان .
۲ــ وصول عرایض احبای آمریکا بحضور مبارک حضرت عبد البهاء جل ثنائه مبنی بر درخواست سفر هیکل مبارک بامریکا .
۳ــ خلع عبد الحمید از خلافت عثمانی .
٤ــ وفات شیخ محمّد تقی اصفهانی ملقّب بابن الذئب در اصفهان (کتاب احسن الودیعه) قبرش در چارسوق مقصود اصفهان امروز معروفست .
٥ــ تشرّف مسترو میسیس ماکسول در عکّا بحضور حضرت

MR.&MRS. MAXWELL

عبد البهاء در همین سفربود که میسیس ماکسول MAXWELL

چون فرزندی نداشت قلبا از ساحت اقدس تقاضـــــای عنایت فرزندی نمود و این مسئول او باجابـت مقرون شد .

٦ــ واقعه شهادت شا نزده نفر در تبریز و متواری شـــدن جمعی ازاحباب . (بعضی این واقعه را در ۱۳۲۷ — گفته اند .)

۷ــ تشکیل اولین انجمن شور روحانی آمریکا (آپریل)

نوروز ٦٦ (یکشنبه ۲۸صفر۱۳۲۷هـ.ق ۲۱
مـــــــــارس ۱۹۰۹م) ٦٦ـ۱۲۸۸هـ.
ش

وقایع مهمّه امری سال ۲۸ـ ۱۳۲۷هـ.ق .
مطابق بـــــــا ۱۰ـ۱۹۰۹م ٦٦بدیع. .
ســـــنة البهاء من الواحد الرابع
(سال نهم ازواحد چهـــارم)

۱ـ شهادت حاج حیدرنجف آبادی پدر زن کلب علـی شهید در اصفهان .
۲ـ تاسیس مدرسه وحدت بشر در کاشان .
۳ـ واقعه فتنه شیخ زکریاو واقعه نیریز و گرفتاری و قتـل و غارت احبای نیریز.
٤ـ استقرارعرش اطهر حضرت رب اعلی در کوه کرمل روز ۲۸ماه صفر مطابق با نوروز ۱۹۰۹ در روز انعقاد انجمن شور روحانی احبای امریکا .
٥ـ قرار قطعی برای ارتفاع مشرق الاذکار امریکاباحضور نمایندگان در شیکاغو و تشکیل هیـاٴت سا ختمان .
٦ـ تاسیس مدرسه تاٴئید و موهبت بنین و بنات متوسطه

در همدان باقدام بهائیان آن شهر .

۷ــ انعقاد اولین انجمن شور روحانی بهائی در آمریکاء (کانونشن سالیانه ــ ۲۱ مارس)

۸ــ مسافرت حضرت عبد البهاء جل ثنائه بمصر و اروپا و خلاصی هیکل مبارك از سجن (سپتامبر ۱۹۱۰) .

۹ــ صعود میرزا محمد تقی ابن ابهر ایادی امرالله پسر عبد الرحیم ابهری در طهران . تولدش در سال ۱۲۵۷هـ ق بوده است .

۱۰ــ صعود جناب سیّد محمود نیّر ازمبلغین و شعرای امر اعظم در طهران .

۱۱ــ تولد روحیه خانم فرزند مسترو میسیس ماکسول

MR. & MRS. MAXWELL

در کانادا بدعای حضرت عبد البهاء اسم اصلی این فرزند ارجمند (ماری) بود وباشاره حضرت عبد البهاء بروحیه موسوم گردید .

۱۲ــ ضوضاء حصار و نامق خراسان و شهادت هشت نفر از دوستان (زن و مرد) .

۱۳ــ شهادت آقاعلی محمد اسفندیاری آبادی در ابرقو بدست یکی از اشرارمسلمین در شب اول قوس .

۱٤ــ سقوط سلطان عبد الحمید از سریر خلافت مملکت عثمانی . (۱۹۰۹)

نوروز ٦٧سه شنبه دهم ربیع الاّول ١٣٢٨هـ.
ق‌کبیسه ٢٢مارس ١٩١٠م /٦٧ب/١٢٨٩هـ.ش

وقایع مهمّه امری سال ٢٩ـ١٣٢٨هـ.ق‌مطابق
بـــــا ١١ـ١٩١٠م..

سنةالحب من الواحد الرابع
(سال دهم ازواحد چهارم)

١ـ گرفتاری فاضل مازندرانی و آقاسید عبد الحسیـــــن اردستانی در کربلا بتفتین ازلیان که شرح اقدامات آنـــان علیه امرالله در الواح مبارك مندرجست.
٢ـ توجه مرکز میثاق از عکابه پورت سعید.
٣ـ ورود مبارك بمصر سپتامبر ١٩١٠
٤ـ ورود حضرت عبد البهاء بلندن (٤سپتامبر ١٩١١)
٥ـ تاٴسیس مجله نجم باختر بانگلیسی و فارسی در شیکاغو
٦ـ انقراض سلطنت پرتقال (تحقق وعده مبارك در بـــاره‌ء انقراض سلطنت سلاطین در لوح ملوك).

نوروز ٦٨ (٤ شنبه ٢٠ ربیع الاوّل ١٣٢٩ هـ.ق
٢٢ مـــارس ١٩١١) — ٦٨ بدیـع
١٢٩٠ هـ . ش .
وقایع مهمّه امری سال ٣٠ — ١٣٢٩ هـ.— ق
مطـــابق با سال ١٢—١٩١١ م—٦٨ بدیع .
ســـنة البهاج من الواحد الرابع
(سال یازدهم از واحد چهارم)

١— شهادت حبیب الله میرزا حکّاك در ملایر .
٢— شهادت آقا جواد بروجردی در ملایر .
٣— ورود میس کاپیس Miss Kappis بطهران برای سرپرستی مدرسه تربیت بنات .
٤— تشکیل محفل شور روحانی طهران در ٢٣ رمضـــان ١٣٢٩ هـ.ق (به ضمیمه هجدهم مراجعه شود)
٥— صعود حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله افنان موسّس مشرق الاذکار عشق آباد در حیفا روز پنجم رمضان .
٦— ورود مبارك بامریکا (١١ آوریل ١٩١٢ — ربیع الثـــانی ١٣٣٠ هـ.ق .
٧— صعود مستر تورن تون چیس اوّل بهائی و اولیـــّن

مؤمن خطه امریکا . (۳۰ سپتامبر ۱۹۱۲) تولد مشارالیه ۲۳ فوریه ۱۸۴۷ بوده است .

نوروز ٦٩ (٥شنبه اوّل ربیع الثانی ١٣٣٠هـ.ق
٢١مارس ١٩١٢م کبیسه) — ١٢٩١ هـ.ش
٦٩بدیـــــع .

وقایع مهّمه امری سال ٣١ــ١٣٣٠هـ.ق مطابق
با ١٣ ــ ١٩١٢ میلادی ٦٩بدیـــــع ...
ســـــنة الجواب من الواحد الرابع
(سال دوازدهم از واحد چهارم)

١ــ شهادت آقا میرزا محمد علی و میرزا محمود و آقا محمـــد اسمعیل درساری (١٣محرم) .
شرح واقعه از این قرار است :
در یوم ١٣محرم سال ١٣٣٠در شهر ساری مازندران اشرار از دیوار خانه میرزا محمد علی مشیر التجار بالا رفتـــه خانه را غارت و او را از بستر خواب برهنه کشان کشان بیرون برده و در بیرون شهر تیرباران و نعش او را در گوشه ای ــ افکندند و نیز در همین شب میرزا محمود ساعت ساز را خفه کردند و آقا محمد اسماعیل امین را هم میکشند و در بارفروش نیز میرزا محمد علی معین التجار و زوجه اش را شهیـــــد کردند .... (نجم باختر ...جلد ٢نمره ١ــ٢١مارچ

(١٩١٢

٢ــ وفات ملّا علی روضه خوان سلماسی از موٴمنین اولّیه.

٣ــ شلاق خوردن آقاشهریارازاحبای پارسی در یـــــزد بفتوای علماو صعود ش .(به تحیمه نوزدهم مراجعه شود)

٤ــ عزیمت هیکل مبارك از رمله اسکندریه به طرف امریکـــا صبح دوشنبه ششم ربیع الثانی ١٣٣٠ــ٢٥مارچ ١٩١٢

٥ــ ورود هیکل مبارك به نیویورك صبح ٢٢ربیع الثانـــی دهم آپریل .

٦ــ ورود هیکل مبارك بواشنگتن ٣جمادی الاولی ٢٠آپریل

٧ــ ورود هیکل مبارك بشیکاغو ١٢جمادی الاولی ٣٠ ــ آپریلو نیز اوّل شوال مطابق ١٣سپتامبر.

٨ــ نصب حجر زاویه مشرق الاذکارویلمت در شیکاغـــــو بدست حضرت عبد البهاء جمادی الثانی ١٣٣٠هـ.ق . آپریل ١٩١٢.

٩ــ عزیمت از نیویورك به بستن / ٥ جمادی الثانی ــ ٢٢ می .

١٠ــ تشریف فرمائی هیکل مبارك بگرین ایگر (عکای سبز) Green Acre ٣ رمضان ١٦آگست .

١١ــ توجّه هیکل مبارك از شیکاغو بکنوشه (٤شـــوال ١٥سپتامبر) .

١٢ــ عزیمت بسانفرانسیسکو و ورود بان (شوال اکتبر) .

١٣ــ عزیمت هیکل مبارك از امریکا بسمت انگلستان (٢٦ ذیحجه ١٣٣٠ــ ٥ دسامبر ١٩١٢) .

١٤ــ وفات یحیی ازل درماغوسای قبرس در هشتاد و سالگی .

١٥ــ تشکیل و انتخاب اولین محفل روحانی بهائیان مصر (قاهـــــره) .

نوروز هفتاد م جمعه ١٢ ربیع الثانی ١٣٣١ هـ.
ق ٢١ مارس ١٩١٣ — ١٢٩٢ هـ. ش. کبیسه ٧٠
ب

وقایع مهمّه امری سال ٣٢ — ١٣٣١ هـ. — ق
مطابـــــق باســـــنال ١٤ — ١٩١٣ م.
سنة الاحد من الواحد الرابـــع
(سال سیزدهم از واحد چهارم)

١ــ صدور خطابه های مهیج از فم مبارك مرکز عهد الهی در باره مشرق الاذکار در آمریکا.
٢ــ تشریف فرمائی حضرت عبد البهاء بگرین لیگـــــــر (١٦ آگست).
٣ــ ورود هیکل مبارك از آمریکا بانگلستان (٤ محـــــرم ١٣٣١ ــ دسامبر ١٩١٢).
٤ــ ورود از لندن بپاریس روز ١٣ صفر ٢١ ژانویه ١٩١٣.
٥ــ ورود از فرانسه بالمان ٢٢ ربیع الثانی ٣٠ مارچ ١٩١٣.
٦ــ تشرّف فیلسوف معروف وامبری
جمادی الاولی ١٢ آپریل.
٧ــ عزیمت از بوداپست بوین ١٠ جمادی الاولی ١٨ آپریـــل

۸ــ ورود از پاریس به پورتسعید ۲ ارجب ۱۳۳۱ . . . . .
۱۷ جون ۱۹۱۳ .

۹ــ شهادت آقا ابوالقاسم ابن ابوطالب اسفندآبادی بوسیلهٔ دو نفر از اغیار در قوزکوه بوانات .

۱۰ــ وفات ملا علی معلّم که الواح بسیار از جمالقدم در بارهٔ او موجود است و در مائده آسمانی جلد هشتم قسمتی از آن مندرجست . مشارالیه در موسیقی مهارتی داشته و در لوحی مرکز میثاق باین معنی اشاره فرموده‌اند صعودش در پانزدهم ذیحجه این سال بوده است . در قزوین .

نوروز ۷۱(یکشنبه ٤ ۲٤ع۲- ۱۳۳۲ -۲۱
مارس ۱۹۱٤) ۷۱ب / ۱۲۹۳هـ . ش

وقایع مهمه امری سال ۳۲ - ۱۳۳۲ هـ. ق .
(بمبیسه) مطابق بـــا ۱۵ - ۱۹۱٤ م .
سنة الوهاب من الواحد الرابع
(سال چهاردهم از واحد چهارم)

۱ - صعود جناب ابوالفضائل در مصر (۲٤ صفر / ۲۱ ژانویه . (به ضمیمه بیستم مراجعه شود)
۲ - شهادت جناب شیخ علی اکبر قوچانی در مشهد روز ۲۸ ربیع الثانی در بازار کفش دوزها در ایام نوروز.
۳ - تألیف کتاب بدایع الاثار توسط مرحوم میرزا محمود زرقانی ۱۳۳۲ مطابق اواخر ۱۹۱۳ .
٤ - ورود هیکل مبارك از مصر به ارض اقدس پس ازمراجعت از اروپا وآمریکا . هفتم محرم ۱۳۳۲ - ۵ دسامبر ۱۹۱۳ .
۵ - نزول لوح مبارك معروف به لوح سبکتکین از قلم مرکز پیمان جل ثنائه / ۲۳ جولای ۱۹۱٤.

نوروز ۷۲ (دوشنبه ۵ ج ۱ — ۱۳۳۳ هـ . ق
۲۲ مارس ۱۹۱۵ م) ۷۲ — ۱۲۹۴ هـ — ش .

وقایع مهمّه امری سال ۳۴ — ۱۳۳۳ هـ . ق .
مطـــــابق با ســـــال ۱۶ — ۱۹۱۵ م .

سنة الوهاج من الواحد الرابع
(سال پانزدهم از واحد چهارم)

۱ــ وفات فرانسوا ژوزف Francis Joseph
امپراطور نمسه .

۲ــ شهادت شهدای نمسه عراق (اراك) اسامی آنها از این قرار است : ملا ابراهیم ــ ملا محمد علی ــ کربلائی رحمت الله ــ محمد علی نوشاد و سیده خانم بابی . در سلطان آباد این نفوس را دستگیر کردند . چهار تـــای آنها را بفتوای سید باقر مجتهد شهید کردند . و مـــلا ابراهیم را خود مجتهد شخصا بشهادت رساند و سیـــده خانم را بطهران فرستادند . و در زندان خفه کردند .

۳ــ وفات عدو لدود امرالله میرزا مهدیخان زعیم الدولـه تبریزی ملقب بسلطان الحکماء که در رد امرالله کتاب مفتاح باب الابواب را نوشته است و در سال ۱۳۱۰ هـ . ق آنـــرا

طبع و نشر نمود . الواح متعدده از حضرت عبدالبهاء در باره‌ء عداوتها و اقدامات او نازل شده که در جلد نهم مائده‌ء آسمانی و در جلد اوّل محاضرات نوشته ام .

نوروز ۷۳ (سه شنبه ۱۶ ج ۱ ــ ۱۳۳٤هـ
ق/۲۱مارس ۱۹۱٦ م) ۷۳ ــ ۱۲۹۵ هـ. ش

وقایع مهمّه امری سال ۳۵ ــ ۱۳۳٤ هـ. ق .
(کبیسه) مطـــابق با ۱۹۱٦م (کبیسه) . .
سنة البهاء من الواحد الرابع
(ســـال شانزدهم ازواحد چهارم)

۱ــ شهادت میرزا علی اکبر در عراق سلطان آباد و زوجه و اطفالش در لیله ۱۷ربیع الثانی سال مزبور شرح شهادتش در روزنامه همان ایّام بنام اطلاعات نشرمیشده موجـــود و عکس شهداء هم ضمیمه است شهدای مزبور از این قرار است :

(۱) میرزاعلی اکبر معروف به برار. (۲)زوجه اش (۳)خواهر زوجه اش که ۱۲سا له بوده . (٤ــ۵ــ٦ــ۷) اطفالش که پسر بوده اند پسر بزرگتر ۱۱سا له و کوچکتر شیر خـــوارش و ٤٦ روزه بوده است . همه را اعدای امرالله شبانه درمنزل سر بریدند و اموال و جواهراتشا ن را بغارت بردند .

۲ــ وفات جناب میرزا محمد نعیم سه دهی اصفهانـــی شاعر معروف بهائی در طهران ۱۳۳٤هـ. ق / ۹ جمادی

الاولى ١٤مارچ ١٩١٦م شهرالملاء ٧٣ بديع .

٣ــ انقراض سلطنت چين (تحقق وعده مبارك در بـــاره‌ء ذلّت سلاطين) .

نوروز ٧٤ (چهارشنبه ٢٧ ج ١ ١٣٣٥هـ.ق
٢١ مارس ١٩١٧م) ٧٤ — ١٢٩٦ هـ — ش

وقایع امری سال ٣٦ — ١٣٣٥ هـ . — ق —
(کبیسه) مطابق با ١٨ — ١٩١٧ م ٧٥ بدیع
ســـــنة البهی من الواحد الرابع
(سال هفدهم از واحد چهارم)

١ــ شهادت ملا نصرالله شهمیرزادی .
٢ــ صعود جناب آخوند ملا عبدالغنی اردکانی شـــب ٢٤
رمضان چهاردهم جولای (بنحیمه بیستم ویکم مراجعه شود)
٣ــ صعود جناب عندلیب در شیراز .
٤ــ انقراض سلطنت روسیه (تحقق وعده الهی) .

نوروز ٧٥ (جمعه ٩ ج ٢ــ ١٣٣٦ هـ. ق .
٢٢ مارس ١٩١٨ م) ٧٥ــ ١٣٩٧ هـ. ش .

وقایع مهمّه امری سال ٣٧ــ ١٣٣٦ هـ. ق .
مطـــــابق با ١٩ ــ ١٩١٨م/٧٥ بدیـــع
سنةالابهی من الواحد الرابع
(سال هیجدهم از واحد چهارم)

١ــ صعود حاجی میرزا محمود پسر وکیل الحق (٦ ربیع الاوّل ــ ٦ برج جدی) .
٢ــ وفات سمندر شیخ کاظم قزوینی صاحب لوح (ک . ظ)
٣ــ شهادت مستر خدابخش در سن ٥٠ سالگی (فضــلا حضرت عبد البهاء او را شهید نامیده اند . مشارالیــه مؤمن نبود ولی محبت داشته است) .
٤ــ صعود برادر میرزا یعقوب متحــده شهید یعنــی جناب خواجه ربیع مؤسس مدرسه وحدت بشر در کاشان . (١٣ رمضان) تولدش سال ١٢٩٣ بوده است .
٥ــ صعود جناب سید اسمعیل سینا ازمبلغین و شعــرای امر اعظم در طهران .
٦ــ ارتفاع حنین برلین (انقراض سلطنت آلمان) . . . تحقق

انذار الهی) .

٧ــ وفات سلطان عبد الحمید خلیفه عثمانی در حبس .

٨ــ وفات اعدی عدو امرالله و خونخوار معروف مسعود میرزای ظل السلطان قاتل نورین نیرّین و سایر شهدای اصفهان در ماه رمضان اینسال .

٩ــ صدور الواح مبارکه حضرت عبد البهاء خطاب باحبای آمریکا برای اوّلین بار .

١٠ــ انقراض سلطنت اطریش (تحقق انذار الهی) .

نوروز ۷۶ (شنبه ۹ ج ۲ — ۱۳۳۷ هـ. ق — ۲۲
مارس ۱۹۱۹ م) ۷۶ ب — ۱۲۹۸ — هـ — ش .

وقایع مهمّه امری سال ۳۸ — ۱۳۳۷ هـ. ق —
کبیسه مطـــــابق با ۲۱ — ۱۹۱۹ م ۷۶ بدیـــع
سنة الواحد من الواحد الرابع
(سال نوزدهم از واحد چهارم)

۱ــ شهادت میرزا حبیب الله نائینی در محمدیه نائین .
۲ــ شهادت آقا فضل الله معاون التجار نراقی در سینقان
۳ــ صعود میرزا مهدی اخوان الصّفا در اصفهان (قبرش در اصفهانست) در جوار رمس نورین نیرین و میســـــس رانسوم کهلر .)
٤ــ شهادت آقا علی اکبر شاطر زین العابدین در ده بالای یزد .
٥ــ نزول لوح نقشه الهی که در مکاتیب سوّم بطبع رسیده .
٦ــ خلع عبد الحمید دوّم امپراطور عثمانی (تحقق انذار الهی) .

نوروز ۷۷ (یکشنبه ۲۶ ج ۲ — ۱۳۳۸ هـ.ق .
۲۱ مـــــارس ۱۹۲۰م) ۷۷—۱۲۹۸ هـ.ش

وقایع مهّمه امری سال ۳۹— ۱۳۳۸هـ. ق .
مطـــــابق با ۲۱ — ۱۹۲۰ کبیسه م. . .
سنةالالف من الواحد الخامس
(سال اول از واحد پنجم)

۱ــ شهادت اسفندیار مشهور به حاجی عرب در سلطـان آباد اراك در ماه شعبان .
۲ــ شهادت ابتهاج الملك در جنگل گیلان بدســـت پیروان میرزا کوچك خان جنگلی .
۳ــ صعود میس کاپیس Miss. Cappes مدیـــره مدرسه تربیت بنات .
٤ــ مسافرت میس مارتاروت بامریکای جنوبی .
Miss. Martha Root
٥ــ وفات میرزا علی اکبر رفسنجانی در کرمان .
٦ــ صعود جناب حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانـــی در ارض اقدس حیفا . مشارالیه مستغنی از هر گونه توصیـف است .

۷ــ جشن احبای آمریك برای وصول الواح مبارك حضـــرت عبد البهاء جل ثنائه بایشان . (آوریل ۱۹۱۹) .

۸ــ صعود ولکوف Volkof مهندس مشرق الاذکار عشق آباد و نزول عنایت مبارك در لوح احبانسبت باو ونزول مناجات مغفرت از قلم حضرت عبد البهاء جل ثنائه برای او .

۹ــ تصدیق دکتر فورال بامر مبارك توسط دکتر آرتوربراونس Dr. August Forel

۱۰ــ اولیّن کانونشن بهائیان هند و برما در بمبئی بـــرای تشکیل محفل ملی که در ۲۰ جانوری ۱۹۳۳ در لاهـــور به ثبت رسید .

۱۱ــ شهادت میرزا یعقوب متحده در کرمانشاه در نهـــم ربیع الثانی ۱۳۳۹ ــ ۲۱ نوامبر ۱۹۲۰ .

۱۲ــ شهادت حاجی محمد علی تاجر در نائین .

۱۳ــ صعود میس لیلیان فرانسیس گیپس مدیرهٔ مدرســـهٔ Miss. Lillian Gepes تربیت طهران ۹ شهرالقول بسن ۳۰ سالگی در طهران .

۱۴ــ شروع بسا ختمان مشرق الاذکار ویلمت . دسا مبـــر ۱۹۲۰ .

۱۵ــ مسافرت اوّل جناب فاضل مازندرانی بامریکا .

۱۶ــ ارسال لوح جمعیت لاهه بمرکز جمعیت هلند .

۱۷ــ انتخاب نقشه برژواکه برای مشرق الاذکار آمریکـــا کشیده بود .

۱۸ــ شهادت جناب آقامحمد جواد اعتماد التجـــــار یزدی در بندر جز ۱۳۳۸ هـ. ق ــ ۱۲۹۷هـ. ش آرشیو لجنه اماکن متبرکه . یادداشت جناب محمدعلی ملك خسروی

۱۹ــ صعود جناب ناظم الاطبا لاهیجانی .

نوروز ٧٨ (دوشنبه ١١رجب ١٣٣٩هـ ـ ق
٢١ مـــــــارس ١٩٢١) ٧٨ـ ب ١٣٠٠

وقایع مهمّه امری سال ٤٠ ـ ١٣٣٩ هـ ـق
مطابق باسال ١٣٠٠هـ ـش و ٢٢ـ١٩٢١م
سنةالسماء من الواحـــد الخامـــس
(سال دوم از واحد پنجـــــم)

١ـ صعود حضرت عبد البهاء بملکوت ابهی روز ششم قـوس ١٣٤٠هـ ـق . ٢٨ نوامبر ١٩٢١ـ ١٣٠٠هـ ـ ش .
٢ـ آغاز طلوع امر مبارك از ژاپون بمملکت کره .
٣ـ انتشار الواح وصایای حضرت عبد البهاء و اعـــلان ولایت حضرت ولی امرالله . جمادی الاولی ١٣٤٠هـ ـ ق ژانویه ١٩٢٢ م . دیماه ١٣٠٠هـ ـ ش .
٤ـ مسافرت موقتی حضرت ولی امرالله بشرحی که در لـوح مبارك مسطور است .
٥ـ صدور دستخطهای حضرت ورقه علیا بـــعـــد از مسافرت حضرت ولی امرالله .
٦ـ تاسیس اولین محفل روحانی کراچی .
٧ـ غرق کردن میرزاابوالحسن افنان (عموی آقا میـــرزا

هادی افنان و پدر زن موقرالدوله) خود را در ارض اقدس
بر اثر استماع قرب صعود حضرت عبدالبهاء . شنبه ٢٧ برج
عقرب ١٣٠٠ برابر با ٢٨ ربیع الاوّل ١٣٤٠ هـ ـ ق .

نوروز ٧٩ (چهارشنبه ٢٢رجب ١٣٤٠ — ٢٢
مـــــارس ١٩٢٢) ٧٩ـ ١٣٠١ هـ ـ ش

وقايع مهمه امری سال ٤١ـ ١٣٤٠هـ ـ ق
٢٣ — ١٩٢٢ م
سنةالاب من الواحـــد الخامـــس
(سال سوم از واحـــد پنجـــم)

١ـ تشكيـل محفل ملی جزاير بريتانيا و تشكيل محفل ملی آلمان و تشكيل محفل ملی هندوستان .
٢ـ ماٴموريت و مسافرت ثانی فاضل مازندرانی بـــرای تبليغ بامريكا .
٣ـ صدور دستور مبارك حضرت ولی امرالله در انتخـاب سالیانه محافل روحانی در ايّام رضوان و لزوم اشتـــراك رجال و نسوان از سن ٢١ سالگی ببالا و اجرای دستـور مبارك در سال بعد يعنی اردی بهشت ماه ١٣٠٢ .
٤ـ انتشار اولين شماره اخبار امری در طهران . شهـر العلم ٦ ٧اولّ عقرب (آبان) ١٣٠١هـ ـ ش سوم ربيـــع الاوّل ١٣٤١ هـ ـ ق ٢٤اكتبر ١٩٢٢ م .
٥ـ مراجعت حضرت ولی امرالله از هجرت بعد از ولايـت

امر . نوامبر ١٩٢٢ م . ربيع الاوّل ١٣٤١هـ ــ ق شهر القدره ٧٦ عقرب (آبان) ١٣٠١ هـ ــ ش .

٦ــ انقـــراض سلطنت عثمانی . (١٩٢٢)

نوروز سال هشتاد م (پنجشنبه ٤ شعبان
١٣٤١هـ.ق ـ ٢١ مارس ١٩٢٣) ٨٠ ب ـ
١٣٠٢ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٤٢ ـ ١٣٤١هـ ـ ق
مطـــابق ٢٤ ـ ١٩٢٣م ـ ٨٠ بدیع
سنة الدال من الواحد الخامس
(سال چهارم از واحد پنجم)

١ـ صعود جناب شیخ محمد علی قاینی برادر زاده نبیـل اکبر قاینی در عشق آباد تولد ش در نوفرسـت قاین سـال ١٢٨٤هـ ـ ق ـ ١٢٤٦هـ ـ ش بوده است .
٢ـ شهادت آقا حسین علی فیروز آبادی همشیره زاده ـ صفی علی شاه عارف معروف در فیروز آباد ١٨ ماه ذیقعـده
٢ـ صعود حکیم باشی قزوینی در قزوین که از مشا هیـر و خادمین و مخلصین امرالله بوده است .
٣ـ شهادت جناب ملا عبد المجید صدیق العلماء داماد میرزا محمود فروغی پسر میرزا محمد فروغی دوغ آبادی در ـ ترشیز خراسان (کاشمر) روز ١٦ فروردین (حمل) .
٤ـ تشکیل محفل ملی مصر و سودان ١٩٢٤ .

٥ــ اجازه دادن مقامات نظامی باحبای امریکا که بر مقابر بهائیان مقتول در جنگ اسم اعظم رابر سنگ آنان نقـــش کنند تا از دیگران متاز باشند خواه در قبرستانهای عمومی و خواه در قبرستان نظامیان و اما سربازانی که بهائی نبودند اگر مسیحی بودند برسنگ قبرشان صلیب نقش میکردند و اگـر یهودی بودند ستاره داود بر سنگ نقش مینمودند .

٦ــ انتخاب و تشکیل اولّین محافل روحانیه ملی در لنـــدن انگلستان و آلمان و اطریش و هندوپاکستان و برمه و در ــ دهلی جدید . ١٩٢٣ــ ٨٠ ب .

نوروز ٨١ (جمعه ١٥ شعبان ١٣٤٢هـ ـ ق
٢١ مارس ١٩٢٤ م) ٨١ ب ـ ١٣٠٣هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٤٣ ـ ١٣٤٢ هـ ـ ق
مطابـــق با ٢٥ ـ ١٩٢٤م و ١٣٠٣ هـ ش
سنة البـــاب من الواحد الخامـــس
(سال پنجم از واحد پنجـــم)

١ ـ ساختمان مرکز اجتماع برای امور تبلیغی در باهیـــاء (مدینه بهیه) .
٢ ـ تاسیس مجله کوکب از مجلات امریه .
٣ ـ صعود لقائی شاعر کاشانی بهائی ١٣٠٣هـ ـ ش ١٢ قوس جمادی الاولی ١٣٤٣هـ ـ ق .
٤ ـ صعود دکتر اسلمنت در ارض اقدس حیفا .
٥ ـ حکم محکمه شرعیه مصر مشعربر استقلال امرالله ١٠ می ١٩٢٥ .
٦ ـ غرق شدن مستر شیرازی از احبای هندوستان (رمس او را در ١٩٢٥ بگلستان جاوید حیدرآباد سند انتقـــال دادند) در رود خانه Khuleli ١٩٢٥ .
٧ ـ تشکیل اولّین محفل ملی مصر و سودان ١٩٢٤ .
٨ ـ انقراض خلافت عثمانی بکلی ١٩٢٤ .

نوروز ۸۲ (شنبه ۲۵شعبان ۱۳۴۳هـ ـ ق
۲۱ مارس ۱۹۲۵م) ۸۲ ـ ۱۳۰۴هـ ـش

وقایع مهمه امری سال ۴۴ـ ۱۳۴۳ هـ ـ ق
مطابـــق بـــا ۲۶ـ ۱۹۲۵م ـ۱۳۰۴هـش.
سنة الواو من الواحـــد الخامـــس
(سال ششم از واحد پنجـم)

۱ـ آغاز نشر کتاب عالم بهائی (جلد اوّل) ۱۹۲۵ ـ ۱۹۲۶ آپریل .

۲ـ اولین ملاقات میس مارتاروت Miss. Martha Root با ملکه رومانیا ۳۰ ژانویه ۱۹۲۶ در قصر کنتروسنی در بخارست Contrnceni

۳ـ انقراض قاجاریه (تحقق انذار الهی) .

۴ـ واقعه شهدای عشت گانه جهرم و آتش زدن خانه های احباب در آنجا در ۱۷فروردین ۱۳۰۵مطابق بـــا ۲۳ رمضان .

۵ـ تشکیل اولّین محفل ملی آمریکا ـ ۸۲ ـ۱۹۲۵ ـ ۱۳۰۴.

نوروز ۸۳ (دوشنبه ۷ رمضان ۱۳٤٤هـ ـ ق
۲۲ مارس ۱۹۲٦) ۸۳ ـ ۱۳۰۵ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٤۵ ـ ۱۳٤٤ هـ ـ ق
مطابـــــق با سال ۲۷ـ۱۹۲٦م/۸۳ ب
ســـنةالابد من الواحـــد الخامس
(سال هفتم از واحد پنجم)

۱ـ شهادت آقا محمد بلورفروش در روز ۱۲ رضـــــوان سال ۸۳بدیع .

۲ـ اخراج شیخ جعفر سبزواری از یزد توسط حکومـــت این شیخ جمعی از احباء را شهید کرده بود .

۳ـ عزیمت میس مارتاروت Miss. Martha Root باروپای شمالی . (۱۹۲۷ـ ۱۹۲٦) .

٤ـ جلسه دوم عالم بهائی از سال ۱۹۲٦ ـ ۱۹۲۸ .

۵ـ صعود هاوارد ماکنت Howard Macnutt

٦ـ نامه محفل ملی امریکا و کانادا شامل تاریخ امـــر و تعالیم الهیه برضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران (تاریخ اصل نامه ۱٦ جولای ۱۹۲٦ است) .

۷ــ ملاقات دوم میس مارتاروت با ملکه رومانیا ۱۹۲۷ در قصر پلی سر Pelisor در سنابا .

۸ــ صدور توقیع مبارك (۸۳) درباره تبلیغ و جمع آوری ــ آثار و شرح ملاقات میس مارتاروت با ملکهٔ رومانیا .

نوروز ۸٤ (سه شنبه ۱۸رمضان ۱۳٤٥ــ ۲۲
مـــــــارس ۱۹۲۷م) ۸٤ــ ۱۳۰٦هـ ــ ش

وقایع مهمه امری سال ٤٦ــ ۱۲٤٥ هـ ــ ش
مطابق با ۲۸ ــ ۱۹۲۷م/۱۳۰٦هـ ــش /۸٤
بـــــــدیـــــع
سنـةالحـــاد من الواحد الخامـــس
(سال هشتم از واحد پنجـــــم)

۱ــ شهادت آقا فریدون جمشید از احبای پارسی در دهج یزد .

۲ــ صعود میرزا محمود زرقانی دررشت ودفنش در قبرستان مدیریه رشت . ۱۸ مهر ــ یازده اکتبر سنه ۱۹۲۷ .

۳ــ شهادت امین العلمای اردبیلی بفتوای علی اکبر آقا مجتهد اردبیلی در اردبیل /۲٦مارچ ۱۹۲۷ .

٤ــ ملاقات میس مارتاروت Miss Martha Root
با منشی تولستوی موسیوو الانتین بولگاگف در پراك چکوسلواکی
Valentin Bulgakov

٥ــ صعود جناب آقا سید مهدی گلپایگانی خالـــوزاده ابوالفضائل گلپایگانی در عشق آباد (بضمیمه ۲۳ مراجعه شود)

۶ــ مسموم شدن و صمود میرزا محمود فروغی در خراسان .
(مشارالیه پسر ملا میرزا محمد فروغی دوغ آبادی ازاصحاب قلعه و احبای اولیه ایست و در مشهد خراسان هم او را هدف گلوله ساختند ولی خوب شد و بعد در سال مزبور در فروغ صمود فرمود) .

۷ــ برسمیت شناختن محفل ملی بهائیان امریکا ــ کانادا از طرف حکومت دول متحده آمریکا در ۱۹۲۸ .

۸ــ تشکیل اولین مجمع نمایندگان محافل روحانی ایران .

۹ــ تشکیل اولین انجمن شور روحانی بهائیان ایران در طهران .

نوروز ۸۵ (۲۸ رمضان ۱۳٤٦ هـ ـ ق/ ۲۱ مارس ۱۹۲۸م) ۸۵ب ـ ۱۳۰۷ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٤۷ ـ ۱۳٤٦ هـ ـ ق
مطابق با سال ۲۹ ـ ۱۹۲۸م .
سنة البهاء من الواحد الخامس
(سال نهم از واحد پنجم)

۱ـ قرار مجمع اتفاق ملل در تائید بهائیان نسبت به بیت مبارك حضرت بهاءالله در بغداد ـ ٤ مارس . رمضان

۲ـ وفات مسیو هیپولیت دریفوس Hippolyte Dreyfus از احبای مشهور غرب که در سال ۱۹۰۰ در پاریس به تصدیق امرالله موفق گردید و بالاخره پس از سفرهای بسیار در پاریس وفات نمود .

۳ـ تقاضای بهائیان ارض اقدس از حکومت که اجرای احوال شخصیه از طرف حکومت بخود آنان واگذار شود و تصویب آن از طرف حکومت و واگذار شدن اجرای احوال شخصیه بمحفل بهائیان حیفا در ارض اقدس و دفن اموات مطابق دستور مبارك .

٤ـ ملاقات میس مارتاروت با ملکه رومانیا مرتبه چهارم

اکتبر در قصر تابستانی ملکه موسوم به قصر (تی نایی وا) در بالسیس .

٥ــ ظهور تضییقات متعدده از طرف حکومت روسیه نسبت باحبای الهی و گرفتاری و حبس شانزده نفر از معاریف احبای عشق آباد در ۲۸ ژوئیه و شش ماه حبس آنها .

٦ــ ورود میس مارتاروت بایران در دیماه ۱۳۰۸شمسی و مسافرت او ببلاد مهمه ایران .

۷ــ صعود حاجی ابوالحسن امین اردکانی . شب هفتم خرداد ۱۳۰۷ هــ ش . می ۱۹۲۸م . ذیحجه ۱۳٤٦ هــ ق .

نوروز ۸٦ (۹ شوال ۱۳٤۷ ــ ۲۱ مـارس
۱۹۲۹) ۸٦ بـــــديع ــ ۱۳۰۸هـ.ش

وقايع مهمه امری سال ۱۳٤۸ ــ ۱۳٤۷ مطابق
بـــــــا ۳۰ ــ ۱۹۲۹م ۱۳۰۸ هـ.ش
سنة الحـب من الواحد الخامـس
(سال دهم از واحد پنجـم)

۱ــ مسافرت میس مارتاروت بایران .
۲ــ تشکیل اولین مدرسه تابستانه در کالیفرنیا .

نوروز ۸۷ (۲۰ شوال ۱۳٤۸هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــــارس ۱۹۳۰م) ۸۷ب ـ ۱۳۰۹هـ ـش

وقایع مهمه سال ٤۹ ـ ۱۳٤۸هـ ـ ق مطابق
با سال ۳۱ ـ ۱۹۳۰م و مطابق با ۱۳۰۹هـ ش
سنةالبهاج من الواحد الخامس
(سال یازدهم ازواحد پنجم)

۱ـ صعود مستر لوئی ژان بورژوا Louis Bourgeois
طراح نقشه مشرق الاذکارامریکا . روز ۹ اگست مطابـــــق
با ۲۸ شهریور. Dr. August Forel
۲ـ صعود پروفسور دکتر فورال (هنری آگست) ۲۷ژوئیـــه

۱۹۳۱میلادی تولد ش در سال ۱۸٤۹ و عمرش ۸۲ وتصدیقش
بامر مبارك در سال ۱۹۲۰میلادی بوده است . لـــــوح
مبارك که باسم او معروفست از قلم مرکز پیمان جل ثنا ئـــه
باعزاز او نازل شد . مشا رالیه در وصیت نامه خود بحقانیت
امر بهائی اقرار کرده است برای تفصیل واقعه بکتـــــاب
محاضرات مراجعه شود .
۳ـ توجه ملکه رومانیا بزیارت ارض اقدس و مجبور شدنش قبل

از تشرّف بمراجعت از طرف سیاستمداران . این مطلب را خود در ضمن نامه بتاریخ جون ۱۹۳۱ بمیس مارتاروت نوشته است .

٤ــ تقدیم کردن مستر ویلارد هچ Mr Willard Hatch یکی از بهائیان لوس آنجلس سنجاق ملکه رومانیا را (که بمیس مارتاروت یادگاری داده بود و او بمشرق الاذکار امریك فرستاد و فروخته شد و خرج مشرق الاذکارگردید) . به محفظه آثار مقام اعلی در کوه کرمل این سنجاق از طلا و نقره و مروارید ترکیب شده و بالماس مرصع شده است .

٥ــ تبعید احبای روسیه از عشق آباد بایران در ۱۲ ژانویه ۱۹۳۰ .

٦ــ تضییقات شدید نسبت باحبا و موٴسسات امری درسراسر روسیه .

۷ــ صدور توقیع مسمی بنظم جهانی از قلم حضرت ولی امرالله بانگلیسی (۱۹۳۰) .

نوروز ۸۸ (۲ ذیقعده ۱۳۴۹ هـ ق / ۲۲ مارس ۱۹۳۱ م) — ۸۸ بدیع / ۱۳۱۰ هـ — ش

وقایع مهمه امری سال ۵۰—۱۳۴۹ هـ ق مطابق با سال ۳۲ — ۱۹۳۱ میلادی و مطابق با سال ۱۳۱۰ هجری شمسی

سنة الجواب من الواحد الخامس

۱ — صعود حضرت ورقه مبارکه علیا ژانویه ۱۹۳۲ — ۲۴ تیر ۱۳۱۱ — شهر الکلمات ۸۹ بدیع ۲ — صعود طائره خانم حرم شیخ علی اکبر قوچانی شهید پس از تحمل مصائب بسیار در طهران روز ۲۱ فروردین ۳ — ملاقات دیگر میس مارثاروت با ملکه رومانیا اگست ۱۹۳۲ — ۴ — صعود پاسبان و باغبان روضه مبارکه سید ابوالقاسم خراسانی که بی اندازه مورد عنایت موفوره حضرت ولی امرالله جل سلطانه بوده در لیله دوشنبه دوم اسفند ۱۳۱۰ / ۲۲ فبروری سال ۱۹۳۲ / ۱۴ شوال ۱۳۵۰ (به صفحه ۳۰۸ جلد اول رحیق مختوم مراجعه شود) ۵ — شروع به ساختمان جدید حظیرة القدس طهران (نصب حجر زاویه توسط حاجی غلامرضا امین امین و جناب ولی الله ورقابود) ۶ — صدور توقیع مبارک سال ۱۳۱۰ هـ ش بفارسی ۷ — صدور لوح مبارک درباره صعود عزیزالله ورقا ومسئله حجاب و انتخاب نمایندگان شور وتأسیس سرمایه ملی ۸ — صدور توقیع مبارک درباره صعود حضرت ورقه علیا ۹ — تشکیل اولین محفل ملی ایران وعراق

نوروز ۸۹ (۱۳ ذیقعده ۱۳۵۰ هـ ـ ق ـ ۲۱
مارس ۱۹۳۲ م) ۸۹ ب ـ ۱۳۱۱ ـ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۵۱ ـ ۱۳۵۰ هـ ـ ق
مطـابق با ۳۳ ـ ۱۹۳۲ میلادی وسال ۱۳۱۱ هـ ش
سنة الاحد من الواحد الخامـس
(سال سیزدهم از واحد پنجم)

۱ـ ورود میس کیت رانسوم کهلر بایران (تیرماه)
Mrs. Keith Ramsom Kehler
۲ـ صعود میس اتل روزنبرك در لندن (۱۷ نوامبر) درسن ۷۲ سالگی Ethel Rosenberg
۳ـ ثبت شدن محفل ملی بهائیان هند و برما .
٤ـ ملاقات میس مارتاروت با ملکه رومانیا فبروری ۱۹۳۳ .
۵ـ دستور مبارك راجع بساختن سد تاکرنور
و تجدید عمارت قصر مبارك .
٦ـ صدور دستور مبارك برای خرید زمین مشرق الاذکـار طهـــران :
۷ـ صدور دستور مبارك برای اکمال احصائیه احبای ایران .
۸ـ صدور توقیع مبارك موسوم به قرن ذهبی حضرت بهاءالله

نوروز ۹۰ (۲۴ ذیقعده ۱۳۵۱ هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــــارس ۱۹۳۳ م) ۹۰ ب ـ ۱۳۱۲ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۵۲ ـ ۱۳۵۱ هـ ـ ق
مطابق باسال ۳۴ـ۱۹۳۳ میلادی وســـال
۱۳۱۲ هـ ـ ش
سنةالوهاب من الواحد الخامس
(سال چهاردهم ازواحد پنجم)

۱ـ صعود قنسول شوارتز .
۲ـ صعود الیزابت کلیت زینگ .
Lisbeth Klitzing
۳ـ صعود میس کیت رانسوم کهلر در اصفهان روز ۲۳ اکتبر
Mrs. Keith Ramsom Kehler
۱۹۳۳ رجب ۱۳۵۲ هـ ـ ق .

نوروز ۹۱ (۵ ذیحجه ۱۳۵۲ ــ ۲۱ مارس
۱۹۳۴ م/ ۹۱ بدیع ــ ۱۳۱۳ هـ ش
وقایع مهمه امری سال ۵۳ ــ ۱۳۵۲ هـ ق مطابق
با سال ۳۵ــ۱۹۳۴ میلادی وسال ۱۳۱۳ هـ ش
سنة الوهاج من الواحد الخامس
(سال پانزدهم از واحد پنجم)

۱ ــ صعود مسیز پرسنز بر اثر تصادف با اتومبیل روزجمعه ۱۹ جانوری .

۲ ــ صعود میرزا یوسف خان وجدانی مبلغ امرالله که شرح حالش بتفصیل در کتاب محاضرات و مصابیح هدایت مندرج گردیده است .

۳ ــ صعود دکترارسطو خان حکیم از احباء قدیم طهران .

٤ ــ صعود جورج آدم ینگ

٥ ــ صدور لوح مبارك دور بهائی (دیس پن سی شن) DISPENSATION OF BAHA'U'LLAH به انگلیسی .

٦ ــ صعود امة الاعلی دکتر مودی درطهران شهر العلم ۹۱ / آبان ۱۳۱۳ هـ ش رجب ۱۳۵۳ هـ ق ۲۳ اکتبر ۱۹۳٤

۷ ــ تشکیل اولین محفل روحانی ملی بهائیان ایران

۸ ــ تشکیل اولین محفل روحانی ملی بهائیان استرالیا و نیوزیلند .

نوروز ۹۲ (۱۶ ذیحجه ۱۳۵۳هـ ق ـ ۲۲
مـــارس ۱۹۳۵ م) ۹۲ب ـ ۱۳۱٤ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٥٤ ـ ۱۳٥۳ هـ ـ ق
مطابق باسال ۳٦ـ۱۹۳٥ میلادی و ســـال
۱۳ـ ۱۳۱٤هـ ـ ش .
سنةالبدی من الواحد الخامـــس
(سال شانزدهم از واحد پنجم)

۱ـ بسته شدن جمیع مدارس بهائی در ایران بامر حکومت وقت .
۲ـ صعود مرحوم میرزا تقی خان بهین آئین که ازمبلغین غیور امرالله بود در طهران .
۳ـ تشکیل لجنه نشرو تالیف در کراچی .

نوروز ۹۳ (۲۷ ذیحجه ۱۳۵٤ هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــــــارس ۱۹۳٦ م) ۹۳ ـ ۱۳۱۵ هـ ش

وقایع مهمه امری سال ۵۵ ـ ۱۳۵٤ هـ ـ ق
مطـــابق باسال ۳۷ـ۱۹۳٦ م و ۱۳۱۵ هـ . ش
سنة البهی من الواحد الخامس
(سال هفدهم از واحد پنجم)

۱ـ اقدام محفل عراق (بغداد) برای انتشار امرالله در سلیمانیه بامر مبارك و عزیمت عبدالحمید اشراق خاوری برای تبلیغ امرالله بسلیمانیه کردستان عراق و تبعید شدنش از آنجا بامر حکومت .

۲ـ تشکیل محافل ضیافتی نوزده روزه در شرق و غرب عالم بهائی بانظم و برنامه بدیع .

۳ـ صعود مرحوم مهدی قلی میرزای موزون که از بهائیان غیور بوده و صدمات بسیار و حبس و زجر زیاد در راه امر کشیده بود در همدان . (مشارالیه پسر مرحوم حسین قلی میرزا موزون ملایری است .) .

٤ـ صعود مرحوم آقا حسن فوادی از خادمین امرالله در طهران . مشارالیه خدمات شایان داشته و تاریخ امری

خراسان را بتفصیل نوشته است .

٥ــ آخرین ملاقات میس مارتاروت با ملکه رومانیا فبروری ۱۹۳٦

(اولین ملاقات ۳۰ ژانویه ۱۹۲٦ــ ۱۲ شهرالسلطان۸۲)

٦ــ صعود جناب شیخ محمد ناطق نیستانی اصفهانی مبلغ امرالله و مؤلف کتاب مناظرات الدینیه ۱۷دی ۱۳۱٥هـ.ش ۲۳شوال ۱۳٥٥هـ ــ ق ۷ ژانویه ۱۹۳۷ م .

نوروز ۹۴ (۸ محرم ۱۳۵۶هـ ـ ق ـ ۲۱ مارس
۱۹۳۷م) ۹۴ـ ۱۳۱۶ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۱۳۵۶هـ ـ ق مطابق
با سال ۳۸ ـ ۱۹۳۷م و ۱۳۱۶ هـ ـ ش
سنة الا بهی من الواحد السادس
(سال هیجدهم از واحد ششم)

۱ـ صعود الفرد لنت از خادمین امرالله در غرب.
Alfred E. Lunt
۲ـ صعود دکتر ضیاء بغدادی مدیر مجلهٔ نجم باختر پسر مرحوم آقا محمد مصطفی بغدادی .
۳ـ صعود آقا میرزا قابل آبادهٔ ای که از مبلغین معروف امرالله بوده و الواح متعدده از مرکز میثاق دارد .
۴ـ صعود آقا محمد حسین الفت عطار یزدی از مبلغین امرالله در طهران که مشقات بسیار در راه امر دیده است
۵ـ آغاز مخالفت مسلمین یزد با احبا و نسبت قتل یکنفر کوره پز مسلمان را بجمعی از احبای یزد و گرفتاری اعضاء محفل روحانی یزد و سلطان نیك آئین و حاجی محمد طاهر مالمیری و حبس ناشر نفحات الله آقا میرزا حسن نوش آبادی

رحمانی با آنان در طهران مدت چهار سال .

٦ــ شروع اجرای نقشه هفت ساله امریکا (آپـریل) .

۷ــ ثبت شدن محفل ملی بهائیان استرالیاو نیوزیلند .

۸ــ اقتران هیکل مبارك حضرت ولی امرالله با روحیـــــه خانم .

۹ــ ورود مستر شافلاخر بکراچی . مشارالیه از موٴمنیـــن غیورو ایادی امرالله بود که پس از خدمات لایقه صعـــــود فرمود و شرح حالش در اخبار امری ایران وکتاب عالم بهائی موجود است .

نوروز ۹۵ (۱۸محرم ۱۳۵۷هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــــارس ۱۹۳۸م) ۹۵ـ ۱۳۱۷ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۱۳۵۷ هـ ـ ق مطابق
با سال ۳۹ـ۱۹۳۸ میلادی ۱۳۱۷هـ ـ ش
سنةالواحد من الواحد الخامـــس
(سال نوزدهم از واحد پنجـم)

۱ـ صعود میرزاعبدالله مطلق طهرانی از مبلغین غیور امر بهائی در طهران .

۲ـ صعود تورن برگ گروپر MRS. MARYAM THORNBURGH CROPPER
از مؤمنات اولیه غرب ۱۵ مارچ .

۳ـ صعود کریس ابر MRS. GRACE OBER
از احبای غرب .

٤ـ صعود ماری ملکه رومانیا اولین تاجداری که بامراللـــه اقبال کرده .

۵ـ ثبت محفل ملی بهائیان جزایر بریتانیا .

٦ـ بسته شدن تشکیلات امریه از طرف حکومت روسیـــه در ترکستان و قفقاز و حبس شدن متجاوز از پانصد نفر از احباء که عده ای از آنها در حبس مردند و برخی به سیبریا تبعید

و برخی پس از اخذ اموال و دارائی بایران نفی شدند و مشرق الاذکار عشق آباد در تصرف حکومت درآمد و تبدیل بموزه گردید .

۷ــ صدور توقیع مبارك ظهور عدل الهی بانگلیسی دیماه ۱۳۱۷ هـ ش ذیقعده ۱۳۵۷ هـ ق دسامبر ۱۹۳۸ میلادی .

۸ــ اتمام تزیینات غرفه های زیر گنبد مشرق الاذکار امریکا شهرالقدره ۹۵ آبان ۱۳۱۷ هـ ش رمضان ۱۳۵۷ هـ . ق نوامبر ۱۹۳۸ م .

۹ــ انقراض سلطنت آلبانی (تحقق انذار بملوك) .

نوروز ۹۶ (۳۰محرم ۱۳۵۸ ـ ۲۲ مارس ۱۹۳۹) ۹۶ب ـ ۱۳۱۸ هـ ـش

وقایع مهمه امری سال ۹۵ ـ ۱۹۵۸هـ ـ ق
مطابق با ۴۰ ـ ۱۹۳۹میلادی ۱۳۱۸هـ.ش

۹۶ بـــدیع
سنة الالف من الواحد السادس
(سال اول از واحد ششـــم)

۱ـ صعود مسز الیس ماکسول Mrs. May E. Maxwell.
۲ـ صعود ستاره خانم لیدی بلامفیلد .
Lady Bloomfield
۳ـ صعود رحمت الله علائی در ایران ـ طهران .
۴ـ صعود حاجی غلامرضای امین در طهران ۱۲شهـــر المسائل مطابق با اوّل دیماه.
۵ـ صعود پاین نوبلگ هانن Pauline Knobloch Hannen از احبای قدیم آمریکا ۴ اکتبر.
۶ـ صعود شنهـــناز وایت .
۷ـ صعود ثریافری رزچمبرلین Soraya Chamberlain از احبای غرب (فبروری .) .

۸ــ صعود میس مارگریت کامپل Miss Margret Campbell
۲۶ جون . مشا رالیها منشی محفل روحانی لوس آنجلس
کالیفرنیا بود .

۹ــ صعود رابرت ابوت Mr. Robert Abbot
از احبای سیاه پوست آمریکا .

۱۰ــ صعود ویلیام میلر Mr. William Miller
که در امر مهاجرت اقدام کرد .

۱۱ــ صعود ابوالقاسم گلستانه از احبای مقیم مصر .

۱۲ــ کشته شدن حبیب الله مسکر در حیفا که هدف تیر
نظامیان در ایام شورش گردید و در درب بیت مبارك افتاد
و جان سپرد .

۱۳ــ صعود اسماعیل آقا باغبان هیکل مبارك و این
همانست که گلوی خود را برید و بعد امعالجه شد .

۱۴ــ گرفتن محفل ملی مصر از حکومت مصر زمین برای
گلستان جاوید و انتقال دادن رمس حضرت ابوالفضائل از
محل سابقش بگلستان جاوید و انتقال یافتن رمس ام التبلیغ
غرب امةالله میز اکت سنگر Lua Getsinger
با اقدام محفل ملی آمریکا از قبرستان مسیحیان قاهره
بگلستان جاوید و استقرار در جوار رمس جناب ابوالفضائل
گلپایگانی .

۱۵ــ انتصاب ولی الله ورقا پسر ورقای شهید با مانـــــت حقوق الله بعد از امین امین .

۱۶ــ صدور لوح مبارك در خصوص انتقال رمسین آسیـــه خانم و غصن اطهر از قبرستان نبی صالح بکوه کرمـــــل دی ۱۳۱۸هـ ــ ش ذیقعده ۱۳۵۸هـ ــ ق دسامبـــر ۱۹۳۹ میـــــلادی .

۱۷ــ صعود میس مارتاروت در هونولولو Honolulu مهرماه ۱۳۱۸هـ ــ ش ۱۴ شعبان ۱۳۵۸هـ ــ ق ۲۸/ ــ سپتامبر ۱۹۳۹م شهرالمشیه ۹۶ ب .

نوروز ٩٧ (١١ صفر ١٣٥٩هـ ـ ق ٢١ مارس
١٩٤٠م) ٩٧ ـ ١٣١٩ هـ ش

وقايع مهمه امری سال ٦٠ ـ ١٣٥٩هـ ـ ق
١٣١٩هـ ـ ش/٤١ ـ ١٩٤٠
سنة الباء من الواحد السادس
(سال دوم از واحد ششم)

١ ـ صعود هايد دان فاتح استراليا .

نوروز ۹۸ (۲۲ صفر ۱۳۶۰ هـ ـ ق ۲۱ مـارس
۱۹٤۱ م) ۹۸ ـ ۱۳۲۰ هـ . ش

وقایع مهمه امری سال ٦۱ ـ ۱۳٦۰ هـ . ق .
مطـــــابق با سال ٤۲ـ۱۹٤۱ م . .
سنة الاب من الواحد السادس
(سال سوم از واحد ششم)

۱ـ توبه مسیو اسپراك Mr. Sydney Sprague
اسکندرخان داماد میرزا اسدالله اصفهانی و شوهـــر خواهر دکتر فرید که با برادر زن و پدر زن خود در دوره مرکز پیمان ناقض شد و در سال مزبور در دوره حضـــرت ولی امرالله غصن ممتاز جل سلطانه توبه کرد و بعز قبـــول فائز شد تولدش در ۱۸۷۵ و وفاتش در ۱۹٤۳ و عمـــرش ٦۸ سال بود شرح توبه اش در عالم بهائی مندرجست .
۲ـ نزول لوح مبارك روز موعود فرارسید بانگلیسی .
THE PROMISED DAY IS COME
۳ـ انقراض سلطنت سربستان (تحقق انذار بملوك)

نوروز ٩٩ (٣ع ٢ــ ١٣٦١ هـ ــ ق ٢١مارس
١٩٤٢م) ٩٩ب ــ ١٣٢١ هـ ــ ش

وقایع مهمه امری سا ل ٦٢ ــ ١٣٦١هـ ــ ق
مطـــــــابق با سال ٤٣ــ ١٩٤٢م٠٠٠
سنةالدال من الواحد السادس
(سال چهارم از واحد ششم)

١ــ اتمام بنای مشرق الاذکار ویلمت (دسامبر)
٢ــ صعود جناب دکتر عبد الله بالیوزی در شیراز.
٣ــ هجوم اشرار مسلمین به بیت مبارك شیراز و آتش زدن بیت .
٤ــ شهادت جناب استاد حبیب الله معماری در تبریز در در شب شنبه هفتم شهرالملك ــ ٢٤بهمن در خانـــــه شخصی خود بدست زوجه اش .

نوروز صد م (۵ ربیع الاول ۱۳۶۲ — ۲۲ مارس
۱۹۴۳م / ۱۰۰ ب — ۱۳۲۲هـ . ش

وقایع مهمه امری سال ۶۳ — ۱۳۶۲ هـ . ق . مطابق
با ۴۴ — ۱۹۴۳م / ۱۰۰ بدیع / ۱۳۲۲هـ . ش
سنة الباب من الواحد السادس
(سال پنجم ازواحد ششم)

۱ — آغاز قیام احبای ایران حسب الامر مبارک برای مهاجرت در داخل و خارج ایران .
۲ — جشن صد ساله از بعثت حضرت رب اعلی درسرتاسر ایران حسب الامر مبارک حضرت ولی امرالله جل ثنائه
۳ — افتتاح اولین انجمن شور روحانی بهائی امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی ۱۹ و ۲۰ مه ۱۹۴۳

نوروز ١٠١ (١٤٢٣ـ ١٣٦٣هـ ـ ق ـ ٢١
مـــارس ١٩٤٤ م) ١٠١ ب ـ ١٣٢٣ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ٦٤ـ ١٣٦٣ هـ ـق
مطـــــابق با ٤٥ ـ ١٩٤٤م ـ ١٠١
بدیـــع و سال ١٣٢٣هـ.ش
سنةالواو من الواحد الســادس
(سال ششم از واحد ششـــم)

١ـ شهادت ٣ نفر از احباء در شاهرود بهجوم عمومـــی مسلمین . شهداء عبارتند از (جذبانی ـ نادری ـ مهاجر)
٢ـ انقلاب اوضاع مملکت و سختی و مشقت احبای الهی .
٣ـ نزول لوح مبارك قرن بافتخار احبای ایران .
٤ـ جشن مئوی ظهور حضرت اعلی در سرتاسر عالم بهائی حسب الامر مبارك حضرت ولی امرالله خرداد ١٣٢٣هـ.ش ٢٣ می ١٩٤٤م .
٥ـ صعود جناب سلطان نیك آئین در کویته بلوچستان ـ ٢٧ می ، مشارالیه همانست که بواسطه اقدام مخالفیـــن مدتها با اعضای محفل یزد در حبس بسر برد .
٦ـ نزول GOD PASSES BY گاد پسیزبای :

۷ــ خاتمه نقشه هفت ساله احبای آمریکا .

۸ــ سا ختمان مرقد نورین نیرین و میسیس رانسوم کهلـــــر MRS. KEITH RANDOM KEHLER در اصفهان .

نوروز ۱۰۲ (۲٤٦ — ۱۳٤٦ — ۲۱ مارس
۱۹٤٥) ۱۰۲ ب — ۱۳۲٤ هـ — ش

وقایع مهمه امری سال ٦٥ — ۱۳٦٤ هـ — ق
مطابق با ٤٦ — ۱۹٤٥ م
سنة الابد من الواحد السادس
(سال هفتم از واحد ششم)

۱ــ صعود جناب علی اصغر شیر دل خادم باوفای بیت مبارك در حیفا (ژوئیه) مشارالیه مورد اطمینان هیکل مبارك بود و ماٴموریت او بردن پاکات و تلگرافات به پستخانه و آوردن پاکات و امانات پستی از پستخانه بود . جناب شیردل از اهل قزوین بود .
۲ــ صعود جناب عزیز الله مصباح در طهران (۱۹ خرداد)
۳ــ تلگراف محفل ملی بهائیان آمریکا و کانادا بکاخ سفید و ریاست جمهور آمریکا در ۲٦ مارس راجع به توجه دادن اولیای کاخ سفید بتعالیم امر مبارك و صدور جواب از کاخ ابیض بعنوان محفل در ۱۷ آپریل .

نوروز ۱۰۳ (۲۶۱۶ — ۱۳۶۵ هـ — ق — ۲۱
مـــارس ۱۹۴۶م) ۱۰۳ب — ۱۳۲۵هـ — ش

وقایع مهمه امری سال ۶۶ — ۱۳۶۵هـ — ق

۴۷— ۱۹۴۶ م

سنة الحاد من الواحد السادس

(سا لهشتم از واحد ششـــم)

۱ــ آغاز تنفیذ نقشه ۴۵ ماهه احبای ایران . آذر ۱۳۲۵ هـ — ش ۴ شهر القول ۱۰۳ بدیع اوّل محرم ۱۳۶۶هـ — ق ۲۶ نوامبر ۱۹۴۶ م .

۲ــ انقراض سلطنت ایطالیـــا (تحقق انذار بملوك)

۳ــ انقراض سلطنت بلغارستان (تحقق انذار بملوك)

نوروز ۱۰۴ (۲۴۲۱ – ۱۳۶۶ هـ – ق – ۲۱
مـــــارس ۱۹۴۷) ۱۰۴ ب – ۱۳۲۶ هـ – ش

وقایع مهمه امری سال ۶۷ – ۱۳۶۶ هـ – ق
۴۸ – ۱۹۴۷ م
سنة البهاء من الواحد السادس
(سال نهم از واحد ششم)

۱ – آغاز ساختمان و بنای مقام اعلی توسط حضرت ولی امرالله جل سلطانه و قیام احباء بتقدیم تبرعات برای بنای مبارک و قبه ذهبی .
۲ – تشکیل انجمن بین المللی بهائی بانتخاب حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل متحد .
۳ – انقراض سلطنت رومانیا (تحقق انذار بملوک) .

نوروز ۱۰۵ (۹ج۱ – ۱۳۶۷هـ.ق – ۲۱
مارس ۱۹۴۸م) ۱۰۵ب / ۱۳۲۷ هـ.ق.

وقایع مهمه امری سال ۶۸ – ۱۳۶۷ هـ.ق./۴۹–
۱۹۴۸ م – ۱۰۵ بدیع / ۱۳۲۷ شمسی
سنة الحب من الواحد السادس
(سال دهم از واحد ششم)

۱ – صعود شیخ محمد حسین فاضل طهرانی در اصفهان و در گلستان جاوید تخته فولاد اصفهان مدفون است. (به ضمیمه ۲۴ مراجعه شود)

۲ – صعود میرزا عبدالکریم اشراق خیاط از مبلغین امرالله. (در طهران مدفون است)

۳– صعود میرزا فضل‌الله نوری اصفهانی در اصفهان مشارالیه از مبلغین امرالله بود.

۴ – صعود دکتر یونس خان افروخته صاحب کتاب ارتباط شرق و غرب و کتاب خاطرات نه ساله (بضمیمه ۲ مراجعه شود)

۵ – قیام خالصی زاده عرب از اعدای شدید امرالله بر علیه امرالله و احباء الله در یزد وهجوم عام مردم برای خراب کردن حظیرة القدس یزد که جلوگیری شد.

۶ – هجوم عام مردم طهران بتحریک ورياست سید ابوالقاسم

کاشانی از اعداء امرالله برای خراب کردن حظیرةالقدس طهران که از طرف دولت جلوگیری شد .

۷ــ گرفتاری احبای الهی در اطراف ایران بچنگال ظلم و عداون اعداء امرالله .

۸ــ نزول لوح مبارك ۱۰۵ بافتخار احبای ایران .

۹ــ تشکیل محفل ملی بهائیان کانادا .

نوروز ۱۰۶ (۲۰ج ۱ — ۱۳۶۸هـ — ق — ۲۱
مـــارس ۱۹٤۹م) ۱۰۶ب — ۱۳۲۸هـ — ش

وقایع مهمه امری سا ل ٦۹ — ۱۳٦۸ هـ — ق
۵۰ — ۱۹٤۹ م — ۱۰۶بدیع ۱۳۲۸ هـ.ش
سنةالجهاج من الواحد السادس
سال یازدهم از واحد ششم

۱ــ صعود میرزا منیر نبیل زاده قزوینی که از مبلغیـــــن امرالله بود در طهران (به ضمیمه ۲٦ مراجعه شود)
۲ــ آغاز نسبت دادن قتل زنی و بچه هایش در ابرقـــــو باحبای یزد و محفل روحانی یزد و نوشتن مطالب زننده بـــه احباء و محفل یزد و ایجاد هیاهو و فتنه و فساد و حبـــس کردن چهار نفر از احبای یزد و اسفندآباد ابرقوبجـــــرم ارتکاب قتل .
۳ــ انداختن مسلمین بمب دستی بحظیرةالقدس طهران .
٤ــ شهادت جناب دکتر سلیمان برجیس بسخت ترین وضعی بدست مسلمین خونخوار کاشان . مشارالیه بدست محمّد رسول زاده و رفقایش در روز سوم فبروری در کـــاشـــان بشهادت رسید . قاتلین با کارد هشتاد زخم به بدنـــش وارد ساختند .

نوروز ١٠٧ (٢ ج ٢ ـ ١٣٦٩ هـ ـ ق ـ ٢١
مـــارس ١٩٥٠ م) ١٠٧ ب ـ ١٣٢٩ هـ ـ ق

وقایع مهمه امری سال ٧٠ ـ ١٣٦٩ هـ ـ ق
مطابـــق با ١٥ ـ ١٩٥٠ م ـ ١٠٧ بدیـــع
١٣٢٩ هـ ـ ش

سنة الجواب من الواحد السادس
سال دوازدهم از واحد ششم

١ ـ گرفتاری اعضای محفل روحانی یزد و جمعی از احبـاء بتهمت قتل یکزن مسلمان با چهاربـــچه اش که در ابرقو بدست مسلمین انجام گرفت (مهرماه)

٢ ـ مخالفت شدید علمای مسلمین و مردم عموما و وزراء و روٴسای دولت با امر الهی.

٣ ـ ورود اولین مهاجر بهائی انگلیسی بافریقا (تانگانیکا)

٤ ـ صعود طائره شا عربهائی از بانوان احباء که طبـــع شعر داشت (نوامبر ١٩٥٠ صفر ١٣٧٠ ـ شهرالقـــول ١٠٧ بدیع)

٥ تاٴسیس اولین شورای بین المللی بهائی از طرف حضـرت ولی امرالله در ارض اقدس دیماه ١٣٣٩ هـ ـ ش ربیـــع الاول ١٣٧٠ هـ ـ ق ژانویه ١٩٥١ م .

۶ــ تشکیل محافل بیاد یکصد مین سال شهادت حضرت ــ اعلی .

۷ــ اتمام بنای مقام اعلی در کوه کرمل .

خاتمه نقشه ۵ ٤ ماهه مهاجرتی داخلی ایران که موافـــق با صد مین سال شهادت حضرت اعلی بود .

نوروز ۱۰۸ (۱۳ ج ۲ — ۱۳۷۰ هـ — ق ۲۲
مـــــــارس ۱۹۵۱ م) ۱۰۸ ب — ۱۳۳۰ هـ
ش

وقایع مهمه امری سال ۷۱ — ۱۳۷۰ هـ — ق
۵۲ — ۱۹۵۱ م ۱۰۸ بدیـع ۱۳۳۰ هـ ش
سنة الاحد من الواحد السادس
(سال سیزدهم از واحد ششم

۱ــ ضوضاء مردم بر علیه بهائیان فردوس (فاران) و سوزانیدن درب خانهٔ احباء و محصور شدن احبـــــاء در خانه های خود . (رمضان — خرداد) (تیر)
۲ــ شهادت جناب بهرام روحانی در یزد (جمـــادی الثانی ۱۳۷۰ هـ — ق ۱۲ مارچ ۱۹۵۱ م ۲۱ اسفنـــد ۱۳۲۹ هـ — ش)
۴ــ اخراج کارکنان ادارات دولتی که بهائی بودند از ادارات دولتی و از جمله قریب به ۵۰ نفر از مریضخـــانه آستان قدس مشهد بامر نیابت تولیت آستان قدس سیـــد جلال الدین طهرانی منجم اخراج کردند .
۵ــ شهادت یکی از احبای آران کاشان و هجوم عـــام

اغیار مسلمین ببهائیان .

۶ــ هجوم عام مسلمین یزد باحباء در یزد و تفت و غارت کردن جمعی را در یزد و شهادت بهرام روحانی از احبای پارسی در قریهٔ تفت . وصول تلگراف عنایت آمیز هیکل مبارك در بارهٔ شهادتش .

۷ــ صعود میرزا علی اکبر روحانی محب السلطان میلانی که آثار خطوط او بسیار است .

۸ــ صعود خدیجه خانم زوجه آقا میرزاحسین زنجانی هم زنجیر حضرت ورقا در مشهد خراسان .

۹ــ صعود ضیائیه دختر حضرت نبیل اکبر آقا محمد قاینی در طهران ۱۳۲۶ .

۱۰ــ نزول لوح مبارك در بارهٔ ساختمان مقام اعلی .

۱۱ــ تشکیل شورای بین المللی بهائی از احبای شرق و غرب در حیفا با انتخاب هیکل مبارك و آغاز ارتباط شوری با حکومت اسرائیل در ارض اقدس .

۱۲ــ پایان نقشهٔ چهار ساله امء الرحمن ایران ۱۹۵۲ م ــ ۱۳۳۰ هـ ــ ش (ورود اولین مهاجر آمریکا به " لیبریا . آفریقا")

۱۳ــ صعود لوئی گریگوری

اول موءمن سیاه پوست امریکا . سی جولای . (جزوه ای

بنام او طبع شده) .

۱٤ــ انتخاب ایادی امرالله از طرف هیکل مبارك حضرت ولی امرالله . (شرح آن در اخبار امری ایران مندرجست مراجعه شود) .

۱۵ــ صدور لوح معروف به لوح سنه (۱۰۸) بفارسی از حضرت ولی امرالله .

۱٦ــ بومیان کشور لیبریای افریقا اولین اظهار نامه را ــ دادند .

۱۷ــ ورود مهاجرین بهائی از انگلیس برود زیای شمالی .

نوروز ۱۰۹ (۲٤ ج ۷۲ — ۱۳۷۱ هـ ق ۲۱
مـــــارس ۱۹۵۲ م) ۱۰۹ ب — ۱۳۳۱ هـ ش

وقایع مهمه امری سال ۷۲ — ۱۳۷۱ هـ — ق
مطابـــق با سال ۵۳ — ۱۹۵۲ م — ۱۳۳۱
هـ — ش ۱۰۹ بدیـــــع
ســـــنة الوهاب من الواحد السادس
(سال چهاردهم از واحد ششم)

۱ــ کشته شدن نورالدین فتح اعظم عضو محفل ملی ایران بدست رعایای قریهٔ رامجین که متعلق بوی بوده است .
۲ــ افتتاح راه تشرف بساحت اقدس برای احبای ایـــران و تشرف جمعی از زن و مرد احباء بحضور مبارك .
۳ــ تشکیل انجمن تبلیغی بین القارات در کامپالای افریقا با حضور ایادی امرالله و جمعی از احبای شرق و غرب .
٤ــ بروز فتنه و فساد و گرفتاری از ناحیهٔ علمای شیعـــه برای احبای ایران و از جمله احبای نجف آباد و چمگردان و برخی از اطراف اصفهان و حملهٔ مسلمین باحباء و سوزانیدن درب خانه ها و سایر گرفتاریها .
۵ــ صعود مستر ویلیام سوترلند ماکسول MR. MAXWELL

پدر حرم هیکل مبارك و مهندس مقام مبارك اعلی .

٦ــ صعود جناب شاه خلیل الله فارانی در مشهد ... خراسان / ٤ آذر ١٣٣١ هـ ــ ش ٦ ربیع الاول ١٣٧٢ هـ ــ ق ٢٥ نوامبر ١٩٥٢ م .

نوروز ۱۱۰ (۵ رجب ۱۳۷۲ هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــارس ۱۹۵۳م) ۱۱۰ ب ـ ۱۳۳۲ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ هـ ـ ق
۵۴ ـ ۱۹۵۳م ۱۳۳۲ هـ ـ ش ۱۱۰ بیانی
سنة الوهاج من الواحد السادس
سال پانزدهم از واحد ششم

۱ـ تشکیل انجمن شور تبلیغی در ویلمت آمریکا با حضور هزاران نفر یارو اغیار با حضور حضرت حرم و اپـــادی امرالله .

۲ـ افتتاح مشرق الاذکار امریکا با حضور حضرت حـــرم محترمه ولی امرالله جل سلطانه .

۳ـ نزول لوح مبارک سنه ۱۱۰ که شامل نقشه دهساله است .

۴ـ صعود جناب حاجی محمد طاهر مالمیری یزدی از مبلغین و قدمای امر که به حضور جمالقدم مشرف شده بود در ۲۱ ماه رمضان در یزد مطابق خرداد ماه و چهارم ـ جون . . مشارالیه بصرافت طبع در اواخر حیات تمـــام دارائی خود را بامر مبارک تقدیم کرد .

۵ـ بروز فتنه شدید از ناحیهٔ مسلمین و علمای شیعـــهٔ

برای احبای بشرویه و فردوس و خیرالقری و افتتان و امتحان برخی از احبا در آن حدود که در نهایت شدت بود ومتواری شدن جمعی از احباء و بیسروسامانی آنان .

٦ــ بروز فتنه و فساد از ناحیهٔ علمای شیعه در اطراف و اکناف ایران .

۷ــ تشکیل انجمن شور تبلیغی احبای شرق و غرب در استکهلم پایتخت سوئد .

۸ــ قیام احبای ایران و غرب برای مهاجرت بنقاط مختلف جهان و مهاجرت جمعی از احبای ایران به آفریقا و عربستان و افغانستان و عدن و یمن و الجزایرو مراکش جزایر پاسیفیك و ژاپون .

۹ــ تشکیل اولین کنفرانس بین القارات در کامپالا ــ یوگاندا (۱۸ ــ ۲۱ فبروری) .

۱۰ــ تشکیل دومین کنفرانس بین القارات در شیکاگو . (٦ــ ۳ می)

۱۱ــ تشکیل سومین کنفرانس بین القارات در استکهلم (۲٦ ــ ۲۱ جولای) .

۱۲ــ تشکیل چهارمین کنفرانس بین القارات در نیودهلی (۱۵ ــ ۷ اکتبر) مسك الختام کنفرانسهای سال جهاد مقدس کنفرانس دهلی بود .

۱۳ــ سقوط هواپیمای ایادی امرالله دوروتی بیکربد ریـــا ی

DOROTHY BAKER

مدیترانه و صعود ش در ٥٤ سا لگی . . دیماه ۱۳۳۲ جمادی الاول ۱۳۷۳ هـ ــ ق ژانویه ۱۹٥٤ م ــ ۱۱۰ بیانی .

۱۴ــ اتما م ساختمان مقام اعلی (اکتبـر ۱۹٥۳) .

۱٥ــ شهادت آقا رحمن کلینی ممقانی در دورود بدســت مسلمین ۲٦ سپتامبر .

۱٦ صعود ایادی امرالله مستر شا فلاخردر مونت رئـال

MR. SHOPFLOCHER (MONTREAL - CANADA)

(۲۷ جولای) . (تولد ایشان در ۱۸۷۷ بوده است)

۱۷ــ صدور توقیع مبارک سال ۱۱۰ بفارســی از حضـــرت ولی امرالله .

نوروز ۱۱۱ (۱۵ رجب ۱۳۷۳ ـ ۲۱ مـــارس ۱۹۵٤)

وقایع مهمه امری سال ٤ ـ ۱۳۷۳ هـ ـ ق
مطابق با ۱۱۱ بدیع و برابر با ۱۳۳۳ هـ
ش ـ ۵۵ ـ ۱۹۵٤ میلادی
سنة البدی من الواحد السادس
سال شانزدهم از واحد ششم

۱ـ در این سال محبوسین یزد را که بتهمت قتل گرفتـــه بودند و شرح آن از پیش گذشت هر یك را بنحوی محکوم کردند و حبس های طولانی برای آنها مقرر نمودند . بعضی از محبوسین هم در زندان وفات یافتند و خانواده بعضی بواسطهٔ گرفتاری سرپرست آنان بکلی از هم پاشید و همـــه بیچاره و بی پناه ماندند اعضای محفل یزد هم پس از انقضای دوره حبس آزاد شدند .

۲ـ صدور اجازه عضویت زنان در محافل روحانی و ملـــی در لوح مبارك صادر در سال ۱۱۱ بدیع .

۳ـ حفر اساس دارالاثار بین المللی در کوه کرمل .

٤ـ انتخاب نقشه مشرق الاذکار اقدس در کوه کرمل .

نوروز ۱۱۲ (۲۶رجب ۱۳۷٤ — ۲۱ مارس
۱۹۵۵) ۱۱۲ ب — ۱۳۳٤هـ ش

وقایع مهمه امری سال ۱۳۷٤ هـ ق مطابق
با ۱۱۲ بدیع برابر با ۱۳۳٤ شمسی و ٥٦
۱۹۵۵ میلادی

سنة البهی من الواحد السادس
سال هفدهم از واحد ششم

۱ــ قیام شیخ محمد تقی واعظ معروف بفلسفی و مخالفت با امرالله و هیاهوو شورش مردم و قیام مماندین در سراسر ایران (رمضان)

۲ــ اقدام باتمانقلیچ رئیس ستاد ارتش در طهران بمخالفت امر و خراب کردن گنبد حظیرة القدس ملی بهائیان ایران بدست خود .

۳ــ توقیف جمیع حظائر قدس و مستملکات امری از طرف متصدیان امور .

٤ــ شهادت شهدای هرمزك در قریهٔ هرمزك نزدیك یزد بدست اشرار مسلمین . عده شهداء هفت نفربود که اسامی آنان بدین قرار است .

استاد فریدون امیری ــ رقیه خانم همشیره ایشان ــ علی اکبر برادر رقیه خانم ــ عبد الرزاق برادر آقای فریدون امیری ــ آقا عبد العلی فرزند عبد الرزاق ــ آقا هدایت الله آقا امان الله برادرزادگان جناب آقای فریدون امیری .

۵ــ مخابره هزاران تلگراف از سراسر عالم بهائی بدولت ایران در باره وقایع مزبور .

۶ــ خراب شدن بیت مبارك شیراز و منزل جناب خال که محل تولد حضرت اعلی بوده است . بفتوای سید نورالدین مجتهد شیرازی .

۷ــ ارسال مرقوم جامعه بین المللی بهائی بسازمان ملل متحد راجع به امر مبارك در ۲۳ می .

نوروز ۱۱۳ (۷ شعبان ۱۳۷۵هـ ـ ق ـ ۲۰
مـــــــارس ۱۹۵۶) ۱۱۳ ب ـ ۱۳۳۵

وقایع مهمه امری در سال ۷۶ ـ ۱۳۷۵ ـ هـ
ق مطابق با ۱۱۳ بدیع برابربا ۱۳۳۵ شمسی
۵۷ ـ ۱۹۵۶ م
سنة الابهی من الواحد السادس
سال هجدهم از واحد ششم

۱ ـ نزول آخرین لوح مفصل شامل وقایع مهمه اخیـــر ایران از قلم حضرت ولی امر الله .

نوروز ۱۱٤ (شعبان ۱۳۷۷ هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــارس ۱۹۵۷م) ۱۱٤ب ـ ۱۳۳٦ هـ ش

وقایع مهمه امری در سال ۷۷ ـ ۱۳۷٦ هـ ـق
مطابق با ۱۱٤ بدیع برابربا ۱۳۳٦ هـ ـ ش
۵۸ ـ ۱۹۵۷م
سنة الواحد من الواحد السادس
سال نوزدهم از واحد ششم

۱ـ صعود هیکل مبارك حضرت ولی امرالله در لنـــدن دوشنبه اوّل شهرالقدرة ۱۱٤ـ ۱۳ آبان هـ ـ ش ۱۱ع ۲ ۱۳۷۷ هـ ـ ق ٤ نوامبر ۱۹۵۷م.
۲ـ مراسم تشییع ۱۸ آبان ـ ۹ نوامبر.
۳ـ تشکیل محفل ملی پاکستان ـ ۲۹ آپریل ـ نهـــم رضوان.
٤ـ صعود فاضل مازندرانی مورخ و مبلغ امرالله در ـ خرمشهر.
۵ـ صدور پیام مبارك خطاب به ۲٤ انجمن شور روحانـی در سراسر عالم.
٦ـ شروع مرحلهٔ چهارم نقشهٔ دهساله.

۷ــ آغاز اولین کنفرانس از کنفرانسهای مرحلهٔ دوّم بین القارات .

۸ــ نصب حجر زاویه ام المعابد افریقا بدست ایادی امرالله روحیه خانم حرم مبارك و قرار دادن تربت محبس ماکو در آن جا .

۹ــ کنفرانس سیدنی دومین کنفرانس مرحلهٔ دوم کنفرانسهای خمسه بین القارات ۱۱٤ اسفند ــ ۱۳۳٦ هـ ــ ش ــ ۲۰ مارچ ۱۹۵۸م ــ شعبان ۱۳۷۷هـ ــ ق .

۱۰ــ صدور نخستین ابلاغیه ایادی امرالله بعد از صعود حضرت ولی امرالله پس از اجتماع در قصر بهجی . شهر القول ۱۱٤ ــ ٤ آذرماه ۱۳۳٦هـ ــ ش ــ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷م .

۱۱ــ اخراج ناقضین از روضه مبارکه توسط هیکل مبارك حضرت ولی امرالله جون ۱۹۵۷م.

۱۲ــ تشکیل و انتخاب اولین محفل روحانی ملی عربستان در بحرین (منامه) .

نوروز ۱۱۵ (۳۰ شعبان ۱۳۷۷ــ ۲۱مارس ۱۹۵۸) ۱۱۵ــ۱۳۳۷هـ ــ ش

وقایع مهمه امری در سال ۱۳۷۷ ــ ۱۳۷۸ هـ ــ ق مطابق با ۱۱۵ بدیع برابر با ۱۳۳۷ شمسی ۵۶ــ ۱۹۵۸م

سنة الالف من الواحد السابـــــع

سال اول از واحد هفتـــم

۱ــ انعقاد کنفرانس در جاکارتا پایتخت اندونزی و پیش آمدن موانع از طرف اولیای امور دولتی و انعقاد همـــان کنفرانس با حضور سیصد نفر از احباء ده نفر از ایـــادی امرالله در سنگاپور (شهریور ــ مهر)

۲ــ انعقاد دومین کنفرانس بین القارات در سیدنـــی "استرالیا" (مارچ ــ نوروز) .

۳ــ نصب اولین سنگ بنای مشرق الاذکار سیدنی استرالیا و قرار دادن تربت روضه مبارکه در اساس آن ساختمـــان آرامگاه حضرت ولی امرالله ۱۱۵ ب ــ ۱۹۵۸م ۱۳۷۸هـ ــق ۱۳۳۷ هـ ــ ش .

۴ــ چهارمین کنفرانس از کنفرانسهای اربعه بین القارات

دوم در فرانکفورت ۲۵ ــ ۲۹ جـــــولای .

نوروز ۱۱۶ (۱۲ رمضان ۱۳۷۸ هـ ـ ق ـ ۲۲
مـــــارس ۱۹۵۹) ۱۱۶ ب ـ ۱۳۳۸ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری در سال ۱۳۷۸هـ ـ ق مطابق
با ۱۱۶ بدیع و برابر با ۱۳۳۸ هـ ش و ۶۰
۱۹۵۹م
سنة الباء من الواحد السابـــع
سال دوم از واحد هفتـــم

۱ـ صعود پروفسور پری تیم سینگ از قدمای احبای هند .

۲ـ تاسیس موسسه مطبوعات ملی امری در ایران و آغـاز نشر و تکثیر کســـتب امریه که بعد از واقعه فلسفی بکلـــی ممنوع شده بود .

۳ـ صعود جناب میرزایوسف خان لسان حضور وحیـــد کشفی از دانشمندان مهم وعالیمقام و از مبلغین امرالله در طهران .

۴ـ صعود جناب میرزا علی ممتازی (فاضل یزدی در یـزد که از مبلغین و خادمین امرالله بوده است .

۵ـ صعود جناب عباسعلی بت مبلغ مهم امرالله در (رانگون برما) .

نوروز ۱۱۷ (۲۲ رمضان ۱۳۷۹ هـ ـ ق ـ
۲۱ مـــــارس ۱۹۶۰) ۱۱۷ب ـ ۱۳۳۹ هـ ش

وقایع مهمه امری سال ۸۰ ـ ۱۳۷۹ هـ ـ ق
۶۱ ـ ۱۹۶۰ م ـ ۱۳۳۹ هـ ـ ش ۱۱۷ بدیع
سنة الاب من الواحد السابع
سال سوم از واحد هفتم

۱ ـ صعود جناب آقا سید عباس علوی بیارجمندی خراسانی مبلغ عالیمقام و شهید امرالله در طهران (۱۵ بهمن ۱۳۳۹) هـ ـ ش .

نوروز ۱۱۸ (۹ شوال ۱۳۸۰ خ ـ ق ـ ۲۱
مـــارس ۱۹٦۱م) ۱۱۸ ب ـ ۱۳٤۰ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سال ۱۸ ـ ۱۳۸۰ هـ ـ ش
۱۱۸ بدیع ٦۲ ـ ۱۹٦۱م
سنة الدال من الواحد السابـــع
سال چهارم از واحد هفتم

۱ـ صعود میرزا حسن رحمانی نوش آبادی مبلغ امرالله در شیراز (بهمن ماه)
۲ـ صعود میرزا الله قلی سبحانی سنگسری مبلغ امرالله در طهران (اسفند ماه) .

نوروز ۱۱۹ (۱٤ شوال ۱۳۸۱ — ۲۱ مارس
۱۹٦۲) ۱۱۹ — ۱۳٤۱

وقایع مهمه امری سال ۸۲ — ۱۳۸۱ هـ — ق
٦۳ — ۱۹٦۲ م ۱۳٤۱ هـ — ش ۱۱۹ بدیع
سنة الباب من الواحد السابع
سال پنجم از واحد هفتم

۱ــ گرفتاری احبای مراکش و صدور حکم قتل آنان .

نوروز ۱۲۰ (۲۴ شوال ۱۳۸۲ هـ ـ ق ـ ۲۱
مـــــارس ۱۹۶۳) ۱۲۰ ب ـ ۱۳۴۲ هـ ـ ش

وقایع مهمه امری سا ل ۸۳ ـ ۱۳۸۲ هـ ـ ق
۶۴ ـ ۱۹۶۳ میـلادی ۱۳۴۲ هـ ـ ش ـ ۱۲۰ بدیع
سنة الواو من الواحد السابع
(سال ششم از واحد هفتم)

۱ـ تشکیل بیت العدل اعظم در رضوان ایـنســـــال در ارض اقدس .

۲ـ آزاد شدن اخبای مراکش (شرح ایندا ستان ازطرف بیت العدل اعظم الهی تنظیم و نسخه آن از طـــــرف محفل ملی ایران منتشر شده است (بضمیمه ۲۷ مراجعه شود)

۳ـ تشکیل کنفرانس مئوی لندن که پس از صد سال ازایام رضوان و اظهار امر علنی جمال قدم منعقد شد و قـــــرار بود حسب الامر مبارك در بغداد منعقد شود و بواسطـــهٔ موانع سیاسی حکومت جمهوری بغداد با انعقاد آن در ـ بغداد موافقت نکرد و در لندن منعقد گردید .

ضمائم

ضمیمـــــه اول :

جسد جناب میرزا بزرگ نوری را در طهران امانـــت گذاشتند و در سال ۱۲۷۲ هـ ـ ق بمتبات برده دفـــن کردند و اخیرا رمس ایشانرابه گلستان جاوید بغداد منتقـل ساختند و جناب حاج محمد حسین روحانی کازرونی در ظل اشراف محفل ملی عراق و ایران پس از چهارسال جستجـو موفق بکشف رمس جناب وزیر شد و هیکل مبارك او رامـــورد عنایات مخصوص قرار دادند . جناب روحانی در شهرالعلاء ۱۲۱ در لندن صعود کرد ودر قرب رمس مطهرحضرت ولـی امرالله مدفون گردید .

ضمیـــــــمه دوم :

در زمستان آنسال نان در طهران قلیل بود . مـردم بقصر هجوم کردند و محمود خان کلانتر راکه شاه احضـــار کرده بود کتك زدند و یك پاره آجر هم بسر شاه پرتـــــاب کردند که مجروح شد . شاه بواسطهٔ غفلت کلانتر در اداره ـ امور شهر امر کرد او را خفه کردند و سرش‌را در کوچه و بازار گردانیدند و بدنش‌را باسب بسته در کوچه و بازارگـــــردش دادند و اعضاء و دست و پای او را بدروازه های طهران ـ آویختند و پس از چند روز پسر کلانتر پولی داد و اعضـــاء بدن پدرش‌را برد و بخاك سپرد . محمود خان کلانترهمانست که حضرت طاهره در منزل او محبوس بودند . برای تفصیـل برحیق مختوم در ذیل کلمه محمود عنود مراجعه شود .

ضمیـــــــــمه سوم :

و اینواقعه در سال مزبور واقع شد در کتاب روضات الجنات خونساری در ذیل ترجمه حال عبد الرحمن بـــــن الجوزی مندرج و مولف میگوید که من خود دیدم که نجـــوم سا قط میشود و تفصیل این حال در کتاب الفارق باجه چی بغدادی و کتاب رجاء العالم نیز مسطوراست و در کتـــاب درج لئالی هدایت به جمیع این مسراتب اشاره شده است.

ضمیـــــــمه چهارم :

در تبریز سه نفر از احباء راگرفتند و آن سه نفر شیـخ احمد خراسانی و میرزاعلینقی و سید محمد بودند ایـــن سه نفر از خراسان برای سفر ادرنه و تشرف بحضورجمـال مبارك وارد تبریز شدند حکومت آنهارا باجمعی دیگرکـــه از آن جمله سید مصطفی نراقی بود توقیف کرد حکومـت آذربایجان در آنوقت با ولیعهد مظفرالدین میرزا بـود پیشکار ولیعهد میرزا قهرمان نام داشت ولیعهد خبـــر توقیف بابیان را تلگرافی بپدرش ناصرالدین شاه خبـــر داد پس از یکماه از شاه و عزیزخان سردار به ولیعهد امـــر شد که سه نفر بابیان را بقتل برسانند بنابراین جناب شیخ احمد و میرزا علینقی و سید مصطفی نراقی را در روز دوم رمضان ۱۲۸۳ قمری مطابق هشتم ژانویه ۱۸۶۷ بامـــر ولیعهد در میدان هفت کچلان تبریز بردند و سر بریدند و پس از شهادت ابدان آنانرا باتش سوختند و از سایـــر بابیان که اسیر کرده بودند پول گرفتند و آنها را رهـــا کردند آن فتنه بسایر بلاد ایران هم اثر کرد .

شهادت جناب میرزا محمد علی طبیب زنجانـی در زنجان که ابتدا او را توقیف کردند و پس از چند روز سـرش را بریدند .

شهادت جناب آقانجفعلی زنجانی که در لـــــوح ابن الذئب نام او را ذکر فرموده اند . مشارالیـــــه در دوران بغداد از خدام جمالقدم بوده ودر ادرنه نیـــــز مشرف بوده در این سال باو امر فرمودند که بایران سفـــر کن بمحض ورود بطهران او را دستگیر کردند . آثار مبارکه راکه همراه داشت از او گرفتند و پس از مدتی او را مرخـص کردند ولی آثار مبارکه را باو رد نکردند . او باصـــــرار مطالبه کرد . سربازان دومرتبه اورا گرفتند و بامر مجتهد طهران حاج ملا علی کنـــی در پاقاپـــق سرش را بریدند و بدنش را بطوری قطعه قطعه کردند که نتوانستند کفـــن کنند ناچار قطعات بدن او را در پارچه ای پیچیدند ودفن کردند این همانست که در وقت شهادت بصدای بلنـــــد گفت : ما بها و خونبها را یافتیم .

ضمیمـــــه پنجـــم :

در این اواخر ایام حضرت عبدالبهاء روح ما سـوا فدا یك لوح زیارت مفصل برای ایشان نازل فرمودند کـــه اصل آن بخط مبارك در طهران نزد ورقه متصاعد الی الله آقا میرزا هادی خان و صبایای محترمات حضرت رضـــی ـ الروح است و سواد آن در ذیل مرقوم گشت .

منشاد . احبای الهی علیهم بهاءالله الابهی ملاحظـــه فرمایند و در روز نوروز از قبل عبدالبهاء در مرقد مبـــارك رضـی الروح این زیارت را تلاوت نمائید .

هو اللـــه

النفحات المعطرة من ریاض الملکوت الابهی عبقت علـــی روضتك المعنبرة الشذی تنتشر منها رائحة الوفا علی کـــل الارجاء اشهد انك سمعت نداء ربك من اوج العلـــی لبیت الدعا و ناديت باسم ربك الاعلی و آویت الی الکهـف الاوفی و دلع لسانك بالثناء علی رب الاخرة و الاولـــی ودعت الدنیا و ودعت اللذائذ لاهل الهوی اودعت فـــی کل قلب آیة الهدی فغدوت رایة الملاء الاعلی تمـــوج و تندفق بنسائم هابة من ریاض الملکوت الابهی فاصبحـــت سراجا منیرا و کوکبا مضیئا فی وسط السماء و تحملت فـــی سبیل ربك کل مشقة و عناء و اصابتك الضراء و البأســـا

و صوبت اليك سهام البغضاء و اغاروا طيك الغـــــارة الشعواء يلدغك كل محروم مشئوم بلسان سموم و يشتمـك الاعدا فى كل صباح و مساء فلا زلت فى خطر شديد مـــن كل وليد و عنيد حتى نويت الفوز باللقاء و سعيت الـــى دارالسلام مهبد المشاهدة و مشهد الكبريا و فـــزت و رأيت الانوار الساطعة من الطلعة النوراء و شملتـــك لحظات الاعين الرحمانية فى العراق و انتشر ذكرك فـــى الافاق و امرت بالرجوع فاقد الهجوع مضطرم الفـــواد منسبحم العبرات و رجعت الى اهلك مستبشر الـــروح منشرح الصدر منتعش القلب بالطاف ربك فى يـــوم الاياب و كنت صبيح الوجه كثير الوجد طليق اللسان قوى الجنان لا تأخذك لومة لائم و لا ترعبك سطوة ظالـــم و لا يحزنك سب شاتم بل ثبت ثبوت الطود العظيم و قاومت هجوم كل جيش شديد الى ان شربت كأس المنون ورجعت الى ملكوت الحى القيوم و ادركت مركز الانوار و دخلـــت محفل الاسرار عليك البهاء و عليك الثناء ايتها النفـــس المطمئنة الراضية المرضية عند بارئها اسئل الله ان ينزل علىّ بركة من عنده فى هذه البقعة السامية الاركان ساطعة الانوار و عليك البهاء الابهى .

ع ع

و پس از چندی از ساحت اقدس حضرت عبدالبهاء روحی لهالوجود الفداء بحضرت حاجی امین امر شد که قبر منور حضرت رضی الروح را بسازد و یك آیه از لسان مبارك صادر که آن آیهٔ مبارك را بر سنگ نقش نمایند و بالای سر آن حضرت نصب کنند و حضرت حاجی امین شرحی بجناب حاجی علی محمد منشادی مرقوم فرموده بودند و ساختن قبر منور آن حضرت را بعهده جناب حاجی علیمحمد مذکور قرارداده بودند جناب حاجی محمد علی اگر چه آن اوقات ضابط منشاد بودند ولی حاجی حسینعلی منشادی و بعضی مفسدین با ایشان طرف بودند فرمودند من حرفی ندارم بسازم ولی اگر من مبادرت باین کار نمایم میترسم حاجی حسینعلی و بعضی مفسدین مانع شوند و اگر بسازم خراب کنند آنروز این فانی در منشاد بودم و عازم حرکت بشهر آنروز حرکت را موقوف داشتم وشب محفل مقدس روحانی را فوق العاده تشکیل و جناب حاجی علیمحمد را هم دعوت کردند پس از مذاکرات جناب حاجی علیمحمد گفتند با اینکه میدانید حاجی حسینعلی و مفسدین تا چه درجه بر ضد من قیام دارند مع ذلك اگر محفل مقدس روحانی رای بدهند من حاضرم بسازم محفل مقدس روحانی رای دادند که جناب آقاعلی اکبر ابن محمد که عضو محفل

مقدس روحانی بود ایشان بسا زند لهذا همانشب جناب آقا علی اکبر نجل محترم حاجی علیمحمد تقبل فرمودند که فرد اصبح آنچه آجر لازم است سر قبر حاضر نمایند جناب آقا سید مرتضی نیز تقبل کردند آنچه گچ لازم است فرد اصبح سر قبر حاضر نمایند و یك نفر از اعضاء محفل مقدس روحانی قول دادند که استاد و عمله و بنا را صبح زود سر قبر حاضر نمایند و بالاخره فرد اصبح تا غروب آفتاب آن قبر منور در نهایت بزرگی و استحکام با آجر و گچ ساخته شد و آن آیهٔ مبارکه که از لسان مبارك نازل این است (ان رضی الروح قد قصد عتبة القدوس السبوح تنزل علیه ملائکة الرحمة و الغفران من ربه الرحمن) و سن مبارکشان در یوم شهادت پنجاه سال بود روز شهادت ایشان معلوم نیست همین قدر معین است که پنج ماه از سنه ٢٤ از ظهور مبارك گذشته بوده است و اما راجع بسنگ تاریخ که امر مبارك بود این آیهٔ مبارکه در آن نقش بود سنگ مرمر را جناب آقا علی اکبر ابن محمد از منشاد فرستادند و این عبد دادم آن سنگ را همان آیهٔ مبارکه را باباجعفر در آن نقش کرد و آن باباجعفر بهمین اسباب در آخر ایام حیاتش تصدیق بامرالله نمود و الان آن سنگ در منشاد در منزل آقا علی اکبر است . (تاریخ جناب مالمیری جلد ٢)

ضمیـــــــــمه ششم :

سنه ١٢٨٦ از هجرت مطابق سال بیست و سوم از ــ جلوس همایون اطریش مسا فرت امپراطور اطریش بسمـــــت مشرق زمین که از راه رسجق و وارنا باسلامبول و از آنجـــا بیونان و از یونان بژافاو از آنجا به بیت المقدس و از ایـــن شهر بمصر آمد و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئـــــز حضور بهم رسا نید بعد مراجعت بفرنگ نمود . (از کتا ب الماثر و الا ثار ــ موءلف محمد حسنخان اعتماد السلطنه) .

ضمیمـــــــــه هفتم :

منیـــــره خانم مسماة بفاطمه دختر میرزا محمـــــد علی نهری عموی حضرت سلطان الشهداء که بدعـــــای حضرت اعلی این دختر را بپدرش عطا فرمود و پـــــس از ورود بارض اقدس حرم محترم حضرت عبدالبهاء و بـــــه منیره ملقب گردید .

ضمیمـــــــه هشتم :

چند نفر از احباء همدست شدند که سید محمـــــد اصفهانی و یارانش را بقتل برسانند وجمال مبارك محمـد جواد قزوینی را که همدستی خودرا باآنان بحضور مبـارك عرض کرده بود از اینکار نهی فرمودند و امر کردند کـــه در خانه خود بماند و محمد ابراهیم را که در اینکار اصـــرار داشت از حضور خود طـرد فرمودند بقیه همدستـــان عبارت بودند از استاد عبدالکریم خراط واستاد محمـــد علی سلمانی اصفهانی و استاد احمد میرزا حسین نجـار کاشی و میرزا جعفر یزدی و آقا حسین آشپز کاشی اینهـا ابتداء با اعداء روی خوش نشان دادند و روزیکه همه بـا هم در منزلی که روبروی منزل متصرف عکا بود جمع شـــده بودند در روز ۱۲ ذی القعده اینسال سید محمد اصفهانی و آقاجان کج کلاه و میرزا رضا قلی تفرشی را بقتل رسانیدند و بعد داستان استنطاق پیش آمد که شرح آن بسیـــار مفصل است که در الواح مبارکه ذکرش نازل شده است .

ضمیمـــــــه نهم :

شرح واقعه بقرار ذیل است .

چون خبر شهادت د و بزرگوار بیزد رسید همانشب حضرت حاجی وکیل الحق فرستادند عقب فانی چـــــون بخدمتشان مشرف شدم تمام افنان سدره مبارکه در بیت شریف حضرت افنان کبیر حاجی میرزا سید حسن جمـــع بودند و کل در نهایت حزن و اندوه نشسته بودند فرمودند در اصفهان چنین اتفاقی افتاده است و دور نیست کـــه در یزد اثری ببخشد باید شما از یزد حرکت کنید زیـــرا احتمال کلی دارد که در یزد یك ضوضائی پیش آید و فردا قافله پارس حضرات کلباری که برنج آورده بود بسمـــت بوانات میرود شما با جناب آقا سید موسی با قافـــــله فردا حرکت کنید تا ببینیم چه میشود لهذا فرداصبـــح با قافله حرکت نمودیم شب در پشتکوه یکی دو نفر از اهـل بلد از اشرارماها را شناختند و بنای رذالت گذاردنـــد و اهالی قافله نیز از حال ما اطلاع یافتند چون قافـــله حرکت نمود حضرات قافله در ضمن قصد هلاکت مرا داشتند میان کفه بوانات حقیر را از جناب آقا سید موسی جـــدا کردند ایشانرا جلو انداختند و حقیر پیـــاده با یکنفـــر قافله ای عقب افتادیم و قافله در نهایت سرعت جلو رفـــت

بقسمیکه آنچه خواستیم بقافله برسیم ممکن نشد تا اینکه قافله بکلی از نظر محو شد و حالا حقیربسن ۲۲سا لگی هرگز سفر نکرده آن شخص فارسی که همراه بود نشست و گفت پایم درد میکند و نمیتوانم بیایم تو باین سمت برو باین کوه که راه نزدیکتر است و پشت آن کوه قافله منزل میکنند و آنجا بقافله میرسی حالا ظهر است و موسم بهار و هوا خیلی گرم است و هرکس در این کفه نمکزار بماند بطور یقین هلاك خواهد شد حقیر با کمال سرعت روبجانب آن کوه که تقریبا یکفرسخ است نهاده میروم بالای کوه رفتم قافله ای نبود و راهی نمایان نبود معلوم شد مقصود این شخص از راه بیرون کردن و هلاکت حقیر است فورا مراجعت نمودم بسوی راه حالا تشنگی باندازه ای غلبه کرده است که دیگر پا پیش نمیرود و نزدیك بغروب آفتابست و بسراه نرسیدم و همانجا خوابیدم و صبح شده راه را پیداکردم و روبجانب بوانات نهاده با کمال سرعت میروم حالا شش فرسخ است تا بوانات کم کم هوا گرم شد و عطش غلبه کرد بقسمیکه بکلی پا از حرکت افتاد حالا عین ظهر است و از صبح تا حال پنج فرسخ راه آمده میان خط راه در آفتاب نشستم و از شدت عطش نزدیك بهلاکت در آن بین ملاحظه شد که از طرف یسار بفاصله یکصد ذرع چند گوسفند کوهی

از گودی ببالا آمده و بطرف تلها میرود مثل اینکه یکی گفت شاید اینجا آب باشد که گوسفند ها بالا میایند گویا قوتی آسمانی بپا داده شد و روبجانب آن گودی روانه شدم چون رسیدم آب بود و بقدری خوردم که از هوش رفتم پس از دو ساعت بهوش آمده مجدد بقدری آب خوردم که باز از هوش رفتم تا سه که برخاسته روانه شدم تا غروب آفتاب حال دو روز است قوت بهیکل نرسیده و این دو روز با این صدمه که تصورش ممکن نیست خود را بمزرعه مهدی آباد بوانات رساندم برسیدن آنجا غش و ضعف شدیدی حاصل شد که هیچ نفهمیدم تا اینکه کدخدای آنجا حاجی اسمعیل بیك نام قدری گل گاو زبان طبخ کرده در دهان حقیر ریخته بهوش آمدم و شب را قدری شیر برنج تهیه کرده صرف شد تا صبح قدری قوت گرفتم و آقا سید موسی جلوتر خود رابمنج بوانات رسانیده و مرحوم حاجی سید علی مهریزی که از جانب حضرت متصاعدالی الله حاجی میرزا آقای افنان آنجا متصدی بودند چند صباح بکفه فرستاده بودند که جسد مرده حقیر را پیدا کرده بیاورند که همه کفه را گشته اثری نیافتند آمدند در همان مهدی آباد حقیر را برداشته رفتم بمنج چند روزی خدمت حضرت حاجی سید علی توقف کرده بسمت نیریز رهسپار

گشتم تقریبا سه ماه در نیریز مریض شدم پس از آن بحالت مرض بشیراز رفتم الحاصل مدت هفت ماه بواسطه صد مه راه در نیریز و شیراز ناخوش و مریض بودم تا اینکه پس از یکسال مراجعت بیزد نمودم که مسافرت بساحت اقدس پیش آمد و مدت نه ماه در ساحت اقدس بحضور جمالمبارك مشرف بودم روزی بخادم الله عرض کردم خیلی میل دارم یك لوح یا یك کلمه از خط مبارك باین عبد عنایت فرماید خادم الله فرمودند این مسئله ممکن نیست زیرا که در عکا قلم بدست مبارك گرفته نمیشود و دیگر عرض نکردم فردا بحضور مبارك مشرف گشتم فرمودند لوحی بخط خود برای تو نوشته ام بسیار مسرور گشتم تا اینکه در حین مرخصی باز فرمودند لوحی بخط خودم برای تو نوشته ام در ایران بتو میرسد و مرخص فرمودند چون به یزد رسیدم پس از چندی اذن بجهت والده عنایت شد که بروند مشرف شوند چون مسافرت ایشان تنها ممکن نبود حضرت آقا سید محمد عمه زاده پسر بزرگی حضرت آقا سید جعفر سابق الذکر رفتند مشرف گشتند جناب والده در ساحت اقدس توقف کردند و حضرت آقا سید محمد مراجعت نمودند فرمودند حین مرخصی از حضور مبارك فرمودند بآقا طاهرتکبیر برسان و بگو لوحی بخط

خود م برای تو نوشته ام در یزد بتو میرسد تا اینکه در ـ
موسم زمستان حقیر سفری بمنشا د رفتم روزی حضرت آقـا
ملا بابائی شهید اخوی حضرت رضی الروح فرمود د رمنشاد
چند نفری علمای صاحب حکم هستند ولی یکنفر هست کـه
آخوند ملا محمد است کـه اعلم است از تمام آنها و بسیار
شخص نجیب و با حقیقتی است که اگر اذ ن میدهید آخوند
را بیاورم قدری بـا ایشان صحبت بدارید عرض کرد م ـ
بنده نمیدانـم اگر میدانید که اهل فساد نیست عیب
ندارد فرمودند ابدا اهل فسا د نیست ایشان رفتنـد
خدمت آخوند فرمودند یك پسری از اهل شهر آمـده
است اینجا اگر میل دارید تشریف بیاورید اینجا او را ـ
ملاقات فرمائید شب تشریف آوردند آنشب تقریبا شش هفت
ساعت با ایشان صحبت شد آخر شب فرمودند اگر اذن ـ
میدهید آخوند ملا علی اکبر ولد شهباز را فردا شـب
بیاورم عرض کرد م بیاورید فردا شب با ملا علی اکبـر
تشریف آوردند تقریبا آنشب هم هشت ساعت صحبـت
شد و چون ملا علی اکبر دید جوابی ندارد جز تصدیـق
چاره ای نیست بنای بی انصافی را گذاشت حضرت آخوند
ملا علی اکبر بی انصاف مکن چون برادر عیال حضـرت
آخوند ملا محمد بود و اعلم از او بودند جوابی نداده ـ

حقیر حدیث فترت راکه در اصول کافی است خواندم
گفت من فردا کتاب اصول کافی را میاورم شب بعد با
حضرت آخوند ملا محمد آمد و کتاب اصول کافی را آورد
آن حدیث را پیدا کردم و خواندم و معنی نمودم حضرت
آخوند ملا محمد معنی حدیث را تصدیق نمودند. ملا
علی اکبر در نهایت غیض و غضب برخاست ولی حضرت
آخوند ملا محمد تا چند شب دیر تشریف آوردند و تصدیق
امر مبارك نمودند و بعد از تصدیق ایشان برگشتند
حضرت آخوند رفتند بالای منبر و در حالیکه تمام علماء
و اکثر خلق منشاد حاضر بودند فرمودند من تا حالا
تصور حقیقت در این امر مبارك نمیکردم امروز بر من
ثابت و محقق گشت که قائم آل محمد ظاهر گشته حضرت
بهاءالله حق است هرکس طالب حق است بیاید تحقیق
نماید چون حضرت آخوند از منبر پائین تشریف آوردند
ملا علی اکبر آمد جلو حضرت آخوند ملا محمد و گفت
جناب آخوند حالا که شما بهائی شده اید دیگر حق
آمدن بمسجد ندارید ایشان فرمودند منهم دیگر به
مسجد نمیایم دیگر بمسجد تشریف نبردند چند روز بعد
در خارج مسجد با علمای منشاد صحبت امری داشتند
و قرارگذارده بودند که در خانه حاجی قربانعلی کلانتر

منشا د مجلس فراهم آورند و تمام علماء منشاد حاضر شوند و منهم بروم آنجا با علماء صحبت بداریم و آنها قبول کردند و تشریف آوردند فرمودند که من با علماء چنین قراری داده‌ام شما حاضر هستید بیائید عرض کردم چون حضرت عالی قول داده‌اید حقیر هم میایم لهذا بر حسب وعده فردای آنروز فانی رفتم در محلهٔ پادشاهی خانه حاجی قربانعلی کلانتر ملاحظه مجلس نمودم ۳۵ نفر جمعیت آن مجلس بود تمام از وجوه اهل منشاد که پنج نفر آنها از علماء بودند ملا علی اکبر مذکور و حاجی سید میرزا امام جمعه و برادرش و جناب آخوند ملا غفور که ایشان باطنا تصدیق بامر مبارك داشتند و حضرت آخوند ملا محمد فانی عرض کردم که شما یکنفر در بین خودتان انتخاب کنید که با بنده طرف صحبت باشد تماما متفقا ملا علی اکبر را انتخاب کردند و اوّل رسمیت مجلس شروع شد بصحبت یکساعت بعد از ظهر بود تا غروب آفتاب حق جل جلاله شاهد و گواه است که آنروز چنان تائید و قوتی عنایت شد که حجت بر تمام کامل و بالغ گشت و حضرت آخوند ملا محمد چنان منجذب و چون کوه نار بر افروختند که از حد ذکر و بیان خارج است و غروب آفتاب فانی باحضرت آخوند ملا محمد از مجلس برخاستیم و مجلس خاتمه یافت چند نفر

از علماء یعنی ملا علی اکبر و حاجی سید میرزای امـــام جمعه و برادرش که از سلك علماء بود و بـــعضی دیگـران استشهادی تمام کردند و تماما مهر کردند و فرستادند شهر نزد شیخ محمد حسن سبزواری که فلانی آمده در منشـاد آخوند ملا محمد را بابی کرده ایشان بالای منبر آشکـارا فرمودند من تا امروز نمیدانستم که قائم آل محمد ظاهـــر شده امروز فهمیدم که حضرت بهاءالله حقست و از مسجد محراب پاکشیده و حاجی محمد طاهرآمده در خانـــه قربانعلی در مجلس عمومی تبلیغ دین بهائی میکند دیگـر عمل منشاد گذشته است منتظر جواب هستیم تکلیف مارا معین فرما. شیخ محمد حسن حکم قتل حقیر را نوشتنـد و استشهادرا برداشت و رفت نزد حاجی معدل السلطنه که حاکم یزد بود و دونفرمامور برای اخذ فانی روانـــه منشاد شدند و از قضا یوم قبل از ورود مأمورین بمنشـاد حقیر بمهریز رفته بودم از کیفیت استشهاد و مامور بی خبر احبای منشاد خبر میشوند و فورامرحوم آقااسدالله ومرحوم حاجی ابول کردری را روانه مهریز فرمودند و آقااسداللـــه تقریبا نیمساعت قبل از ورود مامورین خودرا بفانی رساندند و فورادر خدمت ایشان روانه شهر شدیم و در خانه ملکی آقای حاجی سید جواد و آقای سید علی سروش کـــه در

ساحت اقدس مجاور بودند و منزل همشیره محترمه شان و استادعلی عسکر شال باف شوهر همشیره شان بود مخفی بودم و حالا در منشاد آتش فتنه و فساد مشتعل است و بغایت شیخ محمد حسن و نواب رضوی و مفسدین شهر ٦ نفراز احبای الهی را در شهر و منشاد گرفتند و آنها را در حبس حکومت نگاهداشتند . شرح حال آن شش نفر از بعد ذکر خواهد شد . حالا فانی در خانهٔ حضرت استادعلی عسکر مخفی هستم که احدی مطلع نیست روزی حضرت آقا علی عسکر فرمودند یك جوان زرتشتی بهرام نام مریم آبادی است که هر چند روزی یکدفعه قدری چفندر برای ما میاورد خیلی جوان خوبیست اگر میگوئید این دفعه که آمد او را بیاورم قدری با او صحبت بدارید فانی عرض کردم بسیار خوب چند روزی گذشت جناب ملا بهرام آمدند و قدری چفندر آوردند استاد علی عسکر ایشانرا نزد حقیر آوردند ولی هنوز احدی در حزب زرتشتی تصدیق بامر مبارك ننموده بود بلکه احدی از بهائیان تصور تصدیق این حزب را بامر مبارك نمی نمودند زیرا که این قضایای اولیه و بروزات و ظهورات هیچ مربوطباینهانبود و از طرف هیچ گونه گفتگوئی در امر نبودند بالاخره با آنحضرت آقا ملا بهرام بنای صحبت گذاشتم باز فرداهم تشریف

آوردند تا چند روز که ایشان تصدیق بامر مبارك نمودند حالا این وجود مبارك شورو انجذاب زاید الوصفی حاصل نمود که آرام ندارد هروقت که اینجا تشریف میاورند بایك حالت رقت و گریه تا اینکه جناب آقارستم خرسند را با خود آوردند و چند دفعه هم با جناب آقا رستم صحبت شد و ایشانهم تصدیق بامر مبارك نمودند در حزب زرتشتی این اسم مبارك بلند شد و عجیب بنظر میاید باری خورد خورد این حضرت ملا بهرام با یك عالم وجد و سروری در بین این حزب نجیب به نطق و بیان فصیح مشغول و متصل روز و شب با یك اخلاق روحانی و آهنگی ملکوتی ورنه لاهوتی به تبلیغ امرالله قیام فرمودند و با سیف لسان بخرق حجبات عتیقه سه هزارساله این حزب دورافتاده پرداخت و چنان نشر آثار و ثبت تعالیم الهیه در این گروه بی خبر فرمودند که بحمد الله از سایرین سبقت جستند باری مدت سه ماه حقیر در این خانه مخفی بودم حالا آن نفوس مقدسه ٦ نفری هنوز در حبس حکومتند اما در باره فانی ابدا حرفی و گفتگوئی در خارج نیست لهذا شب از این منزل حرکت کرده مجدد رفتم به مهریز و مدت دوماه در مهریز بودم وهیچ خبری نبود تا اینکه خبر شدند که فانی در مهریزم مجددا خیلی بطور اتقان و احکام دونفرماءمور از طرف حکومت

برای اخذ فانی معین و حکمی بر عهده آقا حسین کلانتر مهریز که فانی را با یك سیاست کامل بدست آورده تسلیم مأمورین نماید در بین نوشتن حکم یکنفرتاجر زرتشتی که آنها ابداً گمان بروز خلافی از او نمیکرد حاضر بود چون از پیش حکومت مرخص شده بیرون میاید میرود درسرای خواجه خدمت حضرت آقا سید احمد افنان که در سرای خواجه حجره تجارت داشتند قضیه را ذکر میکند در این بین بین مرحوم استاد باقر متخلص محمد آبادی داماد آقامحمد علی کاشی در آنجا حاضر بود حضرت آقا سید محمد افنان باستاد باقر میفرمایند تفضیل از این قراراست فوراباکمال سرعت برومهریز و حاجی را خبرکن مرحوم استاد باقر دو ساعتی قبل از ورود مأمورین حقیررا خبر دادند فورا با ایشان از قریهٔ مدواراز بیراهه آمدیم توی ده مهریزخانه مرحوم آقا محمد اسمعیل ولد حاجی عسکر مهریزی که از احبای قدمای اول امر بودند و مرحوم حاجی سید علی مهریزی سابق الذکر ایشانرا تبلیغ نموده بودند امروزراتوقف کردم حالا منزل آقاحسن کلانترمهریزنزدیك همین خانه آقا محمد اسمعیل است ایشان خبر دادند که مأمورین وارد و آقا حسن کلانتر فورا پنجاه شصت نفر را جمع کرده و بهمراه مأمورین روانه و وارد مهریز گشتند حالا فانی در این خانه

صدای هیاهوی جمعیت را که روبه مدوارمیروند میشنوم باری اینهارفتند مدوارهرقدرگردش و جستجوکردند حقیر راپیدا نکردند حضرت مرحوم سید حسین روحانی رحمانی نورانی حضرت متصاعدالی الله آقا سید محمدباقرمهریزی سابق الذکرراگرفته خیلی اذیت میکنند که فلانی را نشان بده ـ بالاخره آقاسید حسین راآوردند توی دهٔ خانهٔ آقاحسن کلانترو مبلغ سی تومان نقداز ایشان میگیرند و مرخص مینمایند باری شب الاغ آقامحمد اسمعیل را سوارشده بهمراه استاد باقربیراهه آمدیم بخویدك و از خویدك آمدیم بشهر همان منزل استادعلی عسکرشال باف لکن بملاحظه اینکه خانه استادعلی عسکردر خطر است فانی را بردند درخانه یکی از زردشتیان در زیرزمینی خرابه که خیلی جای بدی بودبی بی فاطمه مهدعلیا که از مؤمنین دوره اوّل بودند با چند نفراز اماءالرحمن چادری بر سر حقیر نموده و همراه اینهارفتیم منزل حضرت بی بی فاطمه چندروزی گذشت چون از گرفتن فانی مأیوس گشتند ٦ نفر محبوسین رامفسولا باصفهان حرکت دادندآن ٦ نفر یکی حضرت آقامحمد اسمعیل خباز و دواخوی ایشان حضرت شاطرحسن وحضرت آقاعلی اکبرولد آن مرحوم آقامیرزاابراهیم خباز که در منشاد ساکن بودند یکی حضرت استاد حسین اورسی دوزکه

در منشا دد کان داشت ند و یکی حضرت آقا محمد باقـــر از اهل محله چهارمنارو یکی حضرت آقاسید محمد علـــی گازربود ند حرکت باصفهان دادند حضرت آقاسیـــــد محمد علی در حبس ناخوش احوال شده بود ند با نهایت ضعف سر زنجیر بودند. فاطمه بیگم همشیره ایشان حاضر شد ند و فرمود ند من بهمراه برادرم میروم باصفهان آنچـه گفتند اسرارا باپای پیاده میبرند نمیتوانید بروید قبـــول نکرد ند . فرمود ند جان من از این ٦ نفرعزیزتر نیست مـن همـــه جا با پای برهنه خواهم رفت بالا خره حضـرت آقاسید محمد علی سرزنجیر و فاطمه بیگم میخ طویله زنجیر که خیلی سنگین بود روی شانه گذارده تا اصفهان بـا پای برهنه شصت فرسخ راه رفتند و سن مبارکشان ۲۷ سال بود دخترخانه هنوز عروس نشده بودند چون با هزاران ـ صدمه و زحمت همه بایك زنجیر پای پیاده و فاطمه بیگـم پای برهنه میخ طویله روی شانه با این حالت حضور ظل السلطان بردند حکم به حبس دادلهذا حین ورود شـش نفر مقدس را حبس بردند و حضرت فاطمه بیگم تنهامانـــد روزها میرفتند در محبس می نشستند و چند دفعه حضـرت بگم عریضه و عجز و التماس هنگام عبوربظل السلطان دادند بالا خره از شدت عجز و الحاح در عرایض فاطمه بیگم آنهـا

را مرخص نمودند با پای پیاده با ضعف کثیرو عسرت شدید به یزد تشریف آوردند و در آخرالامر این شش نفر با حضرت فاطمه بیگم شهید شدند تفصیل شهادت هریك از بعد ذکر خواهد شد . باری خود مجدد مدت چهارماه در منزل بی بی فاطمه مخفی بودم تا اینکه بحضرت حاجی میرزا آقای افنان خبر دادند ایشان چنین صلاح دانستند که فانی چندی بروم بوانات مال و آدم آماده کردند و خبر دادند فانی عازم بوانات شدم بحضرت حاجی بی بی صاحب صبیه مرحوم حاجی علی باشد و حاجی علی بلندیکی از تجار عمده یزد بود آن محترمه در اوّل ظهورمبارك تصدیق بامرالله نمودند و در مدت حیاتشان بخدمات عظیمه پرداختند و خدمت نفوس مقدسه رسیدند مدتیکه حضرت زین المقربین در یزد تشریف داشتند اکثرایام بخدمت ایشان میرفتند و همچنین حضرت رضی الروح و نفوس مقدس که به یزد تشریف میاوردند فی الحقیقه چنین نفس مقدسی دیده شده است باری حضرت حاجی بی بی صاحب حین حرکت فانی از خانه حضرت بی بی فاطمه مهد علیا فرمودند صبر کنید فانی بیایم تشریف بردند یك لوح امنع اقدس بخطجمالمبارك بی اسم آوردند و بحقیرداد ندعرض کردم کجا بوده است این لوح مبارك فرمودند آن زمانیکه حضرت رضی الروح از دارالسلام

از حضور مبارك مرخص شده به يزد مراجعت فرمودند اين لوح مبارك را بمن دادند و فرمودند اين امانت بايد نزد شما باشد تا بصاحبش برسد حالا دوازده سال است حضرت رضى الروح صعود فرموده اند و مدتى جلوتر اين لوح مبارك را بمن دادند و بقلب من چنين اثر كرد كه اين لوح مبارك بايد بشما برسد آنوقت تفصيل وعده هاى مبارك باين لوح امنع اقدس خدمت ايشان عرض كردم و لوح را گرفته و با ايشان وداع نمودم ولى چند سنه بعد از مراجعت از بوانات تفصيل بيانات مبارك را راجع باين لوح خط مبارك خدمت ايشان عرض كردم خيلى مسرور شدند و فرمودند كه الحمد لله كه من امانت را بصاحبش رسانديم و سواد آن لوح معهود بخط مبارك اين است :

هوالبديع

فسبحانك اللهم باسمك الاعلى فى سرادق الابهى و بكلمتك العليا فى جبروت الاسنى بان تحفظ هذا العهد الذى استاثرته بنفسك و سمع نغماتك عرف برهانك ثم ارزقه خير الدنيا والاخرة ثم اجعل له قدم صدق عندك لئلا تزل قدماه عن صراطك العزيز المنيع . (١٥٢)

و اما شرح حال حضرت بى بى فاطمه مهد عليا

مذکوراینست که ایشان صبیه مرحوم آقا محمد ابراهیم مشکی باف و از نسوان متموله عاقله کامله این عصر نورانی بودند و در جوانی بواسطه حضرت حاجی بی بی صاحب تصدیق بامر مبارك نمودند و تازه غیال مرحوم حاجی علی عبد الحسین ولد محمد حاجی علی بلند اخوی حضرت بی بی صاحب شده بودند و چند سنه معدودی با حاجی زندگی کردند و سد طفل از حاجی داشتند که گفت عیال من بابی شده است و قدری الواح نوشتجات مبارك مال بی بی فاطمه عیالش را در خانه پیدا کرد وبحکومت وقت داد و اسکندر خان نایب الحکومة محمد خان بود و در سفر ثانی که پدرش قاسم خان والی در شیراز وفات کرد محمد خان پسرش والی و حاکم یزد بود و اسکندرخان نایب الحکومه سرّسرّ بهائی بود و الواح و نوشتجات را نگاهداشت و پراهمیت بعرض حاجی عبد الحسین نداد و حاجی عبد الحسین بسوی علماء شتافت و گفت که عیالم بابی است بالعن کند یا طلاق میدهم بالاخره بعد از کشمکش بسیار ایشانرا در جوانی طلاق داد و عیال دیگر گرفت و ایشان دیگر شوهر اختیارنکردند و این اطفالرا با مالیه خود بزرگ کردند و هریك را در نهایت کمال صوری و معنوی و ایمان کامل تربیت نمودند و همیشه لیلا و نهارا بخدمت امرالله

مشغول بودند و صبیه محترمه بی بی عذرا و بی بی زهـــراء را عروس کردند و حضرت آقا احمد را داماد نمودند و یـــک فامیل عظیمی کل مومن و موقن و خادم امرالله تشکیل کردند فی الحقیقه این ورقه مقدسه مومنه بالله گوی سبقت را ازفحول رجال عالم ربود و در هر خوضائی تحمل چه بلایائـــــی میفرمودند و با کمال متانت و استقامت مقاومت نمودکـــــه انشاءالله او بعد در مواقع دیگر ذکر خواهد شد . و تـــا نفس اخیر آنی غفلت نورزیده و با حسن خاتمه نائل گشـــت و عمر شریفش هشتاد و سه سال بود ولی حاجی عبد الحسین پس از چندی تصدیق بامر مبارک نمود و ازاین اقدامـــات نادم و پشیمان بود و بطورمحبت باحضرت بی بی فاطمـــه و اطفال بلکه با تمام این فامیل سلوک میفرمود و یک چنیـــن چیزی از مالیه خودش باین اطفال قسمـــت داد . انتهی .

ضمیمـــــــه دوازدهم :

شرح واقعه شهادت از این قرار است . (از جلد دوم تاریخ شهدای یزد مالمیری) :

. . . . . و این مقدمات طول کشید تا یوم نهـــم شهر شوال سنه ۱۸ که صبح زود بحکم والا شیپورچی شیپور حاضرباش کشید تمام فراش و غلام سرباز و اجزاء کلا آنچـــه بودند جمع شدند حضرت والا امر فرمودند حضرات بهائـــی را بیاورند چون آن مظلومانرابحضور آوردند اول خطـــاب به حضرت آقاعلی اصفرپور دارانی فرمودند تو جوانی یـــك کلمه تبری کن ترا مرخص نمایم والا الان ترا میکشم حضـــرت شهید مجید رشید فرمودند من جان خود را نثارمحبـــوب خود نموده‌ام لهذا هر کس میخواهد این جان را بگیـــــرد حضرت والا فورا امر بطناب میفرمایند افراسیاب میرغضـــب و فراشها طناب حاضر مینمایند خود حضرت والا بدست خود طناب را گرفته میاندازد بر گردن مبارك حضرت آقا علی اصفر فورا افراسیاب سر طناب را از دست حضرت والا گرفتـــــه و سر طناب را فراشها و آنحضرت را شهید نمودند . ســـن مبارکشان در یوم شهادت نوزده سال و مقتل آنحضـــــرت جلو عمارت پنج دربی پهلوی حوض بزرگ عمارت حکومتـــی است بعد حکم والا شد که چند نفر یهودی ریسمان بپای

مبارك بسته بتمام بازار بگشند وبمیدان برسانند فورا
چند نفر یهودی را حاضر کردند و بموجب حکم والا ریسمان
بپای مبارك بسته و آن جسد مطهر را جلو این ششرنفس
مقدس با طبل و شیپور از قلعه بیرون کشیدند و روبجانب
بازار نهادند و حضرت والا محض تماشا تشریف بردند بالای
قصر حکومتی چون این هیأت مقابل قصر رسیدند جلوی
روی حضرت والا جمعیت توقف کردند چون حضرت آقامهدی
سر زنجیر بودند امر بقتل ایشان شد زنجیر از گردن مبارك
برداشتند و مقابل روی شاهزاده که بالای قصر ایستاده بود
میرغضب در حال قیام سر آن حضرت را برید و مقتل آن
شهید مظلوم پشت تلگرافخانه پهلوی درب کارخانه چراغ
برق مقابل قصر که تقریبا چهل زرع فاصله است و آن پنج
نفس را بالای سر آن حضرت واداشتند و سن مبارکشان
در یوم شهادت شصت سال بود و هنوز حرکت در اعضای
مبارك بود که ریسمانی بپای مبارك بسته بدست چند نفر
دیگر یهودی دادند و آن جسد مطهررا جلومیکشیدند
و می بردند و آن پنج نفس مبارك را با این حالت آوردند
روی حسینیه شاهزاده مقابل درب حظیره ملا صاحب
مناصب و اجزاء حکومت تماما و جمعیت خلق برای تماشا
از حد خارج و باندازه جمعیت است که این میدان حسینیه

شاهزاده باین وسیعی دیگر راه و جا نیست و صدای طبل و شیپورغلغله در شهرانداخته و حضـــــرت والا در بلندی قصر از دورتماشا میفرمایند و حضرت آقاعلی که ســـر زنجیر بودند زنجیر از گردن مبارك برداشتند و افراسیـــاب در حالت ایستاده سر آن حضرت رابرید و آن هیکـــــل مبارك بر زمین افتاد و هنوز حرکت در جسد مطهر بود کـــه خلق آن جسد مبارك را سنگسار کردند چون آن موضع سنگ بسیار بود بقدری سنگ بر جسد اطهرزدند که آن هیکل انور زیر سنگها مستور گردید و مقتل مبارك مقابل درب حظیره ـ نزدیك آب انبار بود وسن مبارکشان در یوم شهادت ســـی سال بود و آن چهارنفس مقدس دیگر را برداشتند و روانـــه شدند چون رسیدند درب مسجد میرزاعبدالکریم میان چهار راه نزدیك خانه شیخ محمد حسن سبزواری در آن موضـــع زنجیر از گردن مبارك حضرت آقاملا علی سبزواری برداشتند که شهید نمایند مبارك خان غلام سیاه پیش خدمت مقـــرب شاهزاده پیش آمد حضور مبارك آقاملا علـی سبزواری عرض نمود اقا من خیلی دلم برای شما میسوزد زیرا شما غریـب هستید یك کلمه تبری کنید من شما را نمیگذارم بکشند و خون شما را سیصد تومان از حضرت والا میخرم حالا افراسیـاب میرغضب کارد در دست گرفته و آماده ایستاده منتظر است

تمام خلق ساکت و صامت محو و مات ایستاده و طبل و شیپور آرام و بی صدا و صاحبان مناصب نزدیکتر از سایر خلق و کل منتظر که آنحضرت چه خواهند فرمود و نفس از احدی بلند نمیشود و آن حضرت بصوت بلند که تمام خلق استماع نمایند فرمودند حضرت سید الشهداء در صحرای کربلا فرمودند هل من ناصرینصرنی و من عرض میکنم هل من ناظر ینظرنی بقسمی فرمودند که خلق استماع نمودند بعد میر غضب کارد کشید سر آن حضرت را ببرد خود ایشان درحالیکه ایستاده بودند سر مبارك را بلند فرمودند گلوی مبارك را برید و آنجا انداخت و سه نفس مقدس دیگررا برداشته با طبل و شیپور و بالابان روانه شدند شخص دهقانی با بیل در دست رسید و آن هیکل والا را بانوك بیل بند بند جدا نمود و بعقیده باطل خویش ثواب میکرد و مقتل آن بزرگوار همان چهارسو بازار میرزاعبدالکریم مقابل درب مسجد و سن مبارکشان تقریباچهل و پنج سال بود و بعد آن سه نفس مقدس رابرداشته روانه شدند و چون رسیدند سرچهارراه بازار صدری نزدیك خانه صدر پشت کاروانسرای افشارزنجیر از گردن حضرت آقا محمد باقر برداشتند دیگر هیچ پرسش و سوالی از ایشان نکردند فورا میرغضب سر مبارك را برید و آنجا انداخت و سن مبارك

در یوم شهادت چهل و دوسال بود ومقتل مبارکشان همانجااست و آن دونفس مقدس و دوروح مصوررا برداشته روانه میدان خان شدند حالا صدای طبل و شیپورد رمیان بازارخان که عبورمیدادند و همهمه و غلغله از حد ذکر و بیان خارج است و دونفس مقدس یکی حضرت آقا علی اصغر و حضرت آقاحسن روحی لهماالفداء با زنجیر و سر زنجیر بدست افراسیاب میرغضب تا اینکه وارد میدان خان نمودند حالا از شدت جمعیت در این میدان و بامهای بازاربقدری جمعیت استکه دیگر راه و جانیست که زنجیر از گردن مبارك حضرت آقاعلی اصغر برداشتند و همینجا لب حوض نزدیك اطاق و تخت داروغه همین طرف که آب حوض بیرون میرود سر آن حضرت رابریدند آن هیکل مطهررا آنجا انداختند و مقتل مبارکشان آنجاست و سن مبارکشان در یوم شهادت بیست و چهارسال بود و حضرت آقاحسن اخوی کوچك آنروح پاکرابردند آن سمت میدان بالای سر حوض آنطرف که آب داخل حوض میشود جلو دکان عطاری روبروی جسد مطهرحضرت اخوی خود آقا علی اصغر زنجیر از گردن لطیف نورانی آن حضرت برداشتند چون حضرت والا بمبارك خان خیلی سفارش فرموده بودند که تاممکن است یك کاری بکنید که این آقاحسن تبری کند

و او را نکشید که من خیلی این جوانرا دوست داشته ام فی الحقیقه این دو برادر نازنین در قد وقامت و هیکل و صورت و لطافت و ظرافت و ملاحت و صباحت مثل و مانند نداشتند بالاخص حضرت آقاحسن که در خلقت چنین صباحت و ملاحت و لطافت و صورت دیده نشده است این امر از خوارق عادات و اعاجیب زمان بود که چنین هیاکل نورانی مبعوث گشتند باری مبارك خان بان حضرت عرض کرد ند دیدی همه را کشتند بیائید شما یك کلمه تبری کنید من شما را بر اسب خود سوار میکنم و جلوی شما تا قلعه میدوم و شما را بحضور حضرت والا میبرم و از آنجا با کمال عزت بخانه خودتان میبرم حضرت والا خیلی میل دارند که شما کشته نشوی حضرت آقا حسن جواب فرمودند زود باشید که رفقاهمه رفتند چون خلق این یك کلمه را از ایشان استماع نمودند کل مأیوس شدند شخص سربازی سر نیزه بربدن مبارك میزند و غلامها باکارد و خنجر و شمشیر و سرنیزه تفنگ برآن هیکل والا آختند همراهان هر یك ضربتی بآن وجود نازنین آوردند و آن بزرگوار در نهایت سکون و قرار ایستاد و منتظر زیاده از اینها که شاید این قفس تن شکسته گردد و آن طیر گلشن تقدیس از این آشیان ترابی پرواز نماید تا اینکه سربازی کارد

گذاشت از سر سینه آن حضرت تا پائین شکم مبارك راپاره کـــرد هنوز ایستاده بودند که دست فروبرد در شکـــم ایشان و امعای مبارکرابدست پیچید بیرون آورد که آن هیکل رحمانی بر زمین افتاد و آنوقت افراسیاب میرغضب کـــارد کشید و سر مطهر آن حضرت را از بدن جدا نمود و جگـــر مبارکش را هم بیرون آورده بدست گرفت وبدست دیگـرش رأس مطهر را روانه شد بعد ازآن گوشت بدن آن حضرت را هر کس قطعه و پاره بریده و برداشتند و رفتند و بعـــد افراسیاب آمد و بر سر جسد مطهر حضرت آقا علـــــی اصغر و پهلوی مبارك ایشانرانیز شکافتند و کبد مبارك آقـا علی اصغر را هم بیرون آورده این دو کبد مبارك را بدست گرفته و سر مبارك حضرت شهید آقاحسن را بر سر نیـــزه تفنگ کردند و تماما روانه قلعه حکومتی شدند افراسیـــاب محض انجام این خدمت از حضرت والا خلعت گرفتـــــه و شیخ محمد تقی سبزواری هم خلعتی بافراسیاب داده و مبارك خان هم از حضـرت والا بواسطه انجام این خدمت بزرگ خلعت فاخری پوشید و لقب و منصب نسق چی باشی یافت و آن سر مبارك و حضرت آقاحسن را بادوکبد بردند جلو حضرت والا و بعد از آنجا بیرون آوردند بدســـت خلق افتاد و سر مبارك حضرت آقا حسن را بردند و در

کوچه آب تفت و بدرخت توت کوچه آب تفت مقابل کوچه
سنگتراشی که قرب بیت شریف آن حضرت بود آویختند وتا
عصر همانروز آن راس مطهر بان درخت توت آویخته بود
و دسته دسته میامدند تماشای آنسرو بعضی سنگ بان
راس مبارك میزدند حضرت متصا عد الی الله آقاعلی اکبر
اخوی بزرگ آن کوکب نورانی نام این درخت توت که
رأس مطهر آنشهید بران آویخته بود درخت واویلا
بدرخت
نهادند والا ن نزد احباب آندرخت واویلا معروف است
کباد
باری آنروز جمیع دکاکین و بازارهارا بستند و خلق بمبار
و عیش و عشرت پرداختند و حکم والا شد که امشب باید
بازارهارا زینت بسته چراغان کنند و طرف عصری مردم بازار
تماما مشغول بستن آئینه و زینت های گوناگون بودند وهمان
روز عصر حکم والا شد که جمعی یهودی بیایند و اجساد
مطهره را ریسمان بپای مبارك هر یك بسته بکشند و ببرند
بیرون شهردر چاهی بیندازند لهذا بر حسب حکم والا
جمعی یهودیها آمدند و این اجساد مطهره را هر کدام
هر جا افتاده بود ریسمان بپای مبارکشا ن بسته کشیدند
بهمراه لجاره خلق از شهر بیرون بردند و جسد مبارك حضرت
آقا حسن را از روی میدان برده بودند درب خانه خود شان
در کوچه سنگتراش نزدیك امامزاده جعفر انداخته بودند

چون حکم بود که تمام اجساد را ببرند لهذا راس مطهره
حضرت آقا حسن را درب خانه خودشان بآن جسد
مبارکشان ملحق نمودند لکن بچه طریق رذالت و فضاحتی
که قلم را یارای حرکت ندارد و آن اینست که ریسمانی براس
مطهرشان بستند و سر ریسمان را از راه مجاری پائین
بدن داخل کرده از شکم پاره شده که خالی از احشاء
و امعاء بود بیرون آوردند و بدست یهود یها داده ازمحله
امامزاده جعفر در میان تمام بازارها کشیدند و بیرون بردند
و بعضی گوشتهای بدن مثل نشستگاه و گوشتهای ران
بریده شد و تمام هیکل عریان سبحان الله چگونه قلم و بیان
بر صفحه این تاریخ حرکت نماید باری اجساد مطهر را
مجتمعا با ازدحام خلق که از حد ذکر و بیان خارج است
مع بعضی از قطعات اجساد مطهره را کشیدند و بردند
بیرون شهر در صحرای سلسبیل که معروفست بتل کوشك
و در چاه یوکه قنوات محمودآباد انداختند و شب بعضی
از احبای الهی رفتند در مقتل های مبارکشان گردش نمودند
و در مقتل هریك از شهداء و هرجاکه سراغ داشتند و هر
یك چیزی از اجزای آن هیاکل مقدسه که آنجا ریخته
بود جمع نمودند و بان چاه رسانیدند و بان اجساد مطهر
ملحق ساختند و سن مبارك حضرت آقاحسن در یوم شهادت

بیست و یکسال بود باری شرح شهادت شـــهدای سبعه را بطریق اختصار در تاریخ مدونه قبل عرض نموده ام و در این تاریخ هم نیز مجملا از آن قیامت کبری که در روز نهم شوال سنه ٤٨ واقع عجالتا مختصری معروض میگردد و امـا در آن شب جمیع بازارها و کاروانسراهای تاجر نشیـــن را چراغان کردند و آئینه بستند و انواع زینتهای گوناگون بـر آنها قرار دادند و بیکدیگر که میرسیدند مبارك باد میگفتند و حضرت والا با تمام اجزاء ببازارها تشریف بردند و بعضی از کاروانسراهای تاجرنشین بحجره بعضی از تجارتشریف بردند و اظهار مرحمتی میفرمودند و بعضی از احبـــاب هم که در بازار دکان داشتند لابد و ناچار دکانهای خود را زینت بسته چراغان کردند و بعضی از اغیار و اهل بـــازار محض عناد بطریق استهزاء میامدند و مبارك باد میگفتند و احباب تمام از جگرهاشان خون جاری بود لیکن لبهایشان خندان اگر اندك آثار حزن و اندوه از احباب مشاهـده مینمودند بنای رذالت میگذاشتند و بطعن و لعن لـــب میگشودند حضرات آقایان افنان کلا لابد و لاعلاج حجره های تجارتی خود را که در سرای خواجه بود چراغان کردنـــد و حضرت والا بحجره های تجارتی حضرات آقایان افنـان تشریف بردند تقریبا یکساعت در حجره تجارتی حضـــرت

حاجی میرزامحمد تقی وکیل الدوله با بعضی از اجزاء ـ نشستند و چای میل فرمودند و من باب بروز عداوت امری اظهار سرور و ممنونیت از این عمل پر سرور میفرمودند وقلوب آقایان افنان چون جیحون خون مواج بود و لیکن جز تسلیم و رضا چاره ای نبود ناچارگاهی تبسمی میکردند در آن شب تا قریب صبح نزدیك آفتاب چراغان طول کشید در یزد تاکنون چنین چراغانی مثل آنشب نشده بود زیرا تمام اهل بازاربلکه تمام اهل شهرضعیفاً و شریفاو صغیرا و کبیرااناثاو ذکوراچراغان راعلی رغم اهل بهاء باکمال میل و رغبت مینمودند تا نصف شب‌متصل اسباب زینت و آئنیه های بزرگ که کمتر دیده شده بود از خانه ها بیرون آوردند و در دیوارها نصب میکردند و در اغلب دکانها سماور بزرگ آتش کرده و بخلق چای‌میدادند و کرسیها گذاشته و اسباب لهو و لعب مهیا ساخته و عربده های جاهلانه و سخنان جگر سوز در حضور اولیاء الهی بر زبان جاری میکردند و نمکهابر جراحات قلوب یاران الهی میریختند و چنان هنگامه ای بود که شرح آن ممکن نه همیشه در اوقات چراغان برای روزهای مخصوص بکلی زن ممنوع از آمدن بازار بود اما در آن لیله اکثر از نسوان آمده وانواع ساز و آواز و عیش و عشرت و اسباب

سرورو مسرت موجود بعضی از طلاب خضاب کرده با جمعی از مریدان در آنشب با کمال تبختر و استکبار عبور و مرور مینمودند و خلق عوام هریك از دورو نزدیك سلام و تعظیم و تکریم میکردند سبحان الله ظلمهائیکه درآنروز واقع بعیش و عشرت های در آنشب و احتراق قلوب احبای الهی و ناله و فغان بازماندگان شهیدان سبیل حق آثارش در عالم بدوام ملك و ملکوت باقی و پاینده خواهد ماند باری تصور آنشب و حال بازماندگان شهدا را نتوانم نمود تا چه رسد بذکر آن در آنشب احدی بخواب نرفت بازماندگان شهداء در این مصیبت کبری درسوزو گداز و احتراق عظیم احبای الهی عموما دراشد حزن و الم و بناله و حنین همدم و اغیارتماما تا صبح در نهایت فرح و سروربه عیش و عشرت مشغول در این ایام تمام حمامهای شهر رونق زاید الوصف یافت و حناگران شد تمام خلق چهل پنجاه هزار حق اطفال شیرخواررا به حمام بردند و حنا بستند و مشایخ نیز خضاب کردند باری پساز این قیامت کبری و مصیبت عظمی عرایض چندی بساحت اقدس عرض شد و الواحی چند بافتخار بعضی در ذکر شهدای سبعه نازل گشت سواد زیارت شهدای سبعه و چند لوح دیگر را در این کتاب مرقوم میدارم .

بسمی المحزون والمسرور

یا قلم الاعلی قد اتت المصیبة الکبری بها ذابت اکبـــاد الاصفیاء و ناحت الاشیاء و سکان مدائن الاسماء قل النور الساطع من افق سماء العطاء و الروح الذی به احیـــی الله اهل الفردوس الاعلی و السلام الذی جعله اللـــه فخر السلام و الصلوة الظاهرة المشرقة من افق ارادة ـ مالك یوم الجزاء علیکم یا مشارق العز و العطاء و مطالـع الانقطاع فی الابداع و مصادر الانفاق فی الافاق اشهـد بذکرکم انجذبت افئدة العشاق و ظهر حکم الاتفـــاق و الاتحاد فی یوم المیثاق بصعود ارواحکم استبشـــر الملاء الاعلی و بانوار وجوهکم تنورت مدائن العز و البهاء اشهد بمصیبتکم صاحت الصخرة و ارتفعت الصیحة و ذرفت دموع اهل الجنة الاحدیة اشهد بکم و بنور استقامتکـــم تزین دیباج کتاب الوفا فی ناسوت الانشاء وبحزنکم فـــی ما ورد علیکم ناح قلب البهاء و صاح قلمه الاعلی وانقطـــع الفیض من سحاب الفضل و العطاء آه آه یا کنوز الوفاء آه آه یا مشارق الانوار فی سماء الذکر و الثناء بمصیبتکم منـع بحر البیان عن امواجه و السدرة عن اثمارها عن الشمـــس عن ضیاءها انّ المقربین ساروا و داروا فی الصحـــاری و البراری و فی الجبال و البواری لیجدوا قطعات اجسادکم و

اجسامكم و يجدوا منها عرف محبة الله موجدكم و محبوبكم و مقصودكم و معبودكم و محبكم طوبى لكم و لمن يحبكم و يزوركم و يزور زائركم اشهد انكم فزتم بالمقام الاعلى و الذروة العلياء و بلغتم مقاما يعزّيكم الله بنفسه و يعزّى ابنائكم و اهلكم و ذرّياتكم فآه آه من ظلم احترقت به افئدة الجنة العلياء و اهل مدائن الانقطاع خلف قلزم الكبريا طوبى لكم يا مشارق النور بين الورى و طوبى لكم يا مطالع الاسماء فى الانشاء قد كان المظلوم ناطقا بذكركم و ثنائكم و ماورد عليكم فى سبيل الله امام الوجه طلعة من طلعات الفردوس الاعلى نادت و قالت يا محبوب الارض و السماء بحزنك كاد ان يرجع الوجود الى العدم ارحم على العالم يا محبوب القدم ان الروح الامين فى هذا الحين نزل من اعلى مقامه بقبيل من الملائكة و الروح ليزور اولیائك و احبائك الذين شربوا رحيق الشهادة فى سبيلك فآه آه يا فوارس ميدان الانقطاع فآه آه يا مطالع اسرار الشهادة فى الابداع اشهد بمصيبتكم بكت عين الله فى مقامه و القلم الاعلى امام وجهه اشهد ان الايات تنوح لبلاياكم والبينات تصيح لرزاياكم لولاكم ما ظهرت اسرار العبودية بين البرية و مقامات التسليم و الرضا بين الخليقة انتم الذين بقيامكم على الامر قام العباد على ما اراده الله فى آلمآب اشهد بكم

فتح باب الجود على مظاهر الوجود وتزعزعت اركان الصفوف والجنود اشهد باقبالكم اقبلت الكائنات الى مطلع الاسماء و الصفاة و بتوجهكم توجهت الممكنات الى منزل الايات وطوبى لارض تشرفت بقدومكم و المقام تزينت بدمائكم و لمحل جهل الله محلا لقطعات ابدانكم بحزنكم منعت نسمة الله عن سريانها والقلم عن جريانه و عرف القميص عن تضوعه اشهد ان ام الكتاب ناح عليكم نيابة عن امهاتكم فصاحت حوريات الغرفات عوضا عن اهلكم واخوانكم طوبى لكم ولا ولكم و آخركم وظاهركم وباطنكم ورحمة الله و بركاته سبحانك اللهم يا الهى سبحانك اللهم يا مقصودى سبحانك اللهم يا رجائى اسئلك بدماء هولاء وقطعات اجسادكم و باستقامتهم و صبرهم و اصطبارهم وباشتعالهم بنار محبتك وتوجههم الى انوار وجهك وبذكرهم واقبالهم فى ايامك و بانفاق ارواحهم فى سبيلك و بخضوعهم و خشوعهم عند ظهورات اوامرك و احكامك ان تزين افئدة الاحزاب بنور محبتك ومعرفتك ثم وفق امراء ارضك و علماء بلادك على اجراء العدل والانصاف فى مملكتك ايرب ترى اصفيائك بين ايدى الظالمين الذين نبذوا عهدك وميثاقك وكفروا بنعمتك وجادلوا بآياتك اسئلك بامواج بحر رحمتك والانوار الساطعة من افق الواحك وبالذين نبذوا دونك واخذوا ما انزلته من سماء

مشیتك و هواء ارادتك ان تبدل ذل اولیائك بعزك و — فقرهم بغنائك ثم اسئلك یاالله الاسماء و فاطر السمـــاء بدماء المسفوكة فی سبیلك یامولی الوری ان تغفرلی ولابی و امی ثم اقض حوائجی و ماورد من سماء فضلك و شمـــس عطائك انك انت الغفارالتواب المقتدرالمشفق الكریم ٠

هوالناطق بالحق والناظربالعدل

یاعبد الباقی امروز از یمین عرش ایوان بزم مزین و ازیســار میدان رزم مشهود و مسموع ضوضای غافلین در ملاء اعلـی سبب جشن عظیم شده قبائل ملائكه روح یكدیگررا بشـــارت میگویند و در تدارك استقبالند چه كه روح مبارك مهـــدی قصد رفیق اعلی نمود لعمرالله رحیق استقامت را از یـــد مولی اخذ نمود و آشامید و سرمست شد قصد لقا فرمـــود و بآن فائز گشت نسئل الله تبارك و تعالی ان یبقیـــك لخدمة امره المبرم المتین انه مجیب السائلین و محبـوب افئدة المقربین ٠

هوالعزیزالعظیـــــم

یا عباس ملیك ناس امروز با كمال فرح و نشاط ذكراهل بساط

مینماید ایشان هفت نفرند که در ارض یاء از ظلم ظالم بی همتا عروج نمودند و بانفاق اکبر فائز شدند طوبی لک یا عباس بما جعلك الله فائزا بذکر نبائه العظیم و امره المتین اشکرالله ربك انه ایدك علی الاقبال اذا اعرض اکثرالعباد و هداك الی صراط المبین .

بسمی المهیمن علی الاسماء

یا علی قبل اکبر ظالم ارض یاء قصد اطفای نورنمود و عمل کرد آنچه راکه از اول دنیاالی حین احدی مرتکب نشده قسم بنور بیان که آنچه کرد سبب اعلای کلمه مبارکه بوده و هست رغما لانفه ولمن معه و یحبه بشارت حقیقی آنکه اولیای الهی قصد صعود نمود و جان در سبیل مقصود عالمیان فدا کرد طوبی لك بما نزل لك هذا الکتاب المبین .

هوالبهی الابهی

یا محمد قبل حسن این ایام نارظلم بید ظالم برافروخته شد و دماء مطهر جمعی از مقربین و مخلصین ارض را منور نمود جسدهای قطعه قطعه را معینی نه و راحمی نه

نسیم سحری بر آنها مرور مینماید و میفرماید وای‌وای بر شما ای اهل یاء بر اطفای انوار معانی قیام نمودید و عمل کردید آنچه راکه ذکرش از دفترعدل محو نمیشود عنقریب ید عدل حکم جزا را مقرر دارد اف لکم و لکل ظالم ظالم اولیاء الله و اصفیائه انه من یعوذ النارمنه الی العزیزالمختار .

هوالناطق بالعدل

یا محمد قبل حسین ظالم ارض یاء آتشی بر افروخته که خاموشی نپذیرد عنقریب جزای اعمال اخذش نماید نسئل الله تبارک وتعالی ان یوید عباده ما ینبغی لایامه و یلیق بشانه انه هوالفیاض الکریم قل لك الحمد یاالهی بماسقیتنی کوثر بیانك من یدعطائك ایرب ارحم من تمسك بك و بایاتك و لا تدعه بین ایادی الظالمین من خلقك انت الذی بامرك نزل کل‌کتاب مبین و کل امرحکیم .

هوالمشرق من افق البیان

یا علی قبل احمد علیك بهاءالله الفرد الاحد انه یذکرك بما یقربك و یامرك بمایبقی به ذکرك فی ایام الله رب العالمین

ان الذئب یعوی فی ارض الیاء و ینوح فیها المقربون بما ورد علی اصفیاء الله و امنائه لعمرالله گرگهای عالم یوسفهای حقیقی را دریدند و سر بریدند آیا عدل الهی این ظلم را قبول میفرماید و نفسه الحق سوف یاخذ الظالمین بقهرمن عنده لا یعزب عن علمه من شئی یفعل مایشاء و یحکم مایرید و هوالآمرالحکیم .

هوالعلیم الخبیر

یا شیخ حسن اشجارطیبه طاهره را بامرظالمی غدار یهودیهای بلده در گود الیهاریختند و از آن ارض قباع مرتفع آیا عبادآن ارض در روز قیام جواب چه میگویند و بچه عذری متمسك میشوند قد ارتکبوامااناح به الرسول و ذاب به کبد البتول و هم فی فرح مبین .

هوالقائم علی العرش

یا حاجی شعبان علیك بهاء ربك الرحمن امروز مظلوم گاهی بر عرش فرح مستوی چه که از کل جهات بشارت و تهنیت ظاهر و هنگامی بر کرسی حزن جالس که نوحه و ندبه

اشیاء مسموع در ارض یاء نباح مرتفع ظالم غافل بگمان آنکه اقلیمی را فتح کرد در شب جشن عظیم برپا نمود از این عمل مراتب و ادراکش معلوم سوف ینوح علی نفسه و یراها فی عذب العلیم البهاء من لدنا علیك و علی الذین شربوا رحیق الوحی من ید عطاء ربهم الکریم ٠

هو المستوی علی عرش البیان

یا اسد الله علیك بهاء الله ایام ایامی است که ظالم بظلم افتخار مینماید و اظهار قدرتو شوکت میکند سبحان الله الوان دنیا اورا بشانی مفرور نمود که ازجزای اعمالش غافل شد لعمرالله قد سبق الظلم فی الظالم الدمشق الفیحاء در لوح حضرت سلطان این کلمات نازل این من حکم فی الزور و این من ظلم فی الفیحاء مقصود از فیحاء شام است یا اسد یوم ظالم کوتاه است و زود است جزای خود را مشاهده نماید ان ربك هوالمنتقم المقتدر القهار اولیای آن ارض باید بحکمت تمسك نمایند و حکمت و اخلاق است که سبب و علت تقرب ناس است نعم ماعمل احبتی فی مدینة عشق نسئل الله تبارك و تعالی ان یمدك و اولیائه بجنود الحکمة و البیان انه هوالعزیز المنان ٠

هوالکریم الرحیـــم

بارحمة اللله در نعمتهای الهی تفکر نما در یك مقام یعنی در مقام اعلی و رتبه علیانفس ظهوراست و در مقامی مـــا ینطق بلسان العظمة و در مقام دیگر مایجری من قلم‌الاعلی امروز نعمتهای معنوی از سماء فضل مخصوص اولیاء نـازل قل کلوامنهاو غدارغمالکل منکرکفاردر سحرگاهان نسیـــم عنایت بر اجساد طاهره مرور نمود و از مرورش این کلمـــه اصفاشد وای وای بر شما ای اهل یاء عمل نمودید آنچـه راکه جبابره و فراعنه ارض ازآن بحق پناه برده‌اند . سـوف یریکم عدل الله جزاء اعمالکم انه هوالعادل الحکیم البهاء والذکرعلیکم و علـی ابناء الخلیل انه هوالکریم الرحیم .

اوست گوینـــده پاینـــده

چشم عدل گریان و انصاف نالان سبحان الله در ایـــران افتخاربظلم و ستم و بیرحمی و اخلاق درندگان صحاری و براری شده و ذئاب جزائر جهل و نادانی اغنام الهـــی را دریدند و خسارت راربح کبیرد انستند امروز حنین اشیاء در ارض یاء مرتفع و فریاد و ناله یوسفهای معانی از چـــاه

جاه ظالمان بلند زخمی عظیم بر صدر عدل وارد و ضربتی محکم بر هیکل انصاف نازل غزالهای صحرای محبت و صفارا صیادهای کین در کمین و اطفال مهد راطاغیان بی شرم و حیاازپی مقام عدل و جنود ش ظلم وعساکرش قائم رحم و در ایران بمثابه عنقابا اسم و بی رسم و انصاف بمثابه کبریت احمر مذکورو غیر مشهود در شب بیست و سوم رمضان غبار دخان عظیم از ضغینه و بغضای منکرین و معرضین بر خاست بشائیکه تجلیات انوار نیر عدل را سترنمود بل محو کرد ومظلوم بیچاره و بی معین آقاعلی و آقاعلی اصغر علیهمابهاءالله وعنایته را درجامع شیخ حسن سبزواری بدون سبب و علت اخذ نمودند و باگماشته والا حاجی نایب با خفت تمام بحضورنواب والا بردند و انواع سعایت را مجری داشتند و بعد بحبس فرستادند و از قرارمذکورآنچه ممکن بود از زخارف اخذ کردند و مرخص نمودند و بعد دخان دیگراز مطالع بغی و فحشاء مرتفع و آن اخذ نفوس مقدسه در کرت اخری بود هفت نفس را اخذ نمودند از جمله جناب ملا علی سبزواری بود و همچنین جناب ملا مهدی علیه بهاءالله وعنایته نواب والا بیکی گفته تبری کن تا خلاص شوی ان منقطع حقیقی فرمود چهل سال است که من منتظر این یوم بوده ام و الحمد الله امروز فائزشده ام ونفس اخری درهنگام

مرور در اسواق بامیر غضب ها و فراشها و رجاله عبـــاد
فرمود یا قوم سید الشهداء فرموده هل من ناصرینصرنی و
من عرض میکنم هل من ناظرینظرنی باری ناربغضابشانی ـ
مشتعل که قلم از ذکرش عاجز این دونفس مبارکه و نفوس اخری
باستقامت تمام جانرافدا نمودند خونهای این نفوس سبـــب
شد که حال اهل ایران بعضی اذکاررا میشنوند و ساکتند
بلکه می پذیرند اهل ایران بانفس خارجه مسّ نمی نمودند
چه که نمود بالله کل را نجس میدانستند ابدا تکلم راجایز
نمی شمردند حال از عنایت این ظهوراعظم ابـــوا ب
معارف باز شده آن توحشهای زائد از اعتدال و اعـــراض
و اعتراضهااز میان برخاست و کل را بحضورو لقابشـــارت
فرمود و فائز نمود دماء عشاق در آفاق معجزه ها نمـــود
و اسباب بســعد را بسیاط بیان دفع کرد و قرب رابـــر
مقامش مقرو ماوی معین فرمود حال اکثری با جمیع احـــزاب
عالم معاشر و محب فی الحقیقه محبتی نسبت بکل ظاهـــر
شده که ظهورش نزد عباد از محالات شمرده شد تبارک ـ
الکریم و ذوالفضل العظیم حال کل بصیرشده اند تاببینند
و سمیع شده اند تا بشنوند انکارجنود اقرارازمیان برداشت
در نفوذ قلم اعلی و اقتدارکلمه علیاتفکر نمائید چگونه تقلیب
فرمود و نزدیك نمود باری نفوس مذکوره را بدترین عذابهای

عالم شهید نمودند یکی را طناب انداختند و کشیدند تا آخر بلد و باقی را از عقب او میزدند و میبردند بعضی باسنگ و بعضی باچوب بعضی با زنجیرو بعضی با سلاح آن هیاکل مقدسه راقطعه قطعه نمودند و بعد آتش زدند و استخوانهارا در گودال ریختند و از قرارمذکورهزار نفس روبصحراء گذارده اند معلوم نیست بکجا رفته اند وچه شده اند واحدی در آن ایام از عیال و اطفال آن مظلومها سئوالی ننمود وازبیم وخوف نزدیك نرفت آن مظلومها بی قوت ماندند و ازقرار مذکوربعضی از ملت حضرت روح ایدهم الله در سرسر من غیر اطلاع احدی دستگیری نمودند وقوت یومیه را ارسال داشته اند یا حبیب روحانی امروز ناله سنگ ریزه هااز صحرامرتفع و حنین اشجاربلند آن یوم بامر حکومت ناس عید گرفتند و جشن بزرگی برپاگویااقلیمی فتح نمودند سبحان الله ظلم و بیشعوری بمقامی رسید که اهل آسمانهاو زمین هاکل را متحیر نمود سوف یرون جزاء اعمالهم چه که بعد هرظلمی نور عدل مشرق و بعد هر اعتسا فی تجلی نیر انصاف باهردر جمیع احوال نسئل الله تبارك و تعالی یؤیدعباده علی الاقبال و علی التدارك علی مافات عنهم فی اللیالی و الایام انه هوالغفورالعلام . . . .

انتهی .

این چند سطر که در اواخر لوح مبارك است گویا از سه کلمات میرزا مجد الدین باشد " یا حبیب روحانی و برادر نورانی حسب الامر این فقیر زیارت شید الشهداء ارسال نمود باید صورت آن باطراف برود و همچنین لوحی از الواحیکه مخصوص اولیای ارض نازل شده ارسال شد فرمودند فی الجمله با آنچه واقع شد اختلاف دارد و لیکن مطابق است باآنچه از ارض یاء رسیده حنیئالشهداء ذلك المدینة مربئالهم سه یوم مکرر ذکرشان و مصائبشان از قلم اعلی نازل بالیتنی کنت معهم مجد . . . . . انتهی .

شهادت ملا ابراهیم مسئله کوی یزدی روز ۱٤ شوال المکرم و شرح آن واقعه ازین قراراست :(تاریخ عالمیری ج ۲)

. . . . . باری بعد از شهادت شهدای سبعه که یوم دهم شوال بود علماء بعرض والا رسانیدند که در این شهر شخصی است از علماء که اسم ایشان حاجی ملا محمد ابراهیم مسئله گوست این شخص عالم بکلیه مسائل دینیه اسلام است و محل وثوق و اعتماد اهل این بلد است حال چندین سال است این شخص بهائی شده است و آنچه در یزد ازدین بیرون میروند تمام بواسطه همین شخص است خوبست حضرت والا باعث و بانی را قلع وقمع فرمایند . و این شخص را از میان بردارید والا حضرت والا هفت نفرراکشتید

احتمال میدهد که حاجی ملا محمد ابراهیم بفاصله یکماه هفتاد نفررا بهائی نماید زیرا این شخص عالم و مطلع بجمیع اخبارو احادیث و آیات قران است و همه خلق این شخص را متدین و پرهیزکارمیدانند و صاحب نطق و بیان است و کلام این شخص در یزد بسیار موثر است اگر حضرت والا مصلحت بدانند گشتن این شخص اهمیتش از آن هفت نفر بیشتر است حضرت والا فرموده بود او کجاست عرض کرده بودند اوچندی است به تفت رفته بود و در تفت بعضی را ـ تبلیغ و از آنجا بمنشاد رفته است و منشاد بهائی قدیمی بسیار است و الان در آنجا مشغول تبلیغ است حضرت والا فوراحاجی نایب را طلبیده فرمودند الان باچند نفر سوار روانه تفت میشوید حاجی ملا محمد ابراهیم مسئله گو معروفست اگر در تفت است ویادر منشا درفته است او را گرفته تحت الحفظ بشهربیاورید حاجی نایب از حضور والا مرخص شده با چند نفرسوار روانه تفت میگردد چون به تفت رسیدند و از حال ایشان مستفسر گشته معلوم شد که بمنشاد تشریف بردند لهذا حاجی نایب چند نفرپیاده از اشرارو الواط تفتی را با خود برداشته محض راهنمائی و گرفتن حضرت حاجی روانه منشاد میشوند در تفت یکی از احبای الهی از ورود مامورین برای اخذ حضرت حاجی

مطلع میشود فوراقبل از ورود مامورین بمنشاد قضیه رابه احبای منشاد خبر میدهد . حضرات احبا حاجی را از منشاد بیرون برده در مغاره کوه پنهان میکنند فرداصبح حضرات مامورین باعده ای از اشرار تفت وارد منشاد شدند و بهمان خانه که منزلشان بود وارد میشوند آن حضرت رانیافتند لهذاآن چند نفرتفتی ها باجمعی از اشرارمنشاد درطلب و جستجوی ایشان برآمدند بنای کوه کوهی میگذارند که هر جا باشد ایشانراپیداکنند تا اینکه آنحضرت را در مغاره کوه پیداکردند و داخل ده نموده و بنای ایذاء و اذیت فوق الطاقه بانحضرت گذاردند و پول میخواستند ایشان که پول نداشتند بدهند بالاخره چوب و فلك حاضر نمودند پاهای مبارك حضرت حاجی ملا محمد ابراهیم پیرمرد هفتاد ساله را در فلك گذاردند چوب زدند احباب منشاد ملاحظه کردند اگر پیش نروند و سکوت نمایند جان حضرت حاجی تلف میشود و اگرهم پیش بروند و گفتگوئی بنمایند و پول بدهند احتمال کلی دارد که فوراخودآنها را گرفته زنجیر نمایند ولی متوکل علی الله چند نفر از احباء پیش رفته مبلغی پول دادند حضرت حاجی را از فلك باز کردند باری بعد از آنکه مبلغ کلی پول گرفتند حضرت حاجی راباغل و زنجیربر قاطرسوار کرده روانه شهرمیشوند

چون بباغ ناصریه که دوفرسخی شهر است و معروف است
بباغ خان و حاجی نایب بشهر خبر داد و حضرت والا ـ
عده از سرباز باطبل و شیپور و عده سوار و جمعی فراشها
با ترکه در دست جلوحاجی فرستادند و ایشانرا با ایـــن
دستگاه وارد شهر نمودند در حالیکه تمام اهل شهروضیعا
و شریفا اناثا و ذکورا از پشت دروازه شهرالی قلعه حکومتی
برای تماشاایستاده که بکلی راه برای عبورو مرور مســـدود
است و همه جا آن حضرت را در میان کوچه سوارو سربـــاز
با طبل و شیپور در وسط شهر آوردند و در بین راه خلـــق
بسیار صدمه یدی و لسانی بان حضرت واردآوردند باایـــن
حالت وارد قلعه نمودند بحضور والا بردند اما از شـــدت
صدمه که بر هیکل مبارکشان وارد آمده بسود دیگر حالت
گفت و شنود برای ایشان نمانده بودآن صدمات چوب
خوردن در منشا در بین راه واین صدمات ورود بشهـــر
با ضعف و نقاهت و پیری حضرت والا ملتفت شدند که ایشان
از شدت صدمه و بلایای وارده دیگر حالت سئوال و جواب
ندارند فرمودند حال حاجی را بریدبه حمام معلوم میشود
که در این سفر خیلی صدمه کشیدند ایشا نرابریدبحمـــام
که قدری از کسالت بیرون بیایند لهذا ایشانرابردند بحمام
و خودشان فرمودند یك نفر بروند بمنزل ما یکدســـــت

لباس شسته و پاك گرفته بیاورند فراش را فرستادند در بیت شریفشان خبر دادند تا اینکه از خانه خودشان یکدست لباس سفید پاك بجهت ایشان آوردند حضرت ایشان از حمام بیرون تشریف آورده چون در قلعه منزل خصوصی بجهت ایشان معین نموده بودند تشریف بردند در آن منزل قدری خواب و استراحت فرمودند حضرت والا شب ایشانرا در خلوت طلبیده پس از احوالپرسی فرمودند جناب حاجی شما بابی هستید فرموده بودند خیر من بابی نیستم بهائی هستم حضرت والا سئوال کردند بابی و بهائی چیست حضرت حاجی فرق بابی و بهائی را بیان فرمودند و گفتگوئی در آن مجلس خیلی طول کشید بود شاهزاده خیلی اظهار محبت نسبت بحضرت حاجی ملا محمد ابراهیم نمودند تا آخر شب بعد از صرف شام حضرت والا جناب حاجی را مرخص فرمودند که شما تشریف ببرید منزل خودتان و بافراش مخصوص و چراغ بکمال احترام ایشانرا بخانه خودشان فرستادند و حضرت حاجی آنشب را استراحت فرمودند تا فردا عصریکه روز چهارده‌م شهر شوال سنه ۴۸ بود که حضرت والا بعزم صحرا و گردش خواستند سوار شوند الاغ سفید مخصوص سواری خودشانرا برای سواری حضرت حاجی معین فرمودند و فراش فرستادند خدمت

حضرت ملا ابراهیم که حضرت والا بصحراگردش تشریف
میبرند و الاغ سواری خود شانرابجهت شما معین فرمودند
تشریف بیاورید سوار شوید بهمراه حضرت والا برویـــد
بصحرابرای سیرگردش و آن شخص رافع بحضرت حاجی عرض
میکند که حضرت والا خیلی التفات بشما دارند باری حضرت
حاجی تشریف میبرند به قلعه و فراشباشی بحضرت والا خبر
میدهد جناب حاجی ملا محمد ابراهیم تشریف آوردنـــد
فورابیرون تشریف آورده سوار شدند و الاغ سفید بـــا
زینت تمام و سریراق طلا آوردند و فرمودند جناب حاجـی
سوارشوید قدری برویم صحرا برای گردش حضرت حاجـی
سـوار میشوند با لباس سفید و محاسن سفید و باهیکـل
زیباو وجه نورانی سوار چنین الاغ پرزینت شده اند وحضرت
والا با جمعی از نوکرهای مخصوص مثل حاجی نایـــب
و مبارك خان و صاحب جمع و نایب هاشم خان و میر پنـج
و منشی باشی تقریبا دوازده نفرصاحبان مناصب دررکاب
حضرت حاجی ملا محمد ابراهیم سوار میشوند حضرت والا
بحضرت حاجی ملا محمد ابراهیم میفرمایند جناب حاجـی
شماهمه جا الاغ را جلو ببرید که از گرد و غباراسبها محفوظ
باشید لهذا حضرت حاجی همه جا تقریبا بیست قدم جلو
میرفتند تا بمزرعه محمودی که تقریبایك فرسخ است تاشهـر

تشریف برد ند و از آنجا برگشته و روبشهرمراجعت نمود نـد
و باز د ر مراجعت هم الاغ حضرت حاجی را جلو انداختند
اول حضرت والا تفنگ کشیده یك گلوله بر پشت مبـــارك
حضرت حاجی میزند که فوراً از الاغ پرید ند و برزمیـــــن
خورد ند و بمجرد اینکه بر زمین افتاد ند حاجی نایـــب
و هاشم خان و سایرین هفت یا هشت گلوله بربد ن نازنیـن
آن حضرت زد ند و بد رجه شهادت کبری فائز گشتنـــد
الما قبة للمتقین پس از آن حضرت والا پیاده شد ند وبـــه
همراهان امر فرمود ند پهلوی یکی از این تلهای ریگ راحفر
نمایند و جسد ایشانرا دفن کنید لهذا گوشه تلی را حفـــر
نمود ند و جسد مطهر آن حضرت را با تمام لباس زیـــر
ریگها دفن فرمود ند و روی ریگها راصاف کرد ند که ابـــدا
معلوم نشود که ریگها بهم خورده است و آن مقام شـــریف
را محو نمود ند که بکلی از آثار خون و مقتل و نشانـــه‌ای
از لباس و غیره ابداً ابداً معلوم نشد چند روز اول که ایـــن
امر لایذکرو حضرت ملا محمد ابراهیم مفقود بود ند واحد ی
هم جرئت اینکه از حال حضرت حاجی از شا هـــزاده
و همراهان جویا شود نداشت تا اینکه پس از چنـــدی
خورد خورد بروز کرد که حضرت حاجی ملا محمد ابراهیم را در
صحراشهید کرد ند آن وقت خال محترم ایشان بابعضـــی

از احباء مکرربان صحرا رفتند و گردش کردند و اثری نیافتند تا یکروز حضرت آقامهدی پسر بزرگی حضرت حاجی در حوالی مزرعه محمودی در میان تلهای ریگ کلاه زینز عمامه حضرت حاجی را پیدا کردند که آنجا افتاده بود دیگر هیچ آثاری از آن حضرت بدست نیامد تا اینکه شش سنه از این مقدمه گذشت مجدداً حضرت والا حاکم یزد شد ولی حقیقتاً در این سفر اخیر حال حضرت والا بخلاف سابق کمال همراهی از هر حیث نسبت باحباءالله میفرمودند که تمام علماء و اهالی یزد میگفتند در این سفر شاهزاده بهائی شده است و علناتقویت و طرفداری بامرالله واحباءالله میفرمودند تا اینکه حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر به یزد تشریف آوردند بعضی شبها در قلعه منزل شاهزاده تشریف میبردند و صحبت امری میداشتند حضرت ایادی میفرمودند شاهزاده تصدیق امرالله داده باری روزی این عبد حاجی محمد طاهرمالمیری بحضرت ابن ابهر عرض کردم که حضرت حاجی ملا محمد ابراهیم را در صحراشهید کردند و احباآنچه گردش کردند در این حدود مزرعه محمودی یافت نشد از حضرت والا جویاشوید که در سفر اول که حضرت ملا محمد ابراهیم را شهید نمودند جسد مطهرش را کجا در کدام نقطه دفن فرمودند . فرمودند من این

مطلب رابشاهزاده نمیگوییم زیرا خجالت میکشد بعدها پیدا خواهد شد ولو اینکه نفوسی در خواب ببینند بالاخره پیدا خواهد شد باری پس از شهادت آن حضرت لوح زیارت حضرت شهید جناب حاجی ملا محمد ابراهیم از ساحت اقدس رسید سواد آن لوح مبارک ذیلا درج میگردد .

یزد ــ زیارت حاجی ملا ابراهیم یزدی .

هــــــواللــــــه

التحیة المقدسه المنبعثة من قلوب الابرار الفائضة فی ملکوت الاسرار تحف مرقدک الطیب الطاهر الساطع بالانوار یامن آمن بالله و آیاته و صدق بکلماته و استنشق من نفحاته وحشر تحت رایاته و نطق ببیانه و تجرع صهباء الفدا من کاس الشهادة الکبری فی سبیل الله وهتکه و فتکه ایادی العدوان و سفکت دمه علی الثری واذاقته سم الردی و قطعته اربا اربا فیا طوبی لک من هذه الشهادة الکبری و یا بشری لک من هذا الفداء و یا فرحالک من هذه الموهبة الکبری لک من هذه الباساء و الضراء شهد بانک استشرقت من نیر الافاق و فزت بنور الاشراق و ثبت علی المیثاق فی یوم الفراق الی ان تجرعت رحیق المختوم

من السيف المسموم و رجعت الى الحى القيوم طيباطاهـــرا مـــن هذا الصقـــع المشئوم اسئل الله ان يطيب رســـك بصيّب الرحمة و يمطرمرقدك بطيب الغفران و يجعلـــك آية الاحسان لكل من يوُم جَدَثك و يزور مرقدك انه يعطـــى الفضل لمن يشاء وانه هوالباذل الوافى الكافى لعبـــاده الاصفياء و عليك الرحمة والرضوان .

ع ع

ضمیمـــــــه سیزدهـــــم .

مرحوم آقاسید مهدی گلپایگانی قطعه ای در تاریـــــــخ وفاتش فرموده است :

بود باقی دوروز از شعبـــــــان
زاتفاق قضـــــاو اسبابـــــــا
جوهر صدق و صفوت و موهـــوب
گشت راجع بسوی وهابـــــــــا
سوخت زین ماجراو گریان گشـــت
دل اغیارو چشـــم احبابـــــــا
فسئلت النهی عن التاریـــــــخ
قال لی نیرالهدی غابـــــــا

ضمیمـــــــه چهاردهـــم :

یکی از مؤمنین مشتعل منجذب بنارمحبت اللـــــه حضرت آقاغلام حسین بنادگی بودند و اغلب در شهرد کا ن داشتند و بتخت کشی مشغول بودند و همیشه اوقات مسرور و شادمان و آنی و دقیقه ای آرام نداشتند و متصلا خلـق رانصیحت میفرمودند و در فصل تابستان باعیال به بنـادگ تشریف میبردند و آنجا قدری ملك داشتند ولکن بـــــآن امورشان نمی گذشت در ضمن مشغول تخت کشی در سنـه شهادت شهدای سبعه وقتیکه حاجی نایب بمنشا درفـت برای گرفتن حضرت حاجی ملا ابراهیم مسئله گو درمراجعت اهل بنادگ بحاجی نایب گفتند شما اگر عقب بهائـــــی میگردید این آقاغلامحسین تخت کـــش بهائی است حاجـی نایب ایشا نراگرفت که همراه خود بشهرببرد چند نفرد راویـش در بنادگ جمع بودند جمع شدند و بحاجی نایب گفتنـــــد ما نمیگذاریم جناب آقاغلامحسین رابشهرببرید این شخـــص مرشد و مراد همه در اویش است و ما عموم فقراکه به بنادگ ــ آمده ایم بواسطه این وجود مبارك است اگر الآن بمااذن ــ بدهند تمام شمارا باتبرزینها خورد میکنیم بلکه اگراذن بدهـد جان خود رانثارش میکنیم چگونه ما میگذاریم که این وجـــود مبارك نزد شما محبوس باشد امروز روزی است که یاباید تمام

ماها کشته شو یم یا اینکه نمیگذاریم او رابشهربیرید حاجی نایب دید که کارسخت است ترسید که شاید دراویش دست درآرند و او هم آنوقت لابد است بزند شاید فسادی بشود و مواخذه گردد و حکمی هم ندارد که این شخص را گرفته بشهر برد لهذا حضرت آقاغلامحسین رامرخص نمود تااینکه تقریباشش سنه از این مقدمه گذشت در سنه ۵۵ظهور مبارك یا زدهم محرم آن حضرت در دکان نشسته بودند و مشغول بکسب خود بودند شخصی آمد و یك زوج تخت گیوه ازایشان بخرد سرقیمت آن گفتگوپیش آورد و تمام مقصودش فساد بود ایشان فرمودند قیمت گیوه شش هزار دیناراست اگرمیل دارید بخرید کمتر نمیدهم او هم گفت چهارهزار دیناربالاخره بنای رذالت را گذارده و دیگر ایشان هیچ جوابش ندادند ساکت و صامت مشغول کار خود شدند آن شخص شریر دست برنداشت کم کم خلق جمع شدند حالا آن شخص تخت ملکی را برداشته زیر بغل خود گرفت و رذالت و فحاشی مینماید و متصل میگوید تو بابی هستی از دکان بیاپائین برویم خانه شیخ محمد جعفرسبزواری عقیده خودرا بیان کن ایشان میفرمایند تخت گیوه شش قران کمتر نمیدهم پولش را بده و اگر نمیخواهی تخت رابده باز میگوید تو بابی هستی میفرماید قیمت تخت

شش قران است کمتر نمید هم تا چند مرتبه جواب او را بهمین طریق دادند عاقبت دست برنداشت تا اینکه فرمودند هر کجا میخواهی همراهت میایم ولی تخت رابده بگذارم در دکان و آنوقت هرجاکه میخواهی همراه میروم حالا تخت رازیربغل گرفته فریاد میزند ومیگوید مردم این شخص بابی است ایشان میفرمایند تخت گیوه که بابی نیست تخت گیوه راپس بده منکه بابی هستم همراه تو میایم لیکن تخت گیوه رانمیدهد حالا کم کم قریب پانصد نفرخلق جمع شده اند آخرالامرآن حضرت راازدکان پائین کشیدند و آن شخص بی انصاف تخت گیوه رابرداشت و زیر بغل گرفته و بدست دیگرش دست مبارك ایشا نراگرفته میکشیدند و آمدند درب دکان خبازی جعفرجوهر که درب حمام صدری بود جعفرجوهراز کیفیت مطلع شد با آن شخص گفت این تخت گیوه رابده بمن ببینم تخت راگرفته گفت این آقاغلامحسین بابی است گفت بلی جعفرجوهر گفت این گیوه که بابی نیست گفت خیرگفت بسیارخوب این تخت گیوه نزد من باشد بااین آقاغلامحسین چه سخنی داری گفت باید بیاید خانه آقاشیخ محمد جعفر حجةالاسلام سبزواری گفت بسیارخوب بروید حالا جمعیت تماشا چی از حد اندازه خارج است آن حضرت رابردند خانه شیخ و خبر

دادند که جمعیت کثیری یك شخص بابی راگرفته آورد نـد
خدمت شما چه میفرمائید گفته بود بیاورید ش اندرون خانـه
لهذا آن حضرت رابردند نزد شیخ روی تخت نشسته بود چند
کلمه باایشان گفتگوکرد همینقدر معلوم شد ایشان بهـائی
هستند امربحبس داد در اطاق خانه شیخ حبس نمودند
و چند نفراز نوکرهای خود رافرستاد عقب چند نفراز علمـاء
پس از ساعتی ملا حسن ولد آن حاجی ملا باقرارد کـانی
و ملا صادق آمدند و روی تخت که وسط خانه گذارده بود
جالس شدند بعد شیخ جعفرتفصیل را بیان نمود و آقـا
غلامحسین بنادگی که معروف باسم بهائی است او راگرفتند
من او را حبس کردم تا شماها تشریف بیاورید بعد گفت آن
شخص بهائی رابیاورید بعد آن حضرت راآوردند شیـخ
گفت بیائید بالای تخت درگوشه تخت که فرش نداشت ایشانرا
نشاندند و علماء از عقیده ایشان پرسیدند فرمودند مـن
اقرارمیکنم بوحدانیت خداوند ونبوت انبیاء از آدم تـا
خاتم النبیین صلی الله علیه واله و سلم و اقرارو اعتراف دارم
بولایت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش گفتند بسیار خوب حـالا
بگوئید ببینم بابی هستید فرمودند خیر شیخ گفت خیـلی
خوب یك کلمه لعن کن و بروعقب کارت فرمودند بکی لعـن
کنم شیخ اسم برد فرمودند آیانورآفتاب به پف کردن مـن

خاموش میشود آیا دریابد من سگ نجس میگردد بنده
تکلیف خود را نمیدانم بکسی تبری کنم دربین این گفتگو بودند
گاهی آهسته وبلند میفرمودند قدری صبر کنید نزدیك است وآن
این بود که این خانه باندازه پرو مملواز جمعیت است که
دیگر راه و جا نیست و جمع کثیری زیر تخت نشسته بودند
و چون حضرت آقاغلامحسین روی فرش نبودند از شکاف
تخت تیغ چاقوهای فرنگی فروبرده بپاهای مبارك و در
نشست گاه آن حضرت فرومیبردند و آن حضرت تحمل
میفرمودند و بکلی حرکت نمیفرمودند ضاربین گمان میکردند
که در گوشت نمیخورد و حال آنکه تیغ های چاقو پر ازخون
میشود و چون جزع و نزع نمیفرمودند تا اینکه از روزنه تختها
و شکاف چوبها خون جاری شد گاهی آهسته میفرمودند
قدری صبر کنید نزدیك است نزدیك است جاهلی گفت
از بس چرس کشیده گوشت بدنش خرف شده اینقدر که
چاقوبدنش میزنند نمیفهمد این دفعه محکمتر از پیش
میزدند از شکاف تخت خون سرازیر شده میریخت تااینکه
شیخ محمد جعفرقلمدان برداشت باقدری کاغذ گذاشت
جلوعلماء که حکم قتل بنویسند هریك تعارف یکدیگر
نمودند و این کاغذ و قلمدان را باکمال افتخارو عشوه
و ناز جلویکدیگر میگذاشتند و بهمدیگرمیگفتند شما بفرمائید

الحاصل شیخ جعفر حکم قتل را نوشت و مهرکرد و گذاشت جلو آنها هریك مهر کرده بعد شیخ گفت کفرش ثابت شد سید حسین نام گازرگاهی که معروف بود به سید کچه کج آن حضرت را از عقب سر همین قسم که نشسته بودند پس کشید و پائین انداخت و چاقوی پر از خون در دست داشت که بر پاهای ایشان میزد سر مبارك را در این حالت برید و بعد از سر بریدن هنوز آن هیکل انور در حرکت بود که اکثر آن نفوس هریك با چاقو زخمی یا با اسباب دیگر ضربتی یا جراحتی بآن حضرت وارد آوردند وآن سید حسین کچه کج که قاتل آن حضرت بود چاقو ودستهایش پر از خون بود آمد لب حوض چاقو و دستش را میشست رو کرد به خلق و گفت آخر معلوم شد که این شخص چه گفته بود که اورا کشتیم بعضی که اطراف حوض ایستاده بودند گفتند ما هم نفهمیدیم و حال آنکه جمیع اینها ضارب بودند بعد تکه ریسمانی آورده به پای مبارکشان بسته از خانه شیخ بیرون کشیدند و بردند روی میدان میر چخماق پای کلك انداختند و بعد شیشه پر از نفت آوردند و بر روی آن جسد پاره پاره ریختند و آتش زدند و نزدیك غروب آفتاب با زریسمانی بپای مبارك بسته وآن جسد نیمه سوخته را آوردند و انداختند درب بیت

شریف حضرت افنان سدره مبارکه آقای حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله و رفتند آن شب تا صبح آن جسد مظهر درآن محل افتاده بود و درآن شب بعضی از افنان سدره مبارکه به زیارت آن شهید مظلوم آمدند و زیارت کردند و صبح باز جمعی آمدند آن جسد مبارك را کشیدند وبردند فضای پشت میر چخماق مقابل درب مسجد طرف حوض خانه و جوب زیر طاق نمای مدرسه خرابه انداختند وآنجا یك پا و نصف جسد مبارك را به ریسمان بسته کشیدند و بردند درکوچه پشت باغ زیر بازارچه طرف باغك انداختند و بعضی از اجزاء آن هیکل مقدس رادر همان موضع مدرسه خرابه گودی بود در مقابل درب مسجد میر چخماق درآن گودی ریختند و بعضی کثافات و گواره شکسته ازقبیل سنگ و خاك و خاشاك روی آن جسد مطهر ریختند والان درهمان زیر طاق نمای زمین مدرسه خرابه مقابل درب مسجد مدفون است . سن مبارکشان در یوم شهادت پنجاه و دو سال بود روز شنبه یازدهم محرم سنه ۵۰ از ظهور مبارك بود .

ضمیمـــــه پانزدهـــم :

و یکی از موءمنین قانع صا برشاکر برد بارنیکوکارحضرت حاجی سید هاشم کفاش است که ایشان مشغول تجـــارت هستند و در امرتجارت بسیار خوش حساب و صاحب گذشت و ضررپهلوو خوش قلب و خوشنیت و مصلح و خیرخواهنـــد در سنه ۷ ه جواد طرف حساب بـــود یا حاجی سید هاشم در سرحساب بنای گفتگو و رذالت گذاشت و بامرالله فحاشی نمود پس از آن رفت نزد میرزاابوالحسن مدرس که حاجـــی سید هاشم کفرگفته است سید ابوالحسن مدرس میفرستـــد نزد چند نفراز علماء که حاجی سید هاشم نسبـــت بدیـــن اسلام ناسزاگفته است تشریف بیاورید در مصلی صفدرخان تابفرستیم در بازارارگ و کسانیکه شنیده اند حاجی سیـــد هاشم کفر گفته بیایند شهادت بدهند چون علماء جمع شدند باهل بازارخبرداد ند که هرکس شهادت دارد بیاید و نیـــز فرستادند عقب جناب حاجی ایشانراهم بمصلی صفدرخان که محل درس و بحث طلاب است آوردند و در یکـــی از اطاقهای مصلی حبس کردند مردم جوقه جوقه آمدند هریك چیزی گفتند کل شهادت دادند که حاجی بهائیست علمـاء خواستند حکم قتل ایشانرانوشته مهر نمایند و آنوقـــت حضرت ایشانراازحبس بیرون آورده شهید نمایند حالا خورد

خورد جمعیت کثیری در مصلی جمع شدند انسته حکومت یزد حاجی سهام الملك شخص چاره جوی فعال مدبر و خیرخواهی بود چون از قضیه مطلع گشت فورا امرکرد شیپورچی شیپورآماده باش کشیده و خود ش با تعلیمی دست دوید سراصطبل و براسب چهارنعل بدون زین سوارشد و امر کرد تمام عده موجود از عقب بشتابند که شهر بهم خورده و از قلعه حکومتی بیرون تاخت و روبجانب مصلی شتافت سواره داخل مصلی تاخت که فورا آنچه غلام بود با تفنگ و تمام فراش باترکه های دردست تمام از عقب دویدند ومشاهده نمود که جوقه از علما در زیر چهار طاقی وسط مدرسه نشسته مشغول نوشتن حکم قتل هستند که اسب را نهیب زده تاخت از میان جمعیت روبجانب چهارطاقی که علماء نشسته بودند خلق از این طرف و آنطرف بر روی هم ریختند کوچه دادند که شاهزاده جلو و غلام و فراشها در عقب چون رسید گفت پسر و سوخته های مفسد میخواهید فساد کنید و شهررا بهم بزنید حکم بشلیك داد . غلامان فورا فشنگ هارا در تفنگ گذارده روبجانب خلق نمود که فراشها باترکه های دردست بنای زدن گذاردند که خلق کانهم جراد منتشر شدند از سه طرف درهای مصلی روبفرارنهادند بشائیکه روی هم

ریختند پای برفرق یکدیگر گذاردند و فرار کردند علماء نیز فرار کردند شاهزاده فرمود کلید قفل را بیاورید میرزا ابوالحسن جرات نکرد بگوید که کلید قفل نزد من است امر کرد قفل را شکستند و حضرت حاجی سید هاشم را برداشت و بقلعه حکومتی برد و چون شب شد ایشا نرا مرخص نمود این شاهزاده مهدی قلی میرزای سهام الملك در سر سر بهائی بود و بسیار شخص شجاع و مدبری بود و در میان رجال دولت و وزراء و امراء ایران چنین شخص دلیر و با کفایتی نبود در جنگ هرات باعده قلیلی هشتاد هزار نفر را در دو سفر شکست داد و فاتح گشت رضا خان عرب شیبانی یازده سنه در مملکت فارس یاغی و طاغی با دولت ایران بود باعده کثیری از اعراب بغارت و چپاول مشغول و با یازده ایالت فارس جنگیده و همیشه جاسوس در اطراف و اکناف برای حفظ خود میگماشت بالاخره ناصرالدین شاه سلطان ایران شاهزاده حاجی سهام الملك را برای قلع و قمع رضا خان مامور کرد و شاهزاده باعده قلیلی با یك توپ شربنل بیست و چهارفرسخ بی راهه شبانه به تلی که مشرف بقلعه رضا خان بود رسانند و همینکه صبح هوا روشن شد چند گلوله توپ بقلعه رضا خان انداخت رضا خان با عده سوارعرب از قلعه بیرون تاخت و روبجانب توپ شتافت

شاهزاده قدری تامل کرده دست نگاهداشت همینکه نزدیك بتیررس رسید امر بشلیك کرد رضا خان باچند نفر تیر خورده فرارکردند که عده کثیری بر حسب وعده و دست وریکه داده بود از شیراز به امداد شاهزاده در این موقع اینجا حاضر باشد رسید قلعه رضاخان راغارت و اهل و عیال و دوپسر و برادرش را دست گیر نمود .

ضمیمه شانزدهم :

شرح واقعه از این قرار است :

جناب حاجی محمد طاهرمالمیری در ص ۱۰۹ از اصل نسخه‌کتاب شهادت شهدای یزد چنین فرموده است:

" و اما شرح شهادت خدیجه سلطان خانم روحی لتربتها الفدا در یوم دهم شهرربیع الثانی ۶۱ که آن ورقهٔ طیبه مقدسه امةالله حضرت خدیجه خانم بنت حاجی رجب و زوجه مرحوم حاجی علینقی والده حضرت آقا غلامرضای شهید در خانه نشسته بودند که غلامرضا ولد حاجی علی اکبر برادر کلانترو احمد ولد حاجی غلامرضا و غلامرضا روحانی ریختند در خانه وان مخدره را از خانه بیرون آوردند داو آن مظلومه را بردند بخانه محمد کلانتر و ایشانرا امر بسب مینمایند ایشان میفرمایند چه بگویم میگویند بدین بهائی لعن کن ایشان میفرمایند شما بدین خودتان لعن میکنید که بمن میگوئید بدین خودت لعن کن محمد کلانترمیگویند این را از خانه من بیرون ببرید که آن اشرار آن مخدره را برداشته میبرند روی حسینیه میانده میگویند بد بگووالاّ ازین تکیه پائین میاندازیم ایشان میفرمایند من عمر خودم را کرده ام و در دین مبین بهائی کمال یقین و ثبوت و رسوخ حاصل نموده ام و دیگر کاری باین عالم

ند ارم هرکارکه میخواهید بکنید که آن حضرت را میبرند
بالای بام حسینیه و چند ضربت چوب بر فرق انحضرت
میزنند و اکثر خلق منشا دانا ثاو ذکورا در این حسینیه
برای تماشا جمع میشوند که قرار است خدیجه سلطانرا از تکیه
پرت کنند تا اینکه غلامرضای ولد حسین احمد و علی
ولد حاجی علی اکبربرادرمحمد کلانترو احمد حاجی غلام
آنحضرت را بردند بالای بلندی بپائین بیاندازند
آن مخدره چادرخودرادو رسروصورت و بدن مبارك خود
پیچیده ایشانرابطرف پائین انداختند و بعداز شهادت
زنهای شریره منشاد چادرمتعه آنحضرت را بردند و گروه
مرد و زن منشادی اطراف آنجسد مطهره منوره آن طیر
حدیقه الهی را گرفته سنگ و چوب بربدن آن مظلومه
میزدند پس از آن جسد آن مظلومه را برداشته و بردند در
خانه مسکونی خودشان که واقع است در محل گرمی من
محلات منشاد دفن کردند و در آن وقت شهادت
سن مبارك آن مخدره مقدسه علیه شصت و پنج سال بود .

ضمیمه هفدهم :

شرح شهادت از این قرار است :

جناب حاجی محمد طاهرمالمیری در کتاب شهدای یزد مجلد ثانی چنین فرموده قوله :

هنگامیکه خبر شهادت حاجی میرزای حلبی ساز بهنزامیرسد حضرت آقامیرزا جواد صباغ و حضرت آقا سید محمد علی گازراز این قضیه بسیار محزون و مغموم بودند متصل بنوحه و ندبه و عزاداری مشغول تاچند روز ازاین مقدمه گذشت یکروز صبح چند نفر میایند خدمت آقامیرزاجواد و آقاسید محمد علی که ما میدانیم شما بهائی نیستید ولی معاشرت و پانشینی با آنها کرده اید لهذا بیائید برویم مسجد و خدمت آقاسید حیدر پیشنماز توبه کنید که دیگر با بهائی معاشرت ننمائید حضرات بهمراه آنها میروند در مسجد و از توبه کردن ابانمودند که مبادا کم کم منجر بفسادی شود بعد آقاسید حیدر امام جماعت صیغه توبه را بانها تعلیم داده آنها صیغه توبه را میخوانند و از مسجد بیرون تشریف میاورند خیلی مسرورکه بحمد الله نگفتند تبری بجوئید ولی در باطن خیلی محزون و مغموم و پریشان بودند تا روز شنبه غره شهر ربیع الثانی که مکاریها از شهر برگشتند و خبر روز جمعه

شهادت جمعی از احبای الهی و شهادت آقا میرزا اسد الله اخوی بزرگ آقامیرزاجواد صباغ را بهمراه آوردند که اهالی هنزا فورا درب مسجد در حسینیه جمع شدند و بعضی در خانه آقا سید حیدر پیشنماز جمع شدند و قصد شهادت آن دو وجود مبارك نمودند حضرات از این هنگامه و اجتماع ناس مطلع شده و از خانه بیرون تشریف برده خودرا بخانه سید ولی خان میرسانند و در آن خانه پنهان میشوند و اهالی بیتشان هم میروند در خانه حاجی ابراهیم نام هنزائی که او هم آدم سالمی بوده پناهنده میگردند تاظهری کم کم همه اهل هنزابانضمام چند نفر از اشرار تفتی استاد مهدی بنا و چند شاگردهایش که آنجا را بنائی میکردند و چند نفر از اهالی طارزجان اطراف خانه های آن دوبزرگواررا میگیرند چون داخل خانه میشوند همه جا را گردش کرده احدی را نمی یابند اسباب خانه های آنها را آنچه بودغارت مینمایند و آنچه اسباب شکستنی بود تمام را میشکنند من جمله در بالای خانهٔ حضرت آقامیرزاجواد معادل دویست قرابه گلاب خیلی اعلی دو آتشه سه آتشه تمام را شکستند که فضای بالا خانه پر از گلاب میشود و از درهای بالا خانه گلاب جریان یافته میرود در باغ پشت خانه و اما شرح شهادت سر حلقهٔ

شهداء فاطمه بیگم علیها الرحمته والرضوان متصل چادر بسر سر مبارکشان و سرکشی و رسیدگی بحال همه میفرمودند در حجره خانه سید ولی چاهی بود که آنوجود مبارك در آن چاه بودند حالا حضرت فاطمه بیگم همشیره رسیده محترمه آقامحمد علی از ورای آن جمعیت استماع میفرماید که یکی میگوید حضرات در اطاق خانه سید ولیخان چاهی هست که شاید اینها در این چاه باشند بمجرد اینکه حضرت فاطمه بیگم این کلمه رااستماع نموده خود رامیرسانند درخانه ولیخان و میروند در سرچاه که الان صحبت این چاه بود و الان میایند سر این چاه فوراحضرات بیرون تشریف آورده ودر جای دیگر پنهان میشوند باز تشریف میبرند اطراف جمعیت ولی احدی گمان نمیکند که ایشان همه جا همراه جمعیتند و تشریف میبرند درخانه حاجی ابراهیم که اهل بیت و اطفال این دو وجود مقدس تشریف داشتند و میفرمایند اسرارگفتگوی چاه سید ولی خان رامینمودند من خبر شدم فورارفتم آنها را از چاه بیرون آورده محل آنها را تغییر دادم ولی شما قلب خود رامحکم نگاهدارید و آنچه واقع میشود مضطرب نشوید جزع و فزع ننمائید شما اطفال را نگاهداری و پرستاری نمائید شاید فردا همین وقت من برگشته آغشته بخون باشم در هر حال توکل بر خدا کنید و آنچه واقع میشود صابر

این عالم و آنچه در این عالم است فانی میشود ازین فرمایشات خیلی فرمودند و چادر بر سر کرده از خانه بیرون تشریف بردند در بین راه بگوش خود میشنوند که در گفتگو و جستجوی ایشان بوده اند ولی در چادر ایشانرا نمی شناسند که فورا بخانه مراجعت میفرمایند و تفصیل را بیان میکنند که خلق در طلب و جستجوی من هستند و جا را تغییر میدهند که اشراریان خانه میریزند ایشا نرا پیدا نمیکنند چون جای خودرا تغییر داده بودند اشرارا ز محل ثانی با خبر میشوند باز محل را تغییر داده الحاصل هر روز سه منزل تبدیل میفرمایند تا اینکه فردا بعد از ظهرروز یکشنبه وارد این منزل میشوند ومیفرمایند حالت خیلی پریشان بمن دست داده است شما قلب خود را نگاهدارید نمیدانم این خلق با من چه خواهند کرد چطور با من رفتارخواهند نمود آیا جسدم را عریان خواهند کرد یا بعد از کشتن دست از من بر میدارند و لیکن آنچه واقع میشود بعد اپریشان نشوید و مضطرب نگردید حرم آقامیرزاجواد و آقاسید محمدعلی میگوید این صحبتها چه چیز است کسی کاری بزن ندارد خیال شما را گرفته است در این گفتگوها بودند که ناگاه صدای همهمه و جمعیت بلند شد و جمع کثیری اطراف این بیت شریف

راگر فتند حضرت فاطمه بیگم فورا برخاسته تشریف میبرند
در اطاق انبار پشت خمره های گلی پنهان میگردند
طولی نکشید جمعیت داخل خانه شدند همه جا را گردش
کرده ایشا نرا نیافتند تا اینکه رفتند در آن اطاق پشت
تابو ها ایشانرا پیدا کردند و بیرون بردند شخصی دست
کرد چادررا از سر آن مخدره کشید آن مظلومه فرمودند
ای مردم اگر میخواهید مرا بکشید بکشید ولی خواهش
دارم از شماکه چادر از سر من برندارید و چادر را از دست
آن شخص گرفته برسر انداختند شخص دیگرباز دست کرد
و چادراز سر ایشان کشید و گفت شما زینب این طایفه
هستید و زینب باید سرش برهنه باشد آنحضرت میفرمایند
ای خلق آیا شما مسلمان نیستید جدم رسول خدا فرموده
است الصالحون لله و الطالحون لی اگربزعم شما من بد هستم
و گناه کارم مرابر روی جدم ببینید جواب میدهند شما جد
ندارید و آن مظلومه را باسر و پای برهنه میان هزار
نفر جمعیت میاورند لب رود خانه آنگاه نگاهداشته معطل
مینمایند و همگی سخن میگویند همهمه و گفتگوی بسیار
مینمایند و آن مخدره و مظلومه در میان این همه نامحرم
با سرو پای برهنه ایستاده سبحان الله چه حالی بآن
مظلومه دست داده بود که دیگر طاقت تحمل از ایشان

سلب شده کسیکه هرگز احدی او رابیحجاب ندیده حال با سر برهنه میان هزار نفر اشرارایستاده فرمودند خلق اگر خیال دارید مرابکشید زودتر مرا بکشید که یکمرتبه حاجی ابوطالب هنزائی پیش میاید چون سر مبارك برهنه بود و سفیدی زیر گلوی مبارکشان نمایان کارد از کمر کشیده ونوك کارد را تانصفه کارد فرو میکند زیر گلوی مبارك خون مانند فواره از گلوو دهان این مظلومه جریان مییابد و آن مظلومه در میان این جمعیت با کمال تسلیم و رضا ایستاده که استاد مهدی تفتی پیش میاید باکارد در دست و از سینه و سر مبارکشا نرامیشکافد تا سر ناف که آنحضرت بر زمین افتادند و دیگرهر کس اسباب وآلات و ادوات حرب داشت بی امان بکار برد و بعضی که حربه نداشتند باسنگ وچوب آنچه در قوه داشتند فروگذارنکردند سبحان الله این قوم شوم چه نمودند که لسان و بیان قاصر و قلم از تحریر آن عاجز این گروه اشرارچنان کردند که از اول دنیاتا حال کسی چنین ظلمی و بی حیائی ننموده پس ازشهادت آنحضرت را معلق بدرخت آویختند و هیزم بسیاری ازخانه خود آن شهید مظلوم آوردند و زیر آن درخت ریختند وحتی چند زوج درب اطاقهاکه شکسته بودند تخته های آنرا آوردند روی آن هیزمهاانداختند و روغن و نفت از پاهای

مبارك آن مظلومه آفاق تاسر مطهرریختند که
مقداری از هیزمهاآلوده بنفت شده بودآتش زدند که آن
هیزم باجسد مبارك باهم مشتعل‌گشت و ریسمانی که بپای
مبارك بسته بودند سوخت و آنحضرت در آتش افتادند
قریب یکساعت میسوخت بعد از آنهم در میان آتشهای خامد
افتاده و حرارت آن آتش چنان بود که احدی بفاصله
ده قدم پیش‌تر نمیتوانست بیاید و آن جمعیت متفرق شدند
و آن جسد مطهردر میان آتشهاماند تا فردای آنروز.

باری بر سر مطلب رویم فردای آنروز که یوم دوشنبه
سیم‌ربیع الثانی سنه ٦١ بود سید حیدرپیشنماز هنزاء اذن
داده بود که مادرآنشهید برود و آن جسدرا از آنجا
برداشته ببرد دفن نماید و آن مادر جگرسوخته جرات نکرد
که برود و باقیمانده آن پاره جگر خودرا برداشته ببرد
جای دیگری دفن نماید حتی در وقت گرفتاری و شهادت
و سوختن آن نور عین خود جرئت بیرون آمدن نکرد که برود
و پاره جگر خود را ببیند تا اینکه خبر دادند که آقا
سید حیدرپیشنماز بتو اجازه داده است بروی و آن باقی
جسد دخترت را برداشته یکجائی دفن کنی : آنوقت
مادر جرئت نکرد که برود بطرف پاره جگر خود آنروزآن مظلوم
در آن مکان ماند تاشب بعد وقتیکه همه خواب بودند باهزار

خوف و اضطراب با د ونفراز اماء رحمن رفتند در قتلگاه و آن
د خترقتیل مظلوم رابرد اشته بغل کشید ند و اند وموءمنـــه
موقنه امام الرحمن که همراه والد ه آن مظلومه رفته بود نـد
به تقویت یکدیگر بد ن نازنین را برد اشته بخانه رسا نید ند
و امر عجیب آنکه آنها گمانشان اینبود که جسد مطهرد وشبانه
روز د ر این مکان بود ه یك مشت استخوان نیم سو حته است
د ید نـدآن بد ن مبار ك د ر نهایت لطافت و صحت اســت
نهـایت قد ری سیاه شد ه بواسطه د ودآتشها بود ه و ابدا
نسوخته است حتی موهای سرشان نسوخته آنجسد مطهـــر
را تا صبح آنجا گذ اشتند و بگریه و نوحه و ند به مشغـــول
صبح آنجسد مطهررا روی سنگهای لب حوض عمارت کـــه
متصل باب جاری بود با صابون شست ند و کیسه کشید ند آن
جسد مطهرپاك و پاکیزه شد بد ن سفید و لـ ایف و نورانـی
بود د ر همزاهمه جا شهرت کرد ه بود که جسد مبارك حضـرت
فاطمه بیگم نسوخته است موهای سر ابد انسوخته و لطیـف
و نظیف است زنهای همنزائی د سته د سته میرفتند تماشای
این قضیه د ر حد ود همنزاء و طرزجان شهرت عظیمی یافت
سید حید رپیشنماز و اعمالی متفقاگفتند چون آن جسد مبارك
نسوخته است معلوم شد که سید اولاد رسول بود ه و بهائـی
نبود ه و مسلمان پاك بود ه و بیگناه کشته شد ه کم کم کـــار

بجائی رسید اکثر بلکه تمام زنهای هنزائی و اطراف آمدند زیارت آن مظلومه ولی مردها چون خود را نامحرم میدانستند و در این وقت چنین معجزه از ایشان دیده شده نظر کردن بر ایشان را حرام میدانستند احدی نیامد سوای زنها از دور و نزدیك برای زیارت میامده اند و آن بدن شریفه لطیفه آن روح پاك چنان لطیف بوده که گویا بدنش ابدا با آتش ملاقات ننموده شعرات عنبرین با اینکه اول معلق در آتش بود و بعد در آتش افتاده است ابدا بآن تاثیر ننموده گویا از کثرت تحمل بلایا آن جسم حکم روح یافته است باری آن جسد مقدس کفن پوشیده و بعضی از زنهای اغیار با کمال احترام همراهی نموده و در باغ ملکی خود شان دفن نمودند و سن مبارکشان در یوم شهادت چهل و هشت سال بود .

انتهی

ضمیمه هجدهم :

مرحوم محمد نعیم قصیده ای حاوی ۲۷ بیت در باره انعقاد محفل شور روحانی در طهران به رشته نظم آورده که آغاز آن این است قوله ره :

حمد ایزد محفل روحانی و شوری بپاشد
منتخب بر وفق امر حضرت عبد البهاء شد
این زمان برحسب فرمان پانزده تن زاهل طهران
منتخب از اهل ایمان برشما بهر شما شد

تا آنجا که فرموده است :

اندرین ماه مبارك سال محفل گویم اینك
حمد ایزد محفل روحانی وشوری بپا شد

(از نقل تمام قصیده چون طولانی بود صرفنظر شد)

ضمیمـــــه نوزدهـــم :

شرح واقعه از این قرار است .(ازتاریخ جناب مالمیری ج ۲)

در این سنوات که تقریبا سنه ۷۰ از ظهور بود آقا شهریار کوچه بیوکی جوانی بود تقریبا بیست و پنج سال که یکی از اهالی کوچه بیوك محض عداوت دینی آمده بود در شهر بماند شیخ محمد رضای مجتهد ولد شیخ عبدالحسین معروف به آقا مجتهد و گفته بود آقاشهریار جوانی اســت دیدم با یك زن مسلمان صحبت میداشت شیخ محمد رضـا آدمی فرستاد در مزرعه کوچه بیوك که متصل بشهر است آقا شهریار را آوردند که تو بازن مسلمان حرف زده ای گفتـه بود هرکس گفته است دروغ گفته است شیخ مذکور آقاشهریار را میفرستد بقلعه حکومتی که این باید مجازات شود بـا زن مسلمان صحبت داشته است و باید چند تازیانه بخورد ــ حکومت او را نگاهداشته بود تا شیخ بیاید شیخ مذکـــور میفرستد یك سراجی را میاورند و دستور میدهد تا زیانه‌ای بسازد که پنج شقه داشته باشد و سر هر شقه یك دانـــه گلوله پنج مثقالی از سرب لابلای چرم محکم بدوزد و بیاورد سراج بموجب دستور شیخ محمد رضاتازیانه را دوخته آورد شیخ مذکور تازیانه را میدهد بدست شیخ رضای دامادش و میگوید تازیانه را در دست مالی بستـــه و بهمراه من بیاور

بقلعه باری شیخ محمد رضا میرود نزد حکومت که این جوان
زر تشتی باید تازیانه بخورد حکومت میگوید شهریار رابیاورند
چون میاید میگوید آقاوالله هر کس گفته است دروغ گفته
است و من هرگز با زن مسلمان صحبت نداشته ام حکومت
میگوید شیخ محمد رضا میگوید خیر بر من ثابت شده که با
زن مسلمان صحبت داشته و باید تازیانه بخورد حکومت
بملاحظه اینکه اگر شیخ محمد رضا مجتهد را جواب کند البته
میرود در خارج و فساد میکند و شاید شهررا بهم بزند لهذا
میگوید چون جناب شیخ میگوید بر من ثابت شده است ببرید
و چند تازیانه باوبزنید لذا آقاشهریاررا میبرند در میان
قلعه بر سه پایه ای بسته بزنند شیخ محمد رضا هم
بداماد ش شیخ رضا ایستاده حکم میکند که آقاشهریار را
بکلی لخت کنند و حتی پیراهن را از بدنش بکنند این جوان
مظلوم را برهنه کرده بستند که تازیانه بزنند شیخ میگوید
تازیانه را باید شیخ رضا داماد من بزند آن ظالم پیش
میاید و آن تازیانه را که از پیش تهیه کرده بودند از دستما
بیرون آورده شیخ محمد رضا میگوید باید یکصد تازیانه بخورد
باری آن شیخ رضای مذکوربا کمال قوت بنای زدن میگذارد
تازیانه بربدن آن مظلوم میزنند که گوشت و پوست بدن
متلاشی میشود آن بیچاره آقاشهریار را از سه پایه باز

کردند پس از چهارپنج ساعت وفات نمود پس از کشته شدن آن مظلوم طولی نکشید که مرض وبادر یزد بروزکرد و اول کسیکه باین مرض مبتلا شد همین آقاشیخ محمد رضای مجتهد و آقاشیخ رضای داماد ش بود که در یك روز هر دو فوت کردند .

ضمیمـــــــه بیستـــــــم :

مرحوم شو ریده شیرازی فصیح الملك در تاریخ صعود مرحوم ابوالفضائل چنین فرموده است :

سال هزارو سیصد و سی و دو بد که کرد
بوالفضل در صفر سفر ملك جـــــــــا ودان

تاریخ دیگرش بحساب جمل شمـــــار
بوالفضل بین که دید بهارا وداد جـــــــا ن

ضمیمـــــه بیست و یکم :

مختصری از شـــرح حالش ازاین قرار است :

و یکی از موءمنین و مقدسین و محترمین حضـــرت آخوند ملا عبد الغنی اردکانی بودند حضرت ایشان از سلك علماء و عرفای جلیل اردکان بودند و بسیار صاحب تقدیـس و تنزیه و همیشه اوقات مشغول ذکر و عبادت و ریاضات شاقه بودند و در اوایل جوانی همیشه جویای راه حق بودند و ـ چندی در اهل تصوّف سیر و سلوکی داشتند ولی بعد از ـ مجاهده بسیار تصدیق بامر مبارك نمودند و چون تصدیـق کردند بکلی تغییر مسلك دادند و بنای تبلیغ امراللـــــه گذاردند مجدد در اردکان نایره فساد طفیان نمود شبـی جمعی از اشرار و الواطیکه همیشه مصدر فساد بودند تدبیری بخاطرشان رسید شبانه رفتند گل سفید بدرب حمام و مسجد و دکاکین مالیدند و چون گل سفید مالیدن درب معابـــد و حمام و آتشکده ها اصطلاح حضرات زرتشتی است لهذا محشر شور و هیجان بنای هیاهوگذاشتند و فریاد و فغان که بهائیان گل سفید مالیده اند و دسته ای از اشـــرار بخانه شیخ علی مجتهد رفته باجوش و خروش فریاد وا شریعتـا بلند کردند شیخ علی مجتهد امر باحضارحضرت ملا آخونـد عبد الغنی مینماید جماعت اشرارهنگامه جو درب خانه آخوند

آمده ایشان را از خانه بیرون آوردند گفتند شیخ علی مجتهد شما را خواسته اند فرمودند بسیار خوب و همراه آنان روانه میشوند در بین راه که داخل بازارشدند حسین ولد محمدعلی که یکی از اشراربود گفت مگر عروس بخانه داماد میبرند و پیش آمد چند سیلی بسیارمحکم بر صورت آنحضرت زد و محرك شد که تمام اشرار زنجیرهارا بیرون آورده و بعضی با کارد و چاقواینقدرصدمه و جراحات بر هیکل مبارکشان واردآوردند که از هوش رفتند تا اینکه ایشانراکشان کشان بخانه شیخ علی رساندند شیخ علی گفت ببریدش اشرار با چاقوو چماق هرکس هر چیز داشت تمام بدن آن مظلوم را پاره پاره نمودند و آنجا انداختند شیخ علی گفت ببریدش ببریدش حضرت ایشانراکشیده بردند در خندق بیندازند و با نفت بسوزانند در بین راه آقا محمد نام که معروف باقامحمد دزدبود با پاکتی در دست رسید چون آن اوقات آقامحمد دزد مستخدم بود اشرار گمان نمودند این پاکت حکم حکومت است بر علیه ایشان فرار نمودند آقامحمد دزد آن هیکل مبارك را بر دوش کشیده و به بیت شریفشان بردلهذا پس از ٤ ساعت به صرف قدرت کامله الهیه من باب خارق العاده بهوش آمدند و پس از چندی بهبودی حاصل فرمودند همین قدرکه

توانستند بر حیوان سوار شوند آن حضرت را شبانه بشهر آورند و در شهر باکمال قوت قلب و شجاعت مشغول تبلیغ امرالله گشتند و بدون ملاحظه با اغیار صحبت امری میداشتند تقریبا ده سنه بدین منوال گذشت و در نزد تمام اغیار معروف شدند تا اینکه خوضا پیش آمد .

(از تاریخ جناب حاجی محمد طاهر مالمیری ج ۲)

ضمیمـــــه بیست و دوم :

شرح واقعه ازین قرار است :(ازتاریخ جناب مالمیری ج ۲)

. . . . . شرح تصدیق حضرت آقامحمد بلـور فروش از اهل محله شا هزاده ابوالقاسم که در عقائـــد اسلامی بسیار ثابت و راسخ و مطیع شرع انور اسلام بود ند و در امور خیریه و تقوی و پرهیزگاری و دست گیری فقـــرا و ضعفامثل و مانند نداشتند و روضه خوانی هفتگی بایك عالم اخلاص و نیت خالصه حقیقی یك شب در بیت مبارکشان روضه خوانی میکرد ند و از اوّل شروع روضه الی آخرمجلس ــ چنان گریه و عزاداری میکرد ند که فی الحقیقه تمام حضـار را بهیجان میاوردند و یکی از همسا یگان نزدیك ایشـــان حضرت آقاحسن طراح روحی له الفداء بود ند که ایشـــان یکی از احبای مشتعل منجذ ب بنار حقیقت هستند ایشان در تبلیغ امرالله و هدایت نفوس غافله ید طولائی دارنـد و تقریباتا حال پنجاه نفررا با اخلاق روحانی بشریعـــت الهی وارد فرموده اند و در شبهای روضه خوانی منزل حضرت آقامحمد همه شب تشریف میبرد ند خورد خورد آقامحمـــد مجذوب و مفتون صفات و اخلاق ایشان میشوند تا اینکـــه شبی ذا کر بالا ی منبرذ کری از مصا ئب حضرت امام عـــلی النقی مینماید چون حضرت آقامحمد از ذکرش پریشانحال ــ

بودند بعد از ختم روضه که خلق میروند بجناب آقا حسن ـ میفرمایند شما اقدری دیگر بنشینید ایشان مینشینند خورد خورد صحبت تبلیغی بمیان میاید بالاخره در آنشب آن ـ جوهر صدق و تقوی تصدیق امرالله مینمایند و چنان سرگرم باده محبت الله گشت که چون کره نار مشتعل و برافروخته شد و آنی خودداری نمی فرمود و از هر فکری بیزارو از هر خیالی بر کنارگشت فکرشان اعلاء کلمة الله و خیالشان پیشرفت امرالله بود و در مجالس و محافل چون آیات الهی تلاوت میگشت آنشمع انجمن یاران بسوزو گداز میامد وسیلاب اشگ از چشمهای نازنینش جاری میشد بارها میفرمودند افسوس که دیر خبر شدم و عمر خودرا بغفلت گذارندم و همه شب حضرت حاجی ابوالقاسم آقامحمد رابه منزل خود دعوت میفرمودند و با ایشان بمنزل آنها تشریف می بردند و در اکثر ایام در بازار هر شخصی که درب دکان کار داشت حضرت ایشان با او صحبت امری میداشتند و هر غریبی درب دکان میامد از اوسئوال میفرمودند درولایت شما بهائی هست ؟ اگر شخص بهائی بود شب را بمنزل ـ خود دعوت میفرمودند و اگر بهائی نبود با او صحبت تبلیغی میداشتند باین طریق جمعی را تبلیغ میفرمودند من جمله جناب آقاحسن طهرانی که در اداره ژاندرمری

بشغل خیاطی مشغول بود این جوان نورانی را آنحضرت تبلیغ فرموده بود و در اغلب ایام درب دکان ایشان می نشست اهل بازار از دورو نزدیك بسیار افسوس میخوردند که حیف که آقامحمد بلور فروش بابی شده است و بعضی در صدد اذیت و صدمه ایشان بودند و متصل میکوشیدند بیایند درب دکان آن معدن و فالمن و سب نمایند ولی آنچه خلق بیشتر صدمه بایشان وارد میاوردند انجذاب و اشتعال آن نارموقده ربانیه زیادتر میگشت در شبی جنابان حاجی ابوالقاسم و آقامحمد فرمودند خوشا بحال آن نفوسیکه در راه رضای جمالمبارك فائز شدند ما که لیاقت یك صدمه خوردن هم در این راه نداشتیم . دو یوم میگذشت تشریف میبردند در مدرسه خان که جنب دکان بود بعادت همیشه آب بردارند طلاب مدرسه هجوم آورده اطراف ایشانرا میگیرند و با چوب و زنجیر بدن مبارك آنحضرت را مضروب و مجروح میسازند شب بعد در مجلس میفرمایند ما که الحمدالله به مقصد خود نائل گشتیم پیراهن خود رابالا میفرمایند و این بدن که از گل نازکترو لطیف تر بود بضرب چوب و زنجیرشرحه شرحه شده ولی خیلی مسروربودند فرموده بودند شب گذشته خوابی بدیدم که در عالم رؤیا در حجره تاریکی منزل داشتم با دست دیواره حجره را

سو راخ کردم دیدم یك باغ بسیار سبز و خرم باصفائی عقب آن حجره هست دیوار را خراب کرده وارد آن باغ شدم بقدری آن باغ باصفا بود که وصف آن نتوانم تا اینکه عید سعید رضوان پیش آمد یوم نهم عید در باغ رحیم آباد ملکی حضرت حاجی سید کاظم که نزدیك شهر واقع است از صبح تا شب مجلس عمومی بود در واقع آن مجلس آخری بود که جمعی از احباب ایشانرا ملاقات کامل نمود عصر همان روز نهم حضرت ایشان با جمعی تشریف بردند در مزرعهٔ مهدی آباد چون در مزرعه مهدی آباد مجلس بزرگ محفل عمومی بود در بین راه چون مقابل شهدای سبعه رسیدند از دور توجه بمقام شهداء نمودند باعلی صوت فرمودند الله ابهی ای خوشا بحال شما که گوی سبقت را ربودید عنقریب ماهم میائیم باری روز یازدهم عید بدکان تشریف برند اهل بازاریکنفررا تحریك کرده درب دکان ایشان بنای بدگوئی مینماید اتفاقاً آقاحسین ژاندارم درب دکان ایشان حاضر بودند بطور عتاب آن شخص بدگورا منع میکنند اهل بازار دور آقاحسین را گرفته ایشانرا میبرند در مدرسه نزد سید یحیی مجتهد سابق الذکر که مدرّس این مدرسه بود سید یحیی بآقاحسین میگوید چرا آن شخص بد گو را ممانعت کردی ایشان میفرمایند برای نظم بازار مجبورم

جلوگیری این امور را بنمایم سید یحیی دیگر سکوت میکند چون آقاحسین از مدرسه بیرون میاید و اشرارخونخوار مأیوس شدند آتش بغض و شقاوت در قلوبشان شعله ورگردید و در گوشه و کنارنسبت بحضرت آقامحمد بنای زمزمه فساد گذاردند عصر آنروز چون یوم تشکیل محفل مقدس روحانی بود حضرت ایشان زودتر درب دکانرابسته تشریف بردند در محفل برای کسب تکلیف فرد او شرح قضیه امروز را بعرض رساندند محفل مقدس روحانی فرمودند فرداراشما تعطیل نکنید و بروید دکان را باز نمائید لهذا بر حسب تصویب محفل روحانی تشریف برده درب دکانراباز مینمایند تقریباسه ساعت از روز برآمده سید یحیی بمدرسه میآید جمعی از طلاب میروند نزد مشارالیه میگویند آقامحمد متصل درب دکان بامردم صحبت امر بهائی میدارد خوبست امر بفرمائید او را حاضرنمایند و توبه اش بدهید که دیگربا احدی صحبت امر بهائی ندارد سید یحیی دونفراز طلاب رامیفرستد عقب ایشان چون تشریف میاورند میگوید شماچه عقیده ای دارید میفرماید من مسلمان هستم میگویند چون مسلمانست کسی را بااو حرفی نباشد یکی از طلاب میگوید ایشان باید یك کلمه بد بگوید نسبت بامربهائی ایشان میفرمایند من باحدی بد نمیگویم خدالعنت کند کسیراکه مراامربه بدگوئی نماید

این حرف بر سید یحیی گران آمد متغیر شد میگوید او را از جلو ببرید و نیست کنید آقا میرزافضل الله ولد جناب معین دیوان سابق الذکر که یکی از طلاب مهم مدرسه بود ویك دومجلس حقیر با ایشان صحبت امری داشته بودم مذکور داشت وقتیکه حضرت آقامحمد از نزد سید یحیی بیرون آمدند من خیلی مواظب بودم که کسی صدمه ای بایشان نزند که بغتتا شیخ رضای ولد میرزاعبدالحسین مجتهد دست زد بر سینه ایشان واز مرتبه فوقانی مدرسه ایشانرا پائین انداخت و چون آنوجود مبارك بزمین افتادند سر مطهرشان شکسته شد خون مانند ناودان جاری گشت در این حالت برخاسته با پای خود از مدرسه بیرون تشریف میاورند حالا ازدحام جمعیت خلق در بازاربدرجه‌ای هست که راه عبورنیست ولی در بازارکسی متعرض ایشان نشد تا تشریف بردند سر چهارراه میان‌بازار پنجه علی و خود را بدیورا سقاخانه تکیه دادند بعضی بنای هیاهو و شورش گذاردند که سقاخانه نجس شد و بعضی سخریه و استهزاء و بعضی بسب و لعن زبان گشودند که ناگاه جوانی بود مسلمان که او را مشتی میگفتند تبر هیزم شکنی دست دیگری بود میگیرد و بر فرق مبارك ایشان میزند که کاسه سر خورد میشود و آن مغز مجروح بباده محبت الله

پریشان گشت که طاقت شریفشا ن طاق شد و از پادرآمده بزمین افتادند همینکه بر زمین افتادند هر کس بقدر قوه از ضرب بآن جسد لطیف نورانی فروگذارننمود . تا اینکه ریسمانی حاضرنموده بپای مبارکشان بستند آن جسد مطهر را کشان کشان بردند میدان خان در حوض بی آبی وسط میدان انداختند در این بین آقا محمد جواد نجل محترمشان بعادت هر روز که از مدرسه بیرون میامد بدرب دکان آمد دکان بسته بود از دکاندارپهلوئی آن جویامیشوند که آقایم کجا رفتند که دکانشان بسته است آن شخص میگوید آقایت راکشتند و کشته او را در حوض میدان افتاده آنطفل معصوم گریه کنان سراسیمه بجانب میدان میرود می بیند پدر بزرگوارش در میان حوض افتاده و جمعیت خلق از حد وحصر خارج که آن طفل خود رامیرساند و بر روی جسد مطهر پدر بزرگوارش میاندازد که یکی پیش میاید ومیگوید من این پسر را بپدرش ملحق نمایم و چند نفر دیگر هم میدوند که طفل را شهید کنند که یکنفر خود را میرساند و آن طفل رااز چنگال شریران بیرون آورده او را محفوظ مینماید در این بین یکنفرژاندارم میرسد و محض ثواب بیلی بدست گرفته با نوك بیل راس مطهر آن سرورابرارا ازبدن جدانماید که در این حین آقاحسین خان نایب ژاندارم خانه میرسد و میگوید

آن جسد مبارك را برد اشته ببرند قلعه حکومتی لهذا یک لنگه دری حاضر نموده و آن پیکر انور راروی آن گذارده بر دوش بعضی نهاده بقلعه حکومتی میبرند و از آنجا بحکم حکومت برد ند د فن کرد ند مد فن آن بزرگوار پهلوی د یوراباغ محمد صا لح بیك جنب جوب هرهر است جمعیت خلق بهمراه آن جسد مطهربود ند تا د فن کرد ند و یوم شهادت آن حضرت یوم ۱۲ عید سعید رضوان سنه ۱۳۸۳ بود سن مبارکشان در یوم شهادت تقریبا ٤٠ سال بود .

ضمیمـــــه بیست وسوم :

جناب شیخ حیدر از علمای ترکستان بوده قطعـــه در بارهٔ صعود آقاسید مهدی فرموده و مصرع تاریخی آن اینست بماهی دوپس از خورشید خاور . . . .عدد خورشیـــد خاور ۱۹۲۷ میشود و در ماه دوم از سال بعد از ۱۹۲۷ . یعنی ۱۹۲۸ جناب گلپایگانی صعود فرموده . . . . . .

مشارالیه خالوزاده ابوالفضائل بود و در لوح مبارك حضرت عبدالبهاء او راابن اخت ابی الفضائل فرموده انـد پس از نزول این لوح سرّ این مسئله را جناب فضل اللـــه شهیدی پسر استاد علی اکبر شهید یزدی در عشق آبـــاد از ایشان میپرسند که چطورشده هیکل مبارك شمارا ابـــن اخت ابوالفضائل فرموده اند با اینکه شما ابن خال اوهستید مرحوم آقاسید مهدی در جواب فرمودند من در حقیقت ابـن اخت ابوالفضائل هستم زیرا خواهرآن بزرگوار در نشوو نمـا و تربیت من زحمت فراوان کشید و برای آنکه زحمات خالصانه او هدر نرود قلم حق مرا ابن اخت ابوالفضائل نامیـــده است . مرحوم آقاسید مهدی موسس مجله خورشید خاوربود و در روسیه بعد از انقلاب کبیر در مجامع عمومی که از طـرف دولت تشکیل میشد در اثبات امر اعظم نطقها کرد و خدمات جلیله نمود و پس از صعودش تلگراف مبارکی از ساحت حضر

ولی امرالله غصن ممتاز جل سلطا نه عز وصول بخشید قبرش در گلستان جاوید عشق آباد است و آثارش در امر مبـــارك بشهرت خورشید خاور است .

ضمیمـــــــــه بیست و چهـارم :

مشارالیه نوه شیخ عبد الحسین شیخ العراقیـــــن معروف است که با امر مبارك نهایت ضدیت را داشـــت فاضل طهرانی از مبلغین امرالله بود و بعد از صعـــود ش تلگرافی از ساحت اقدس حضرت ولی امرالله جل سلطانه نسبت بصعود او عنایت شد .

ضمیمـــــــه بیست و پنجم:

وی بسیار مورد عنایت بود بعد از صعود ش مصا رف ــ ساختمان قبرش راهبر کل مبارك جل سلطا نه عنایت فرمود ند قبرش در گلستان جاوید طهران است .

ضمیمـــــــه بیست و ششـــــم :

مشا رالیه فرزند شیخ محمد علی نبیل برادر رسمندر ــ قزوینی است . نبیل بن نبیل مزبور خود را در اســـــلامبول مسموم کرد و شرح آن در لوح ابن الذئب از قلم الهی نازل گردیده است . نبیل زاده بعد از صدور شتلگرافی ازساحت اقدس حضرت ولی امرالله جل سلطانه نازل گردیده .

ضمیمـــــه بیست وهفتـــم :

ترجمه ازاخبار امری منتشره از شورای بین المللی بهائی در مرکز جهانی امرالله .

یـــــــاران محبوب .

برای دومین بار در طول نقشه باعظمت دهساله جهاد کبیر اکبر دشمنان امرالله اضطراب و هیجانی ایجـــاد کردند که در اذهان اهل جهان انعکاس سوئی داشتـــه است . با آنکه این نفوس قصد داشتند در یکی از نقاط دورافتاده وگمنام مراکش ما را وسیله اطفاء سراج امرالله قرار دهند ید قدرت الهی آنرابه دهن فروزنده ای تبدیل فرمود که شعله اش جهان افروز شد .

در این هنگام که این سطور تحریر میشود هنوز سرنوشت نهائی یاران زندانی ما نامعلوم است و هنوز تاریـــخ تشکیل محکمه استیناف فرانرسیده و اثرات حاصله ازحوادث چند هفته اخیر بطور دقیق روشن نیست . قدر مسلـــم آنستکه باید مساعی ما ادامه یافته و دعاو مناجات قلبی ما بآستان مقدسش قطع نگردد ولی متاسفانه هنوز نمیتوان جزئیات کامل حادثه را بیان نمود اما بسیار بجاست که در این لحظات مرکز جهانی امرالله احبای الهی رادراکناف

جهان درجریان رئوس مطالب و بعضی حوادث تکـــان دهنده صحنه های اولیه این وقایع مهیج که هنوز در برابر دیدگان ما ادامه دارد بگذارد .

نخستین حادثه از این سلسله وقایع غیر منتظـــره توقیـف چهار نفر از مؤمنین شهر نادر در ۱۲ آوریل ۱۹۶۲ بود . چهار نفر از یاران شهر Tetuan بلا فاصله پس از استماع این واقعه به نادر عزیمت نموده خود نیز گرفتار و زندانـی شدند تا اینکه بالاخره عده محبوسین احباء به ۱۴ نفـــر بالغ گردید . در سوم ماه مه تلگرافی از محفل روحانی ملـی افریقای شمال غرب حاکی ازجریان وقایع به حضرات ایـادی مقیم ارض اقدس رسید وچنین صلاح دانستند که از خـــارج آن کشور دخالتی درجریان امرنشود بلکه با استفـاده از وکلای مدافع محلی برای نجات بیگناهان وتماس با مأمورین حکومت هرگونه مساعی لازم مبذول گردد .

ازهمان اوائل نظر احباء آن بود که حتی الامکان بدون انتشار موضوع فقط با مذاکره و تماس با اولیـاء امـــور محلی تظلم و دادخواهی نمایند حتی دربین احباء نیـز این خبر نشر نیافت تا آنکه در نتیجه دسائس اعداء امرالله موضوع در مطبوعات جهان انعکاس یافت .

به تحقیق معلوم نیســت که چـه عواطی دراین توقیـف

و تضییقات دخالت داشته است مدتی علماء دین با امر الهی مخالفت مینمودند و بنابا ظهاریکی از وزراء فرانسویها در مدت شصت سال اشغال مراکش نتوانستند حتی یکنفر از اتباع کشور را بدیانت مسیح تبلیغ نمایند اما این مردم (یعنی بهائیان) در قلیل زمانی توانسته اند بسیاری از افراد ذکی و تحصیلکرده ما را بسوی خود بکشانند .

یاران زندانی که همه جوان هستند و همه باستثنای یکی از آنها که او هم از نظر عمر ایمانی در ردیف آنهاست در این مهلکه فداکاری عجیبی از خود ظاهر نموده اند جهت پی بردن بروحیه همسران این نفوس پیش آمدی را که برای یکنفر از ایشان رخ داده بطور نمونه در اینجا نقل میکنیم .

یکی از دوستان این خانم نامه ای از طرف مشارالیه مبنی بر تقاضای عفو شوهرش خطاب بمحکمه تهیه میکند و در آن توضیح میدهد که متهمین زندانی از اعمال خود نادم بوده و تمسك خود را بدیانت اسلام اظهار داشته اند همسر زندانی پس از اطلاع از مفاد نامه بلادرنگ میگوید (این نامه را پاره کن . شوهرمن بهائی است و همچنان بهائی خواهد ماند . او در سبیل امر مقدس الهی زندانی شده .) خانم دیگری که بهائی هم نبوده وبیش

از هفده سال ندارد و شوهرش پانزده روزبعد از ازدواج زندانی گشته اکنون کاملا مجذوب امر الله گردیده و در صدد است تقاضای تسجیل نماید .

در مدت چهار ماهی که لجنه حقوقی بهائیان مراکش بکمك یك وکیل مدافع زبردست فرانسوی ساکن (رباط) از کلیه مجاری ممکنه برای استخلاص محبوسین با شروع محکمه آنها بدون اخذ نتیجه اقدام مینمودند این ١٤ نفس مقدس در زندان مجرد بدون حق تماس با احباء گرفتار بودند فقط توسط برخی از خانمهای اقوام زندانیان که میتوانستند گاهی آنها را ملاقات نمایند شفاها پیغامهائی داده میشده .

در ماه اوت یك وکیل مدافع بهائی مصری مخلص خدوم وارد مراکش شد که در دفاع از مظلومین شرکت نماید حکومت بتقاضاهای او ترتیب اثری نداد و مشارالیه فقط موفق گردید محبوسین را ملاقات نماید و اخبار اطمینان بخش بسمع ایشان برساند و نیز متقابلا خبر استقامت و جانفشانی این یاران عزیز را بجامعه بهائی ابلاغ نماید در جراید مراکش یك سلسله حملات بامر الهی شده بود ولی در دهم اوت روزنامه فرانسوی

(لوموند) مقاله ای تحت عنوان (تفتیش عقاید در مراکش)

انتشار داد که از طرف یك روزنامه مراکشی بان جواب داده شد . در ۲۲ اوت هیاءت ایادی مقیم ارض اقدس از محفل مقدس روحانی ملی ایالات متحده امریکا تقاضا نمود که بنمایندگی جامعه بهائیان عالم با هیاءتهای نمایندگی سیاسی مراکش مقیم واشنگتن و سا زمان ملل تماس حاصل نموده تا غیر سیاسی بودن تشکیلات بهائی را و اتساع دایره امر و حقانیت آن و اینکه بدون تردید برای مقامات کشور ایشان در این زمینه ها سوء تفاهم حاصل شده گوشزد آنان گردد .

سر انجام در ۳۱ اکتبر پس از آنکه بیش از ششماه از مدت حبس آنها میگذشت پرونده این چهار نفر زندانی در دادگاه بخش نادر بجریان افتاد . محکمه مزبور موارد اتهام را مورد مطالعه قرارداد و مقرر داشت که محبوسین باید در محکمه جنائی همان شهر باتهامات (۱) طغیان و اغتشاش (۲) اقدام علیه امنیت عمومی (۳) تاسیس انجمن تبه کاران (٤) ایجاد جمعیت غیر قانونی (٥) — اقدام علیه عقاید دینی محاکمه شوند بخلاف انتظار دشمنان امرالله عکس العمل عامه مردم با آنکه ابتدا بموضوع بی علاقه بودند هنگام شروع محاکمه کاملا بنفع متهمین بود و بتدریج انزجار آنها نسبت بجریان محاکمه شدت یافت .

در اوائل اکتبر بهیاءت ایادی مقیم ارض اقدس اطلاع رسید که علماء بتحریك جهال علیه امر الهی مشغولند وکلای مدافع محلی بجهت انصراف از قبول دفاع مظلومین تحت فشار قرار گرفته اند و حتی در صدد اغوای والدین غیر بهائی متهمین بر آمده اند که فرزندان زندانی خود را به انکار و تبری از امر الهی وادارنمایند .

نظر بجریانات فوق و عدم توجه مأمورین حکومت مراکش به مستدعیات احباء هیاءت ایادی ضمن ارسال تلگرافهائی به برخی از محافل ملیه روحانیه تماس ایشانرابا نمایندگان مراکشی مقیم آن کشورهاخواستارشدند و نیز با سفراء کبار بعضی کشورهای مقیم مراکش تماس حاصل شد که مساعی جمیله خود رابطور غیر رسمی در این زمینه مبذول دارند .

از سایر هیاءتهای موثر نیز استمداد شده بخصوص از طرف هیاءت نمایندگی بین المللی سازمان حقوق بشر که رئیس آن آقای راجر بالدوین

میباشد نامه ای در این خصوص به وزیر عدلیه مراکش نوشته شد . در دهم دسامبرمحاکمه دادگاه جنائی آغاز شد و چهاروکیل عدلیه زبردست مراکشی بکمك و مشاوره دووکیل دعاوی بهائی از متهمین دفاع مینمودند .

بزودی آشکارشد که اصراری در اثبات اتهامات پنجگانه

ادعانامه در کارنیست بلکه رئیس محکمه بیشتربموضوع عدم پیروی آنهااز دستورات اسلام تکیه میکرد . البته توضیح متهمین این بود که بهائی هستند و طبعا پیروی از تعالیم اسلامی برایشان الزام آور نیست . نمونه هائی از سئوال هائیکه از متهمین شده و جوابهائیکه داده اند ذیلا ذکر میشود .

رئیس محکمه . پس شما معتقدید که این دیانت بعد از اسلام آمده ؟

متهم . آری

س . پس اسلام را نسخ میکند ؟

ج . بهتر است بگوئیم دیانت اسلام را تجدید میکند .

س. چطور تجدید میکند در حالیکه احکام نماز و روزه و حج وغیره را تغییر داده .

ج . همانطور که اسلام مسیحیت را تجدید نمود دیانت بهائی اسلام راتجدید میکند .

بدین ترتیب مشخص شد که مقصود از محاکمه فقط حمله بدیانت بهائی و پیروان آن بوده و منجر باین بحث کلی گردید که آیامسلمان میتواند دین خود را عوض کند یانه . در یك مورد بخصوص مربوطبه یهودی شدن یك فرد مسلمان نظر جدید و علنی وزیرامور اسلامی آقای الال الفاسی

بر این بود که مانع و اشکالی ندارد . بدین مناسبت و نیز بلحاظ اینکه تعقیب بهائیان بتحریك او بوده هیاءت وکلای مدافع تقاضاکردند که آقای الال الفاسی بعنوان شاهد به محکمه احضارشوند ولی این تقاضارا محکمه رد کرد .

سرانجام بعنوان اینکه از متهمین مسائلی تحقیق میشود که ابدا ارتباطی با مواد پنجگانه ندارد وکلای مدافع از ادامه دفاع خودداری نموده و از محکمه خارج گشتند .

رای دادگاه و احکام صادربقرارزیر است .

محکومین بمرگ :

محمد محمدعلی الکبدانی ۲۳ساله مجرد ـ معلم مدرسه

محمد باعرفه منان ۲۹ ساله ـ بازرس پلیس .

محکومین بحبس ابد :

عبدالعزیز عبدالله الورباشی ۲۳ ساله متاءهل بدون اولاد صندوق دارمدرسه .

محمد الجیانی الحسن ۲٤ ساله متاءهل دارای یك پسر ـ معلم .

عبدالسلام الحاج سلیم المشبتی ۳۱ساله متاءهل معلم دانشگاه .

محمد محمد سعید البقالی ۲۰ ساله مجرد خیاط.

محمد الحمد المثبتی ۳۲ ساله متاءهل دارای یك فرزند صدد وقدار .

محکوم به ۱۵ سال حبس :

عبد السلام میلواد الشکری ۲۸ ساله متاءهل دارای یك فرزند کارمند دولت .

اعلان احکام صادره فوق رعدآسا افکار را متوجه خود نمود عکس العمل مطبوعات جهان نسبت باین حکم سریع و توام با خشم و نفرت بود . بر حسب اتفاق قانون اساسی جدید مراکش که آزادی مذهب را تضمین میکند اخیرا ازطریق مراجعه بافکار عمومی مورد قبول قاطبه ملت قرارگرفت و نمایندهٔ دولت مراکش نیز در تاریخ هفتم دسامبریعنی سه روز قبل از شروع محاکمه فوق قطعنامه سازمان ملل را دایر بر تنظیم طرح قرارداد بین المللی مبنی بر رفع کلیه تضییقات مذهبی تایید و بان رای داده بود .

با توجه بتحولات فوق و شهرت مراکش در مباشات با پیروان مذاهب مختلفه جریان اخیر که خاطره تشکیل دادگاه تفتیش عقاید (انگیزیسیون) قرون وسطی را در قرن بیستم تجدید مینمود باعث عکس العمل شدید و توام با حیرت و بهت جهانیان شد یکی از جراید مراکش در تاریخ ۱۷ دسامبر نوشت (بخوبی معلوم است که اتهامات وارده بمحکومین

در این قضیه جز اینکه بدیانت جدید گرویده اند . موضوع دیگری در کار نیست و حال آنکه این حق گرویدن بدین دیگر را آقای آلال الفاسی در دورهٔ تصدی خود در حق مسلمانی که بآئین یهود گرویده بود قائل گردیده است .

با اینکه مقاصد الهی همیشه پوشیده و پنهان بوده ولی بر عکس شدت و ناسازگاری آن با روح قانون بسیار واضح و آشکار است وابستگی دولت مراکش بمنشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر که بکرات اعلان گردیده — است رای اخیر نماینده ما در سازمان ملل متحد در تائید پیشنهاد مربوط بترك کلیه تبعیضات و تعصبات نژادی و مذهبی و همچنین مقررات قانون اساسی ما قطعا و بطور صریح مخالف و مباین با صدور چنین رایی میباشد .

بدون شك قضیه نادر تولید انعکاسات فراوانی در داخل و خارج کشور خواهد نمود و کلیه کسانی راکه فکر میکردند آزادی و مساوات از درخشانترین فضائل کشور مراکش است مایوس خواهد کرد .

متعاقبا مقاله مفصل و بسیار جالبی در توصیف وتشریح امر بهائی نوشته شد .

در جواب آن آقای آلال الفاسی ضمن دو مقاله حملاتی بامر نمود و حتی تهدید کرد که علیه نویسنده

مقالات مزبور اقامه دعوی نماید . مدیر روزنامه در جواب نامه فاسی ستون مخصوص در روزنامه خود تحت عنوان (تریبون) باز نمود و از خوانندگان خود دعوت کرد که هر گونه مقاله ای که مایلند درباره دیانت بهائی بنویسند برای درج در آن ستون ارسال دارند . در شماره بعدی روزنامه مقالات موافقی راجع بامر مبارك که تقریبا یك صفحه کامل روزنامه را اشغال نموده بود چاپ گردید . و نکته جالب این بود که در همین شماره شرحی را که آقای فاسی درباره امر مبارك نوشته بود و تفصیلی که از دائرة المعارف لاروس استخراج شده بود در مقابل هم قرارداده بودند .

بلافاصله پس از دریافت خبر مربوط برای دادگاه دفتری در یکی از مهمانخانه های نیویورك یعنی همان هتلی که هیکل مبارك حضرت عبد البهاء یکبار در آن اقامت فرموده بودند دائر گردید تا فعالیتهای مربوط باستخلاص یاران مظلوم و محکوم بهائی در آنجا متمرکز گردد از تاریخ تشکیل این دفتر تا کنون عده ای از یاران شب و روز — مشغول فعالیت بودند چون کلیه مساعی احباء جهت فراهم کردن زمینه رسیدگی باتهام متهمین بنحو بیغرضانه و بر اساس قانون اساسی با شکست مواجه گردید لذا قبل از اعلام نتیجه استیناف ایادی امرالله در سراسر

جهان اجازه دادند که وسائلی جهت جریان امر بطور مشروح در مطبوعات متمدد فراهم نمایند .

همچنین اجازه داده شد که با دول مختلف تماسهائی بدین منظور حاصل شود و منجمله از طرف محفل ملی انگلستان تلگرافی بملکه الیزابت دوم مخابره شد شورای بین المللی بهائی با (اوتانت) دبیر کل سازمان ملل متحد و سایر مقامات مهمه مکاتبه نمود و انجمن انگلیسی وابسته بمجمع ملل متحد راءساً و مستقلا باوتانت تلگراف نموده و ضمن آن از معظم له درخواست کرد که در این امر مداخله نماید .

محفل ملی ایالات متحده امریکا نیز بنمایندگی کلیه بهائیان آن کشور با مقامات عالیرتبه دولتی مذاکرتی بعمل آوردند .

چون جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شب ۲۱ دسامبر ختم میشد تلگرافهائی به ۳۵ هیاءت نمایندگی مجتمع در جلسه مزبور مخابره و از آنان تقاضا شد که طبق قرارداد منع کشتار دسته جمعی که قسمتی از قوانین بین المللی محسوب میشود نسبت بقضیه محکومین کمك و مساعدت نمایند .

روز بعد بموجب گزارش جریده (ابزرور) Observer

چاپ لندن که باعث نگرانی و وحشت عمومی گردید قرار بود احکام اعدام روز چهارشنبه که مصادف باروز جشن میلاد مسیح بود اجراء گردد . بلافاصله اکثر محافل ملی درخواست شد که به اوتانت دبیر کل سازمان ملل تلگراف نمایند ولی خوشبختانه معلوم گردید که گزارش مزبور مبتنی بر اطلاع صحیح نبوده است .

از آن تاریخ ببعد سیل تفاسیر مختلفی که در مطبوعات جهان (راجع بموضوع محکومین مراکش) جریان داشته بمراتب بیش از مطالبی است که در موقع تضییقات وارده به احبای ایران در سال ۱۹۵۵ انتشار یافت ضمنا کمکهائی از طرف افراد نیز نفوذ در کشورهای مختلف جهان و از جمله کمیسیون بین المللی قضاوت و حقوقدانان بعمل آمد و قرار است کمیسیون مزبور یکنفر ناظر برای شرکت در جلسه دادگاه استیناف که در اواخر ژانویه تشکیل میگردد اعزام دارد .

در تاریخ اول ژانویه از کلیه محافل ملی و محلی درخواست گردید که تلگرافهائی بسلطان مراکش مخابره و درخواست اجرای عدالت را نمایند . بدیهی است این اقدام بنفسه هرگونه تردیدی را از اذهان اولیای امور در پیشرفت امرالله در اقطار مختلفه عالم بر طرف خواهد نمود

سپس در تاریخ دوم ژانویه از رادیوموناکو اعلام گردید که آقای آلال الفاسی و دونفر دیگر از وزرای کابینه مجبور با ستعفا گردیدند . وقوع این بحران در کابینه مراکش علل مختلفه داشته است ولی یك علت عمده اش خشم و نفرتی بود که در اثر محاکمه نادر ایجاد شده بود . این است وضعی که تا این لحظه قبل از تشکیل دادگاه استیناف که در اواخر ژانویه یا اوائل فوریه بموضوع رسیدگی مینماید پیش آمده است .

اخباری که هم اکنون حاصل شده حاکیست که احباء توانسته اند در تاریخ ٢٤ دسامبر بملاقات زندانیان بروند که با وجود اینکه تحت فشار هستند اند شجاعت و بردباری قابل ملاحظه ای از خود نشان داده حتی یکی از زندانیان آقای فواد طحان که مهاجر اهل سوریه میباشد با ناراحتی فراوان اظهار میداشت که نسبت بحکم او استیناف داده اند و چنانچه در این موضوع موفقیت حاصل شود از موهبت شهادت محروم خواهد شد .

بطوریکه در اخبار امری قبلی ذکر شده با فتوحات عظیمی که در میدان تبلیغ حاصل میشود طبعا بایستی منتظر چنین حملاتی بود و بطوریکه اکنون شاهد آن هستیم ثمرات این حملات حصول فتوحات متزایده امریه ا ست

بقسمیکه بدون وجود این حملات ممکن نبود بچنین نصرت عظیمی نائل شویم .

از ابتدای این واقعه یگانه هدف اهل بهاء تامین عدالت و آزادی برای احبای مظلوم و محکوم بوده و هیچ گاه نظر بر این نبوده است که دولت مراکش را بدنام نمائیم بلکه سختگیری آنها و عدم درایت دشمنان امرالله در آن کشور خود انظار جهانیان رامتوجه نموده و از این رویه ظالمانه انتقادکرده اند وجامعه‌بهائی را قدم بقدم تا مرحله ای سوق داده اند که یگانه وسیله را استمداد از بزرگترین مراجع بین المللی و تشبث بحسن نیت جماعات بشری دانسته بدین ترتیب دشمنان امرالله خود رافاقد قدرت مشاهده نموده و مواجه با این حقیقت شده اند که بدست خود نام امر الله را علی رئوس الاشهاد نه تنها گوشزد افراد کشور مراکش نموده اند بلکه شهرتش را جهانگیر ساخته اند .

شورای بین المللی بهائی . مرکز جهانی امرالله ــ ۹ژانویه ۱۹٦۳ .